



اثر نذری حافظ از قرآن و احادیث

جستاری از: عباس اسلامی نژاد
با مقدمه: استاد سید محمد راسکو





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اثریذیری حافظ از قرآن و احادیث

با مقدمه استاد سید محمد راستگو

جستاری از:

عباس اسلامی نژاد آرائی

اسلامی نژاد آرائی، عباس، ۱۳۳۵ -
 اثرپذیری حافظ از قرآن و احادیث / جستاری از
 عباس اسلامی نژاد آرائی؛ با مقدمه محمد راستگو. —
 کاشان: مرسل، ۱۳۷۵.
 [۱۳۶] ص.

ISBN 964-90477-6-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 کتابنامه: ص. [۱۳۶]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 چاپ دوم: ۱۳۷۹.
 ۱. حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان
 -- نقد و تفسیر. ۲. شعر فارسسی -- قرن ۸ق. --
 تاریخ و نقد. ۳. قرآن -- تاثیر -- حافظ، شمس الدین
 محمد، - ۷۹۲ق. ۴. حافظ، شمس الدین محمد، -
 ۷۹۲ق. -- معلومات -- قرآن. ۵. حافظ، شمس الدین
 محمد، - ۷۹۲ق. -- معلومات -- حدیث.
 الف. حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان.
 شرح. ب. راستگو، محمد، ۱۳۳۵ - ، مقدمه نویسی.
 ج. عنوان. د. عنوان: عنوان. شرح.

۸ فا ۳۳

PIR۵۴۳۷/الف

الف ن/۱۹۸۵ ح

۷۶-۵۰۲۵م

کتابخانه ملی ایران

انتشارات مرسل

- اثرپذیری حافظ از قرآن و احادیث
- عباس اسلامی نژاد
- چاپ دوم / ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰ نسخه
- چاپخانه الهادی
- شابک X - ۶ - ۹۰۴۷۷ - ۹۶۴
- حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه - دکتر سید محمد راستگو
۸	اشاره
	بخش یک :
۱۱ - ۱۵	گونه های اثر پذیری شعر فارسی از قرآن و حدیث
	بخش دو :
۱۹ - ۵۲	اثر پذیری واژگانی و لغوی
	بخش سه :
۵۵ - ۹۵	اثر پذیری مضمونی
	بخش چهار :
۹۹ - ۱۰۳	اشعاری که در دیوان حافظ تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی یافت نشد.
	بخش پنج :
۱۰۷ - ۱۱۶	حافظ و ادب عربی
	بخش شش :
۱۱۹ - ۱۲۱	حافظ و ارسال المثل عربی
۱۲۴ - ۱۲۹	فهرست آیات قرآنی
۱۳۰ - ۱۳۲	فهرست احادیث
۱۳۳ - ۱۳۵	فهرست اشعار عربی
	فهرست منابع

شعر حافظ که همه بیت‌الفضل معرفت است، عصاره فکر و فرهنگ ماست و آیینه ذهن و ضمیر ما. جام جمی است که هر کس نقش خویش را در آن می‌بیند و از حرف حرف آن صدای آشنا می‌شنود. و در واژه واژه آن درد و داغها و امید و نویدهای خویش را می‌یابد. و از اینجا است که در همه ششصد سالی که از روزگار او می‌گذرد، شعر او بیش از شعر هر شاعر دیگری خوانده شده، نوشته شده و نشر شده است. امروزه نیز از سه چهار دهه پیش بدین سو که بازار بحث و بررسی‌های ادبی به شیوه نوین داغ شده است، بحث و بررسی درباره حافظ از دیدگاههای گوناگون پربرگ‌ترین دفتر پژوهش‌های ادبی - فرهنگی را به خود ویژه ساخته است تا آنجا که شاخه تازه‌ای با نام «حافظ پژوهی» بر پژوهش‌های ادبی - فرهنگی افزوده شده و کسانی با نام «حافظ پژوه» آوازه یافتند و ذهن‌وزبان حافظ را از دیدگاههای گوناگون ادبی، هنری، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... به پژوهش نهادند. و هرچند در این جمعه بازار ادبی - فرهنگی کسانی به ناسزا قلم به دست گرفتند و به ناروا صفحاتی سیاه کرده‌اند، اما در میان حدود پانصد کتاب و رساله‌یی که در حول و حوش پانصد غزل حافظ نوشته شده کارهای خواندنی و ماندنی و پژوهش‌های سنگین و سنجیده کم نبوده است.

باری یکی از ویژگیهای آشکار شعر حافظ که از دیرباز پژوهشگران را بدان توجه بوده، نقش و نگارهای هنرمندانه‌ای است که او با بهره‌گیری از قرآن و حدیث، شعر خویش را بداتها آذین بسته است براین ویژگی - که برخاسته از ساختار شخصیتی حافظ است، حافظی که قرآن را در حافظه داشت و آن را در چهارده روایت از بر می‌خواند و خلوت شبهای تار خویش را با آن روشن می‌بخشید و بیشترین سرگرمی‌اش در مدرسه بحث کشف و گشاف بود - پیش از همگان خود حافظ اشارتی آشکار و افتخار آمیز دارد:

زحافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد لطایف حکمی با نکات قرآنی

پس از او نیز بسیاری از پژوهشگران این ویژگی شعر او را به پژوهش نهادند از جمله، پرتو علوی در «عقاید و افکار خواجه»، دکتر زرین‌کوب در «از کوچه زندان» فرغام‌فر در «حافظ و قرآن»، بهاءالدین خرمشاهی در «حافظ‌نامه»، دکتر زریاب در «آینه جام»، دکتر دادبه در مقاله «نگاهی به الهام‌های حافظ از احادیث»^(۱) و ... و ویژگی دیگر شعر او بهره‌هایی است که از ادب عربی گرفته و در کتابهای یادشده، به ویژه دو کتاب «از کوچه زندان» و «آینه جام» نیز مقاله «حافظ و ادب عربی»^(۲) بدان پرداخته شده است.

اینک جای خوشوقتی است که جناب آقای اسلامی‌نژاد که از شیفتگان و علاقه‌مندان اینگونه مباحث و مقولات است، با همه دل مشغولی‌های شغلی و گرفتاری‌های کاری هفت ورزیده‌اند و تلاش‌ها کرده‌اند و بیشترین جلوه‌های اثرپذیری حافظ از قرآن، حدیث و ادب عربی را که این سوی و آن سوی پراکنده بود گرد کرده‌اند و نظم و سامانی پسندیده بخشیده‌اند. اینک این «مجمع پریشانی» که بی‌گمان آسان فراهم نیامده، می‌تواند آسان دوستداران این‌گونه مباحث و مقولات را راه نماید و به کار آید. خدای بزرگ توفیق او را افزون کند ایدون باد.

سید محمد راستگو

نگارنده دژ طی سالهای اخیر و در خلال رفت و آمدهایی که به محافل فرهنگی - ادبی شهرستان آران و بیدگل داشته است، ثمره شیرین و امیدوار کننده فعالیت‌های فرهنگی جوانان این شهرستان را مشاهده کرده است. بنابراین برای همراه شدن با این عزیزان فرهنگ دوست و با توجه به مداومتی که در دهه گذشته با محافل ادبی - فرهنگی و بویژه در ارتباط با شعر حافظ داشته است، و همچنین از روی علاقه‌ای که به پویایی فعالیت‌های فرهنگی - ادبی منطقه خود دارد، مجموعه حاضر را تحت عنوان «اثر پذیری حافظ از قرآن و احادیث» تهیه و تقدیم نموده است. امید است با این کار توانسته باشد در رونق بخشیدن به این حرکت فرهنگی سهمی باشد.

در این مجموعه سعی شده است برداشتهای ادبی حافظ از «قرآن و احادیث» بطور اجمال نشان داده شود اما نیک می‌دانیم که دنیای حافظ و ابعاد شخصیت او بسی فراتر از اندیشه‌های محدود و قلم‌های ناتوان ماست. لذا امیدواریم روزی فرا برسد که «حافظ شناسی» در کشور ما موقعیت شایسته خویش را بیابد.

روش کار:

این مجموعه در شش بخش تهیه و تنظیم شده است.

بخش یک: «گونه‌های اثر پذیری شعر فارسی از قرآن و حدیث». که قسمتی است از تقریرات استاد بزرگوارم دکتر سید محمد راستگو که از کلاسی درس «تأثیر قرآن و حدیث بر شعر فارسی» ایشان، تندنویسی و یادداشت برداری شده است. و یادگاری است از دوران دانشجویی اینجانب در سال ۶۷

بخش دو: شامل «اثر پذیری واژگانی و لغوی». بدین معنا که در دیوان رند شیراز هر کجا با واژگان و ترکیباتی روبرو می‌شویم که ریشه قرآنی و حدیثی دارد بصورت الفبایی آورده شده است.

بخش سه: «اثر پذیری مضمونی» در این بخش اشعاری که اشاره و اقتباس و تلمیح به آیات و احادیث داشته نقل گردیده است.

بخش چهار: اشعاری که در دیوان قزوینی - غنی یافت نشد و اشاره و اقتباسی به آیات و احادیث دارد، از دیوان حافظ چاپهای انجوی شیرازی - پژمان بختیاری - حافظ قدسی - شرح عرفانی غزلهای حافظ آورده شده است.

بخش پنج: «حافظ و ادب عربی». در این بخش از کتاب «کوچه رندان» دکتر زرین کوب و «حافظ شیرین سخن» مرحوم دکتر محمد معین و مجله «یادگار» مقاله مرحوم علامه قزوینی استفاده شده است.

بخش شش: در این بخش درباره «حافظ و ارسال المثل» عربی سخن گفته شده است و در پایان فهرست آیات و احادیث و نیز فهرست اشعار عربی ذکر گردیده است.

در خاتمه از شرکت ره‌آورد کویر که در تاپ این مجموعه زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی بعمل می‌آید.

عباس اسلامی نژاد

اشاره بر چاپ دوم

حمد و سپاس خدای مهربان را که به این بنده کمترین توفیق و عنایت فرمود که به چاپ کتاب «اثرپذیری حافظ از قرآن و احادیث» همت بگذارم و توجهات و عنایت باری تعالی سبب گردید که این اثر مورد استقبال اساتید و حافظ‌پژوهان و دانشجویان عزیز قرار گیرد و در مدت کمی چاپ اول آن به پایان برسد.

از اینکه استادان و دوستان، اینجانب را مورد التفاوت خود قرار دادند و در مورد کتاب نقد و نظر خود را ارائه داده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. خاصه یادداشتی که توسط یکی از زبندگان روزگار و از برگزیدگان افاضل، استاد بی‌نظیر حضرت دکتر علی فاضل این بنده را مورد عنایت خود قرار دادند سپاسگزارم.

به‌طوری که در چاپ قبلی اشاره گردید؛ حافظ‌پژوهی هنوز در اول راه است و به قول حافظ‌شناس پژوهنده جناب مستطاب حضرت بهاء‌الدین خرمشاهی در «حافظ‌نامه»: «کارنامه حافظ‌شناسی ایران پر برگ است اما پر بار نیست» به امید روزی که شاهد هرچه پر بار شدن حافظ‌پژوهی در این مرز و بوم باشیم. بار دیگر از خداوند تبارک و تعالی سپاسگزارم که با همه گرفتاری‌های شغلی و کاری عنایت فرموده تا کتاب را به چاپ دوم بسپارم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از مدیرمسئول انتشارات مرسل کاشان که در تهیه و چاپ کتاب زحمات زیادی را متحمل شده‌اند تشکر و قدردانی به عمل آید.

از خدا خواهیم توفیق ادب.

آبان‌ماه ۱۳۷۹

عباس اسلامی نژاد آرانی

شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۵ خورشیدی
مصدق بستی نشانی ۱۸۵ - ۱۹۵۸۵

تحریر

نسیه بیه در و گداز آتاریس سپهر زارادایک اله متالی

بالمحدوده رفته شرف لطف آن عزیزان عزیز مورخ ۶۵/۱۰/۵ را در بازگشت از غرضت کرامت بنفتم به
جمعه ای خوانده و سواد شد، ذیل عنوان زیبای، اثر بدیعی صفت از زبان واحدیت، اثر ای
ولا ویر و غیره که در پیشگاه کاندیدان در این توطئه، علی الخصوص روح و طراز به تقدیم ای بس مستح
تعبیر شما، و متعاقب ایمان راجع این باخیز - "کز هتاد و دلیسته، ادبی ثابته، محقق از دین" ،
حافظ شمس بر چمن، رسیدی دل شسته، حضرت هتاد سید سید سید که کسوت چیت محار
مردگزار و جهاد مدنون بدست، و دشت طافت و کشته آموز عرفان، و دهلک و دلدوب
دیشان ایرانی، و صاف و صافیم گزاینده ای شمس، اینجا به وجه شرف آن عزیز مادر الوه
زین دین یافته است.

در ضمن کوتاه که دست داد، کتاب نهاده را علی الحداد تقدیم کردم، و جای جایی تا آنجا
چونیت که قهر و محروم قنای که از خود رخ آن مجرب شد شتم، بگفتا در حله گفت
کتاب ناگوارم چشم بایست که از خودم تفتاد، در ۱۲، بر چمن مرشدین شد به تعادیت؟
در هیچ سری نیست که سری ز غفایت صبح دوم این است را بدان شاد تعقی کتاب هر سیم حسن خط
ماهی الهه مقامه، در سال دوم بنیان، در در عین شمس، برای شمش و شمش، خانه نرین و شمش نگاری
حرف خود در مکان اودان برار که کاندید و خود می نمود، بر این داشته بودند که لذت آن روز باز چنان
نرمه و حشده ای بس قدیم عدم چنین در نوع خاطرم لحظه مانده است، و بدان ای شمش عزیز
چون قهر پیش بنیاد که داشته حایم بخیر کینست حرف خود، روح و طراز شمس است که آن در شمس است
به پروانه مدنیاید، و در روز از یاق جان به بدان پیش ناز گردد، و چه آنکه عین و چه و راسته
باری، می گویم تا آن شاد الهه نیز، در ضمن بنای و ساد که مطالعه ثابت این طور که از این شمس
و چشمم سیم خالصه در تب لایق قنای را به آن سید نجیب و صاف مجرول الهه هتاد و ز سید سید سید که ای عزیز
ایزدان حافظ شما، ایام بکام، و در بین زمان در بستر بیدار نشانی برنده از این سید سید با و خام و سیم و سیم

بخش یک

گونه‌های اثر پذیری شعر فارسی از قرآن و حدیث

سید محمد راستگو استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های کاشان

«... بطور کلی شعر هر شاعر بیانگر اندیشه‌ها و افکار و اعتقاد اوست و به دیگر سخن شعر آینه‌ای است که می‌توان در آن جلوه‌های افکار و اعتقادات و بینش‌ها و برداشتهای شاعر را به تماشا نشست به همین دلیل شاعری که مسلمان است و در دامن فرهنگ اسلامی رشد کرده و با قرآن و حدیث سروکار داشته خواه ناخواه جلوه‌های این آشنایی در شعر او منعکس خواهد بود.

افزون بر این در روزگارانی که شاعران پارسی زبان به شعرگویی روی کرده بودند، فرهنگ زرتشتی - ایرانی تقریباً از میان رفته بود و فرهنگ اسلامی - عربی در سراسر ایران ریشه دوانیده بود. نیز آشنایی با عربی و تفسیر قرآن و حدیث در آن روزگار نشانه فضل و کمال و روشنفکری و فرهنگ‌مداری فرد به حساب می‌آمد و به همین دلیل شاعرانی که می‌خواستند خود را دارای فضل و کمال نشان بدهند و خویش را از نظر فرهنگی و روشنفکری در طبقه بالای جامعه نمایش دهند، می‌کوشیدند تا به گونه‌های مختلفی فرهنگ عربی - اسلامی و از آن جمله آیات و روایات را در شعر خویش بکار برند و به اینگونه فضل و کمال خویش را به رخ دیگران کشند. به همین دلیل گاه می‌شد که شاعری آیات و روایاتی را در شعر خویش می‌آورد بی آنکه چندان اعتقادی به آنها داشته باشد.

تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی در دوران نخستین چندان چشمگیر و آشکار نیست. مثلاً در شعر شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی و امثال اینها تأثیر قرآن و حدیث بسیار کم است. اما با رواج و رونق یافتن شعر و ادب، تأثیر قرآن و حدیث افزونی می‌گیرد. تا آنجا که در قرن هفتم و هشتم به اوج خود می‌رسد. و در این روزگاران شعر شاعرانی چون سنائی، عطار، مولانا، حافظ و غیره به گونه آشکاری آمیخته با مفاهیم قرآنی و روایی است و شاید اوج آن در شعر مولانا به ویژه در مثنوی شریف باشد.

این نیز گفتنی است که شاعرانی که به فرهنگ اسلامی عشق و ارادت می‌ورزیدند، نظیر مولانا و عطار، آیات و روایاتی را در شعر خویش نه به قصد خودنمایی و فضل فروشی که به دلیل اعتقادی و آرمانی بکار می‌گرفتند.

شیوه‌های اثرپذیری شعر و ادب پارسی از قرآن و حدیث را می‌توان به گونه زیر دسته‌بندی کرد:

الف: اثرپذیری واژگانی و لغوی:

مقصود این است که مادر آثار ادبی چه منظوم چه منثور با واژگان و ترکیبات بسیار روبرو می‌شویم نظیر: آدم - موسی - عیسی - مریم - نوح - شداد - فرعون - نمرود و ... (رک به بخش - واژگانی) و واژه‌های شرعی چون: توکل - طواف - شکر - صبر - نماز - روزی و ترکیبات: بیت الاحزان - پیراهن یوسف - صبر ایوب - وادی ایمن - انگشتی سلیمان - هدهد صبا و صدها واژه و ترکیبات دیگر، که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و اگر قرآن و حدیث نبود آن واژگان نیز در زبان و آثار شاعران و نویسندگان کاربردی نداشت. بنابراین قرآن و حدیث بر غنای واژگانی فرهنگ ما اثری آشکار داشته‌اند.

ب - اثرپذیری قالبی و شکلی:

اثرپذیری قالبی یعنی اینکه یک اثر ادبی شکل و شیوه بیان خویش را از قرآن گرفته باشد. آنگونه که در مثنوی مولانا می‌بینیم که شکل ظاهری آن از این جهت که مانند کتابهای متداول نظم مدون و مبوب ندارد و به ظاهر بی نظم و آشفته می‌نماید کاملاً با قرآن همانند است. البته این بدان معنی نیست که قرآن و مثنوی بی نظمند زیرا آشنایان و راه یافتگان به این دوائر از ورای بی نظم ظاهری نظم درونی و باطنی را به روشنی می‌بینند، و نظم بی نظم را در

این دو کتاب جلوه گر می یابند.

دور نیست مولانا که بی تردید عمری با قرآن انس و آشنایی داشته و از آن کتاب عظیم بهره های فراوانی برده مثل خیلی از موارد دیگر به سنت شکنی پرداخته و کتاب بزرگ خویش را بر خلاف دیگر کتابها که نظم ظاهری و شناخته شده دارند به پیروی از قرآن بصورتی به ظاهر بی نظم درآورده است.

نمونه دیگر در مورد غزل به ویژه از قرن هشتم به بعد است که میان ابیات آن پیوستگی معنایی وجود ندارد و هر بیتی برای خویش استقلال مفهومی دارد، و به همین دلیل جابجایی ابیات و همینطور کم و زیاد کردن آنها تغییر محسوسی در غزل ایجاد نمی کند. این گسستگی مفهومی ابیات غزل که تقریباً در شعر حافظ کاملاً آشکار است و در شاعران بعدی نیز اثر گذاشته، به قول استاد خرماشاهی شاید معلول و پیامد انس و آشنایی حافظ با قرآن باشد. (بنگرید به مقاله او «قرآن و اسلوب هنری حافظ» در کتاب ذهن و زبان حافظ)

ج- اثر پذیری مضمونی:

که خود در مرحله اول به دو گونه معنوی و لفظی معنوی تقسیم پذیر است. اثرپذیری معنوی خود به دو گونه ترجمه و شرح، تقسیم پذیر است ترجمه مانند این بیت مولانا:

ادمی مخفی است در زیر زبان	این زبان پرده انت بت بر درگاه جان
که مصرع نخست آن ترجمه این سخن پیامبر (ص) است: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»	
و شرح مانند این اشعار فردوسی:	

بیاورد گاو از چراگاه خویش	فراوان گیا برد بنهاد پیش
به پستانش بر دست مالید و گفت	بنام خداوند بی یار و جفت
تهی دید پستان گاوش ز شیر	دل میزبان جوان گشت پیر
چنین گفت با شوی، که ای کدخدا	دل شاه گیتی دگر شد به رای
بدو گفت شوی از چه گویی همی	به فال بد اندر چه جویی همی
بدو گفت زن که ای گرانمایه شوی	مرا بیهوده نیست این گفت و گوی
زگردون نتابد ببايست ماه	چه بیدادگر شد جهاندار شاه
به پستانها در، شود شیر خشک	نبود به نافه درون تیوه مشک
گسناه و ریا آشکارا شود	دل نرم چون سنگ و خارا شود
شود خایه در زیر مرغان تباه	هرآنکه که بیدادگر گشت شاه

که شرح واره ای است بر این سخن رسول (ص): «اذا تغير السلطان تغير الزمان» * اذا فسد

السلطان فسد العالم».

اثرپذیری مفهومی شکل دیگری نیز دارد که می‌توان آنرا نیمه ترجمه نامید به این معنی که شاعر آیه و روایتی را می‌گیرد پاره‌ای از الفاظ آنرا به زبان خویش برمی‌گرداند و پاره دیگر را بشکل اصلی می‌آورد مانند این شعر سلمان ساوجی:

قصه سلمان بگو و ر عار داری استماع گو که منگر من يقول ای دوست بشنو مايقول
که ترجمه‌ای است از این روایت: «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ» بگوینده نگاه مکن به سخن نگاه کن.

د- اثرپذیری لفظی معنوی که به گونه‌های تلمیح و اقتباس تقسیم‌پذیر است.
اقتباس یعنی شاعر یا نویسنده آیه یا روایتی را در سخن خویش بیاورد خواه بی هیچ تغییری و خواه با اندک تغییری که ضرورت وزن و قافیه ایجاب می‌کند و نیز خواه با همان مفهوم اولیه و یا از روی تشبیه و مجاز به معنی دیگر.
مثال:

شوخی که بود طلعت او غیرت ماه دین و دل من برد یک طرفه نگاه
تا چشم من افتاد به رویش گفتم لا حول ولا قوة الا بالله

عبارت یاد شده بی هیچ تغییر لفظی و معنوی بکار گرفته شده:

از سر شب تا سحر بر آن رخ چون آفتاب برافشاندم زلف او حتی توارت بالهجاب
در این مثال قسمت اقتباس شده هر چند تغییر لفظی ندارد اما تغییر مفهومی دارد زیرا مفهوم اصلی آن غروب و ناپدید شدن خورشید است و مفهوم اصلی آن در این بیت پنهان شدن چهره معشوق در زیر گیسوان.

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت

که در این مثال نیز مفهوم آن از روی تشبیه تغییر یافته است.

این نیز گفتنی است که کسانی بکار بردن آیات و روایات را با همان الفاظ عربی «درج» نامیده‌اند و بکار بردن مضمون و مفهوم را بدون الفاظ عربی «حل» نامگذاری کرده‌اند.

نوع دیگری از اقتباس مضمونی: به این شکل است که شاعر مضمونی از آیه یا روایتی می‌گیرد و بی آنکه آنرا ترجمه کند دست مایه‌ای قرار داده و به کمک آن به مضمون سازی

می پردازد (مانند ترجمه آزاد).

عیب رندان مکن ای زاهد یا کیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

سوره نجم آیه ۳۸: «الَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ الْأُخْرَى» هیچ کس بار گناه دیگری را نمی کشد.

هـ- تلمیح: نوع دیگری از اثرپذیری شعر از قرآن و حدیث به این صورت است که شاعر بی آنکه خود آیه یا روایت و یا مضمون آنها را در سخن خویش بیاورد به آنها اشارتی می کند که این نوع را در بدیع تلمیح نام نهاده اند.

آسمان بار امانت نتوانست کشید قریه فال به نام من دیوانه زدند

که تلمیح و اشارتی دارد به آیه امانت: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ما امانت خویش را بر آسمانها و کوهها عرضه دادیم از پذیرفتنش سرباز زدند و از قبولش ترسیدند و اما انسان آنرا به دوش کشید که ستمگری نادان بود.

گرش بینی و دست از ترنج بشناسی روا بود که ملامت کنی زلیخا را

تلمیح و اشاره به آیه ۳۱ از سوره یوسف دارد: «فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَهْتَدَتْ لَهُنَّ مُكَّاءً وَ آتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَ قَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيْنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَعْنَ آيِدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ خَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» پس چون شنید زلیخا مکر ایشان را فرستاد به دعوت ایشان و مهیا کرد برای ایشان تکیه گاهی و داد به دست هریک از ایشان کاردی و ترنجی و گفت: بیرون آی ایشان پس چون دیدند او را بزرگ داشتندش و بریدند دستهای خود را و گفتند پاک است خدا، نیست این آدمی، نیست این مگر فرشته ای بزرگوار...»

بخش دو

اثر پذیری واژگانی و لغوی

حرف الف:



آخرت^(۱) (۱ بار)

۳۳۸/۴۷۷/۲

من این مقام به دنیا و آخرت ندهم

آدم (۲۰ بار)

۶/۷/۶

آدم بهشت روضه دارالسلام را

۴۱/۵۷/۴

سر آن دانه که شد رهن آدم با اوست

۱۰۳/۱۵۲/۲

عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

۱۲۴/۱۸۴/۱

گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

۱۳۵/۱۹۹/۷

کاندرا آنجا طینت آدم مخمر می کنند

۱۴۰/۲۰۶/۱۰

شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد

۱۸۰/۲۶۶/۴

بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز

۲۱۶/۳۱۷/۳

آدم آورد در این دیر خراب آبادم

۲۳۲/۳۳۸/۳

من آدم بهنستی ام اما در این سفر

۱- نکته: ۱. ابیات مورد نظر در این مجموعه از دیوان حافظ، تصحیح علامه فروبنی - دکتر قاسم غنی انتخاب گردیده است.

۲- شماره های سمت چپ صفحه به ترتیب از چپ به راست بیانگر: شماره صفحه / غزل / بیت می باشد.

۲۳۹/۳۴۸/۲	کآتش اندر گنه آدم و حوا فکنم
۲۵۳/۳۶۷/۱۰	ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم
۳۳۶/۴۷۴/۵	ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد
۳۴۸/۴۸۹/۱۳	جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد
۳۳۲/۴۷۰/۷	آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست
۳۳۲/۴۷۰/۷	عالمی دیگر ببايد ساخت وز نو آدمی
۲۰۳/۲۹۹/۴	چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
۲۲۰/۳۲۲/۷	که من چو آهوی وحشی ز آدمی بر میدم
	آصف (۲۰ بار)
۲۱/۲۸/۴	زبان موربه آصف دراز گشت و رواست
۳۵/۴۸/۹	ز اثر تربیت آصف ثانی دانست
۳۶/۴۹/۱۳	من غلام نظر آصف عهدم کو را
۱۱۶/۱۷۱/۱	دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد
۱۴۹/۲۱۹/۹	بنخواه جام صبو حی به یاد آصف عهد
۱۸۵/۲۷۲/۷	گو در نظر آصف جمشید مکان باش
۱۹۴/۲۸۶/۹	آصف صاحبقران جرم بخش عیب پوش
۲۱۵/۳۱۶/۸	تابه خاک در آصف نرسد فریادم
۲۴۴/۳۵۵/۸	بنده آصف عهدم دلم از راه میر
۲۴۵/۳۵۶/۸	غلام آصف ثانی، جلال الحق والدینم
۲۴۷/۳۵۹/۹	همره کوکبه آصف دوران بروم
۲۴۹/۳۶۲/۱۰	و از انتصاف آصف جم اقتدار هم
۲۵۱/۳۶۳/۹	و آصف ملک سلیمان نیز هم
۳۱۵/۴۵۲/۶	ز من به حضرت آصف که می برد پیغام
۳۱۸/۴۵۴/۱۲	می اندر مجلس آصف بنوروز جلالی نوش
۳۱۸/۴۵۴/۱۳	ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی
۳۲۴/۴۶۲/۷	صافی است جام خاطر در دور آصف عهد
۳۲۸/۴۶۷/۸	حافظا گر ندهد داد دلت آصف عهد
۳۳۶/۴۷۳/۱۳	حال خود بخوام گفت پیش آصف ثانی
۳۶۱/۱۱	آصف عهد زمان جان جهان نورانشاه

آیت (۵ بار)

۹/۱۰/۵	روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد
۳۴/۴۸/۷	ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی
۱۱۶/۱۷۰/۷	نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری
۱۴۲/۲۰۹/۸	آیتی بود عذاب انده حافظ بی تو
۳۰۴/۴۳۷/۳	هر سطری از خصال تو وز رحمت آیتی

احرام (۳ بار)

۲۲/۳۰/۷	احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست
۴۹/۷۰/۲	اشکم احرام طواف حرمت می بندد
۵۷/۸۲/۷	احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست

ارم (۳ بار)

۴۶/۶۵/۴	معنی آب زندگی و روضه ارم
۳۰۳/۴۳۶/۵	مفروش به باغ ارم و نخوت شداد

ارنی (۱ بار)

۲۵۷/۳۷۳/۴	همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم
-----------	----------------------------------

ازل - ازل (۲۸ بار)

۱۰۹/۱۶۱/۶	در کار گلاب و گل حکم ازل این بود
۱۷۴/۲۵۶/۶	چو قسمت ازل بی حضور ما کردند
۸/۱۰/۳	کاینچنین رفته است در عهد ازل تقدیر ما
۱۳/۱۶/۹	نصیب ازل از خود نمی توان انداخت
۳۲/۴۵/۷	چنین که حافظ ما مست باده ازل است
۴۴/۶۲/۴	هر که چون من در ازل یک جرعه خور داز جام دوست
۵۶/۸۰/۵	ناامیدم مکن از سابقه لطف ازل
۷۶/۱۱۱/۵	ایسم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد
۹۱/۱۳۳/۹	حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
۱۰۳/۱۵۲/۱	در ازل پر تو حسنت ز تجلی دم زد
۱۱۲/۱۶۵/۳	مرار و ز ازل کاری بجز رندی نقرمودند
۱۲۱/۱۷۸/۶	جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت
۱۴۰/۲۰۶/۴	از دم صبح ازل تا آخر شام ابد

- در ازل هر کو به فیض دولت ارزانی بود
۱۴۸/۲۱۸/۱
- فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل
۱۷۶/۲۶۰/۲
- در ازل داداست ما را ساقی لعل لب
۱۸۰/۲۶۵/۷
- مظهر لطف ازل، روشنی چشم امل
۱۹۹/۲۹۳/۸
- روز ازل از کلک تو یک قطره سیاهی
۲۰۷/۳۰۴/۴
- یارب این قافله را لطف ازل بدرقه باد
۲۱۱/۳۱۰/۲
- آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم
۲۱۷/۳۱۹/۶
- دارم از لطف ازل جنت فردوس طمع
۲۱۸/۳۱۹/۷
- گفتی ز سر عهد ازل یک سخن بگو
۲۳۲/۳۳۸/۲
- بود که لطف ازل رهنمون شود حافظ
۲۳۲/۳۳۷/۷
- سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
۲۵۶/۳۷۱/۳
- آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم
۲۶۲/۳۸۰/۲
- فیض ازل به زور و زرار آمدی بدست
۳۰۶/۴۳۹/۵
- ازلش: ش ضمیر مفعولی
۱۴/۱۶/۱۰
- که بخشش ازلش در می مغان انداخت
ازلم: م ضمیر اضافه به گوش
- حلقه پیر مغان از ازلم در گوش است
۱۳۹/۲۰۵/۲
- استخاره - استخاره کردن (۲ بار)
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
- به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم
۵۰/۷۲/۲
- اسلام (۱ بار)
۲۴۰/۳۵۰/۱
- چنان زنده ره اسلام غمزه ساقی
۱۲۷/۱۸۸/۴
- اسم اعظم (۴ بار)
اسم اعظم میکند کار خود ای دل خوش باش
- کاسم اعظم کرد از او کوتاه دست اهرمن
۱۵۴/۲۲۷/۴
- چو اسم اعظم باشد چه باک از اهرمن دارم
۲۶۹/۳۹۰/۳
- بر اهرمن نتابد انوار اسم اعظم
۲۲۳/۳۲۷/۶
- الست (۴ بار)
۳۴۸/۴۸۹/۳
- بلی به حکم بلا بسته اند عهد الست
۱۹/۲۵/۵

۱۸/۲۴/۱	که به پیمانہ کشی شهره شدم روز الست
۲۰/۲۶/۵	که ندادند جز این تحفه به ما روز الست
۱۰۱/۱۴۸/۵	جامی ز می الست گیرد العباد (۱ بار)
۳۰۴/۴۳۸/۳	توکلنا علی ربّ العباد الغفور (۱ بار)
۱۷۲/۲۵۴/۶	گوید تو را که باده مخور گو هو الغفور الغنی (۱ بار)
۳۴۰/۴۷۹/۶	تا بشنوی ز صوت مغنی هو الغنی القیامه (۱ بار)
۲۹۵/۴۲۶/۱	انی رأیت دهرأ من هجرک القیامه الله (۱۴ بار)
۱۴۳/۲۱۱/۶	انله الله که تلف کرد و که اندوخته بود
۲۰۴/۳۰۱/۱	حق نگهدار که من می روم الله معک
۲۰۶/۳۰۲/۵	صرف الله عنک عین کمال
۲۰۶/۳۰۲/۶	یا برید الحمی حماک الله
۲۰۹/۳۰۷/۱	هر کو شنید گفتا لله دُرّ قابل
۲۱۲/۳۱۲/۱	لله حمد معترف غایة النعم
۲۹۵/۴۲۶/۵	والله ما رأینا حباً بلا ملامه
۳۰۵/۴۳۸/۸	بلیل مظلم والله هادی
۳۱۹/۴۵۵/۹	یسر الله طریقابک یا ملتمسی
۳۲۲/۴۶۰/۵	سقاک الله من کأس دهاق
۳۲۵/۴۶۳/۱	سلام الله ما کرّ اللیالی
۳۲۶/۴۶۳/۱۲	و علم الله حسبی من سؤالی
۳۳۳/۴۷۲/۱	احمد الله علی معدلة السلطان
۳۴۶/۴۸۷/۵	بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی الهی (۴ بار)
۴۸/۶۹/۳	روی تو مگر آینه لطف الهی است
۱۱۵/۱۶۹/۹	حافظ اسرار الهی کس نمی داند خموش

۱۹۲/۲۸۴/۲	لطف الهی بکند کار خویش
۳۲۴/۴۶۱/۹	که همچو صنع خدایی ورای ادارکی
	امانت (۴ بار)
۱۲۵/۱۸۴/۳	آسمان بار امانت نتوانست کشید
۱۲۶/۱۸۶/۳	گر سالگی به عهد امانت وفا کند
۱۴۴/۲۱۳/۲	عاشقان زمره ارباب امانت باشند
۳۴۳/۴۸۴/۳	گر امانت به سلامت ببرم با کی نیست
	ایمان (۶ بار)
۸/۹/۵	در سر کار خرابات کنند ایمان را
۱۱۶/۱۷۱/۷	از چشم شوخش ای دل ایمان خورد نگه دار
۱۳۳/۱۹۷/۱	زاهدان را رخنه در ایمان کنند
۱۹۶/۲۹۰/۲	چو بید بر سر ایمان خویش می لرزم
۲۷۶/۴۰۰/۳	می ترسم از خرابی ایمان که می برد
۳۳۳/۴۷۲/۳	دیده نادیده به اقبال تو ایمان آورد
	ایمن (۳ بار)
۱۵/۱۹/۲	شب تار است وره وادی ایمن در پیش
۲۳۷/۳۴۵/۶	چاره تیره شب وادی ایمن چه کنم
۲۵۷/۳۷۳/۴	باتو آن عهد که در وادی ایمن بستم

ترکیبات

	استغفرالله (۲ بار)
۲۸۸/۴۱۷/۴	و از فعل عابد استغفرالله
۲۸۹/۴۱۸/۴	آنگاه توبه استغفرالله
	الحکم لله (۱ بار)
۲۸۹/۴۱۸/۱	گردن نهادیم الحکم لله
	الحمد لله (۱ بار)
۲۸۸/۴۱۷/۱	کارم به کام است الحمد لله
	المنة لله (۲ بار)
۲۹/۴۰/۱	المنة لله که در میکده باز است

۲۵۶/۳۷۱/۷	المنة لله که چو ما بی دل و دین بود الله اکبر (۱ بار)
۲۹/۸/۳۹	تا آب ما که منبعش الله اکبر است ام الخبائث (۱ بار)
۵/۸/۵	آن تلخ و ش که صوفی ام الخبائثش خواند

حرف ب

	بالله (۱ بار)
۳۴۶/۴۸۷/۵	بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی بحمدالله (۳ بار)
۲۲۳/۳۲۷/۵	بحمدالله والمنة بتی لشکر شکن دارم
۳۸/۵۳/۳	ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله
۲۲۳/۳۲۷/۹	چو در گلزار اقبالش خرامانم بحمدالله بسم الله (۱ بار)
۲۲۸/۴۱۶/۷	که حافظ تو خود این لحظه گفت بسم الله بولهب (۱ بار)
۴۵/۶۴/۳	چراغ مصطفوی با شرار بولهبیست بیت الحرام (۱ بار)
۱۷۸/۲۶۲/۷	گرد بیت انحرام خم حافظ بیت الحزن (۱ بار)
۱۹۰/۲۸۰/۶	بدین شکسته بیت الحزن که می آرد

حرف ت

	تبارک الله (۲ بار)
۱۷/۲۲/۲	تبارک الله از این فتنه ها که در سرماست
۱۸۹/۲۸۰/۴	تبارک الله از این ره که بیست پایانش تسبیح (۹ بار)
۵۴/۷۷/۷	ذکر تسبیح فلک در حلقه زَنار داشت
۹۹/۱۴۶/۶	اگر تسبیح می فرمود و زَنار می آورد

- ۱۳۵/۱۹۹/۷ بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی
 ۱۴۰/۲۰۶/۸ رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
 ۱۶۷/۲۴۶/۹ تسبیح شیخ و خرقه رند شراب خوار
 ۱۸۶/۲۷۵/۲ تسبیح و طبلسان به می و میگسار بخش
 ۲۰۵/۳۰۱/۲ ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک
 ۲۷۵/۳۹۸/۴ تسبیح و خرقه لذت مستی نبخشدت
 ۳۲۹/۴۶۸/۶ زرهم میفکن ای شیخ به دانه های تسبیح
 تقوی (۱۳ بار)
- ۳/۲/۳ چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را
 ۵۶/۸۰/۶ نه من از پرده تقوی به در افتادم و بس
 ۵۹/۸۶/۳ آن عشوه دار عشق که تقوی زره برفت
 ۷۹/۱۱۶/۷ کسی که از در تقوی قدم برون نهاد
 ۸۰/۱۱۸/۴ ماو می و زاهدان و تقوی
 ۱۰۳/۱۵۱/۲ زهی سجاده تقوی که یک ساغر نمی ارزد
 ۱۰۸/۵۸/۵ من که شبهاره تقوی زده ام با دف و چنگ
 ۱۸۰/۲۶۶/۲ هزار جامه تقوی و خرقه پرهیز
 ۱۸۷/۲۷۶/۴ تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است
 ۲۲۷/۳۳۱/۷ بسوز این خرقه تقوی تو حافظ
 ۲۸۹/۴۱۸/۲ آیین تقوی من نیز دانم
 ۳۳۹/۴۷۸/۵ گردن سالوس و تقوی بشکنی
 تقوی ام (م ضمیر مفعولی)
 ۲۴۳/۳۵۳/۶ این تقوی ام تمام که با شاهدان شهر
 توحید (۲ بار)
- ۲۶۳/۳۸۱/۳ بحر توحید و غرقه گنهم
 ۳۴۵/۴۸۶/۲ تا از درخت نکته توحید بشنوی
 توبه (۲۶ بار) *
- ۱۴/۱۷/۶ چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست
 ۱۹/۲۵/۲ اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود
 ۲۰/۲۶/۷ ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست

۵۹/۸۴/۸	در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود
۱۷۴/۲۵۶/۹	به عزم توبه نهادم قدح زکف صد بار
۱۷۴/۲۵۶/۱۲	حدیث توبه در این بزمگه مگو حافظ
۱۹۸/۲۹۲/۲	حریف باده رسید ای رفیق توبه وداع
۲۰۳/۲۹۸/۵	بیا که توبه ز لعل نگار و خنده جام
۲۰۷/۳۰۵/۱	به وقت گل شدم از توبه شراب خجل
۲۳۰/۳۳۵/۲	حلقه توبه گرامروز جزو زهاد زنم
	توکل - توکلنا: (۲ بار)
۱۸۷/۲۷۶/۴	راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش
۳۰۴/۴۳۸/۳	توکلنا علی رب العباد

حرف ث

	ثاقب (۱ بار)
۶/۶/۲	مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را
	ثمود (۱ بار)
۱۴۹/۲۱۹/۵	شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود
	ثواب (۳ بار)
۸۹/۱۳۱/۲	ثواب روزه و حج قبول آنکس برد
۲۹۲/۴۲۲/۵	آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب
۳۴۲/۴۸۳/۵	ثوابت باشد ای دارای خرمن

حرف جیم

	جنت (۶ بار)
۳/۳/۲	بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
۲۱۸/۳۱۹/۷	دارم از لطف ازل جنت فردوس طمع
۲۳۴/۳۴۰/۶	پدرم روضه جنت به دو گندم بفروخت

۲۵۹/۳۷۵/۳	غلمان زغرفه حور زجنت به در کشیم
۲۷۳/۳۹۷/۵	بگو به خازن جنت که خاک این مجلس
۵۴/۷۷/۸	شیوه جنات تجری تحتهاالنهار داشت
	جنة المأوی (۱ بار)
۲۹۹/۴۳۰/۷	نوشته اند بر ایوان جنة المأوی

حرف ح

حج (۱ بار)

۸۹/۱۳۱/۲	ثواب روزه و حج قبول آن کس برد
	حرام (۱۱ بار)

۹/۱۱/۸	نان حلال شیخ ز آب حرام ما
۳۱/۴۴/۳	که می حرام به زمال اوقاف است
۳۳/۴۶/۳	بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است
۵۸/۸۴/۷	قلب سیاه بود از آن در حرام رفت
۱۰۹/۱۶۱/۴	نقشش به حرام ارخود صوز تگر چنین باشد
۲۱۱/۳۱۰/۵	برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقه حرام
۲۵۳/۳۶۷/۱	که حرام است می آنجا که نه یار است ندیم
۲۵۴/۳۶۸/۱	لذت داغ غمت بر دل ما باد حرام

حرامت (ت ضمیر مفعولی)

۳۳۴/۴۷۳/۳	باغبان چو من زاینجا بگذرم حرامت باد
	حرامم (م ضمیر مفعولی)

۲۴۳/۳۵۴/۶	حرامم باد اگر من بجای دوست بگزینم
۳۱۱/۳۰۹/۹	وانکه این مجلس نجوید زندگی بر وی حرام
	حرم (۲ بار)

۲۲۱/۳۲۴/۴	پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب
۴۹/۷۰/۲	اشکم احرام طواف حرمت می بتدد
	حسبة لله (۱ بار)

۵۰/۷۱/۶	کاندیرین طغرانشان حسبة لله نیست
---------	---------------------------------

حلال (۸ بار)

۹/۱۱/۸	نان حلال شیخ زآب حرام ما
۳۳/۴۶/۳	در مذهب ما باده حلال است ولیکن
۱۹۰/۲۸۱/۸	هر که ترسد ز ملال اندوه عشقش نه حلال
۲۰۶/۳۰۳/۷	به خاک ما گذری کن که خون مات حلال
۲۱۴/۳۱۴/۷	بوسه بر درج عقیق تو حلال است مرا
۳۳۹/۴۷۹/۳	خون پیاله خور که حلال است خون او
۲۸/۳۹/۲	کت خون ما حلالتر از شیر مادر است
۱۸۹/۲۷۹/۷	دلا چون شیر مادر کن حلالش

حمد (۱ بار)

۲۱۲/۳۱۲/۱	لله حمد معترف غایه النعم
-----------	--------------------------

حوا (۱ بار)

۲۳۹/۳۴۸/۲	کانش اندر گنه آدم و حوا فکنم
-----------	------------------------------

حور- حوری (۲۰ بار)

۸۵/۱۲۵/۲	شبهه حور و پری، گرچه لطیف است ولی
۱۰۰/۱۴۷/۳	بیا بیا که تو حور بهشت زار ضوان
۱۲۷/۱۸۸/۳	ز عطر حور بهشت آن نفس برآید بوی
۱۷۲/۲۵۴/۵	زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار
۱۷۲/۲۵۴/۵	ما را شرابخانه قصور است و یار حور
۲۱۶/۳۱۷/۴	سایه طوبی و دلجوئی حور و لب حوض
۲۲۲/۳۲۶/۲	و این همه منصب از آن حور پریش دارم
۲۳۰/۳۳۵/۴	صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
۲۳۲/۳۳۸/۸	گیسوی حور گرد نشانند ز مفرشم
۲۴۲/۳۵۳/۲	باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور
۲۵۹/۳۷۵/۳	غلمان زروضه حور ز جنت به در کشیم
۲۷۵/۳۹۹/۴	سزای حور بده رونق پری بشکن
۲۸۵/۴۱۲/۶	دگر حور و پری را کس نگوید با چنین حسنی
۲۹۸/۴۲۹/۶	فردا شراب کوثر و حور از برای ماست
۳۰۱/۴۳۳/۸	وزحیا حور و پری را در حجاب انداختی

۳۰۴/۴۳۷/۱	شرح جمال حور زرویت روایتی
۵۵/۷۹/۱	من و شراب فرح بخش و یار حور سرشت
۳۰۳/۴۳۶/۳	یاری است چو حوری و سرایی چو بهشتی
۱۲۵/۱۸۴/۵	حوریان رقص کنان ساغر شکرانه زدند
۵۴/۷۷/۸	چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
	حورالعین (۱ بار)
۲۴۳/۳۵۴/۸	شب رحلت هم از بستر روم در قصر حورالعین

حرف خ

خاتم (۵ بار)

۲۱/۲۸/۴	که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست
۴۰/۵۷/۲	او سلیمان زمان است که خاتم با او ست
۲۲۳/۳۲۷/۶	سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی
۳۳۵/۴۷۳/۶	در پناه یک رسم است خاتم سلیمانی
	خاتمی (ی نکره)
۸۱/۱۱۹/۱	زخاتمی که دمی گم شود چه غم دارد
	خاتم سلیمانی (۱ بار)
۳۳۵/۴۷۳/۶	در پناه یک اسم است خاتم سلیمانی

حرف دال

دارالسلام (۳ بار)

۶/۷/۶	آدم بهشت روضه دارالسلام را
۵۸/۸۴/۶	رند از ره نیاز به دارالسلام رفت
۲۱۰/۳۰۹/۴	گلشنی پیرامنش چون روضه دارالسلام
	داوود (۲ بار)
۱۴۹/۲۱۹/۷	سحر که مرغ درآید به نغمه داوود
	داوودی (ی نسبت)
۱۱۸/۱۷۴/۲	برکش ای مرغ سحر نغمه داوودی باز

دوزخ (۱ بار)

۳۰۴/۴۳۷/۸

ساقی بیا که نیست زدوزخ شکایتی

دین (۲۳ بار)

۳۷/۵۲/۱

روزگاری است که سودای بتان دین من است

۳۹/۵۵/۱

خم زلف تو دام کفر و دین است

۳۹/۵۵/۷

که دل بر دو کنون در بند دین است

۸۹/۱۳۰/۱۰

کمال دولت و دین بوالوفا کرد

۹۲/۱۳۵/۳

هر آبروی که اندوختم زدانش و دین

۹۶/۱۴۱/۶

عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد

۱۰۴/۱۵۳/۱۰

شهنشاه مظفر فر شجاع ملک و دین منصور

۱۱۵/۱۷۰/۴

مغیچه ای می گذشت راهزن دین و مال

۱۲۹/۱۹۱/۸

تا فخر دین عبدالصمد باشد که غمخواری کند

۱۴۹/۲۱۹/۸

به باغ تاز، کن آیین دین زردشتی

۱۴۹/۲۱۹/۹

وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود

۱۴۰/۲۰۶/۶

حسن مه رویان مجلس گرچه دل می برد و دین

۱۴۳/۲۱۱/۵

کفر زلفش ره دین می زد و آن سنگین دل

۱۴۴/۲۱۲/۷

گر نکردی نصرت دین شاه یحیی از کرم

۱۶۶/۲۴۵/۹

بت چینی عدوی دین و دلهاست

۲۳۹/۳۴۷/۶

دل و دین همه را در بازم و توفیر کنم

۲۴۹/۳۶۲/۱۱

برهان ملک و دین که زدست وزارتش

۲۵۶/۳۷۱/۷

المنه الله که چو مابی دل و دین بود

۲۶۵/۳۸۴/۴

بغمای عقل و دین را بیرون خرام سرمست

۲۸۱/۴۰۷/۸

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت

۲۰۷/۳۰۴/۱

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل

۲۱۴/۳۱۵/۱

به غیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم

۳۴۸/۴۸۹/۲

کلک تو بارک الله بر ملک و دین گشاده

دینم (م ضمیر مفعولی)

۱۶/۲۱/۱

دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست

۱۵۵/۲۲۸/۵

دیدم از پیش که در خانه دینم چه شود

خداوندا دل و دینم نگهدار
 روز اول رفت دینم در سر زلفین تو
 دل و دینم دل و دینم بیرده است
 به مرگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
 دینی (ی نکره)

نه درمان دلی نه درد دینی

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
 دینداری

خرقه پوشی من از غایت دینداری نیست

حرف ذال

ذات (۲ بار)

بیخود از شعله پر تو ذاتم کردند
 که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند

ذکر (۳ بار)

هر دلی از حلقه ای در ذکر یارب یارب است
 ذکر تسبیح ملک در حلقه زنار داشت
 مقیم حلقه ذکر است دل بدان امید

ذوالجلال (۱ بار)

در راه ذوالجلال چوبی پا و سر شوی

حرف راء

رحمت (م شناسه)

تا آشنای عشق شدم زاهل رحمت
 رحمان (۱ بار)

هر نفسی با بوی رحمان می وزد باد یمن
 رجیم (۱ بار)

ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

رضوان (۴ بار)

۱۰۰/۱۴۷/۳

بیا بیا که تو حور بهشت را رضوان

۲۳۵/۳۴۲/۲

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

۳۵۳/۴۹۴/۲

آدم صفت از روضه رضوان به در آیی

روضه ارم (۱ بار)

۴۶/۶۵/۴

معنی آب زندگی و روضه ارم

روضه رضوان (۱ بار)

۲۵۹/۳۷۵/۳

اگر نه روضه رضوان به ما دهند

رضوانش (ش ضمیر مفعولی)

۳۵/۴۹/۳

قصر فردوس که رضوانش به دریائی رفت

رمضان (۳ بار)

۱۱۱/۱۶۴/۶

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

۱۸۴/۲۷۲/۲

ما را دو سه ساغر بده و گو رمضان باش

۳۲۸/۴۶۷/۱

گرچه ماه رمضان است بیاور جامی

روح القدس (۲ بار)

۹۷/۱۴۲/۹

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

۱۹۲/۲۸۴/۸

روح قدس حلقه امرش به گوش

روح امین (۱ بار)

۲۵۲/۳۶۶/۴

با چنین گنج که شد خانه او روح امین

روزه (۶ بار)

۱۶/۲۰/۱

روزه یکسو شد و عید آمد و دلها برخاست

۸۹/۱۳۱/۱

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد

۸۹/۱۳۱/۲

ثواب روزه و حج قبول آنکس برد

۱۶۷/۲۴۶/۱۰

حافظ چو رفت روزه و گل نیز می رود

۳۲۸/۴۶۷/۳

روزه هر چند که مهمان عزیز است ای دل

۱۶۷/۲۴۶/۷

از می کنند روزه گشا طالبان یار

حرف ز

زکاة (۲ بار)

۱۲۴/۱۸۳/۵

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

۲۲۸/۳۳۲/۲

زکاتم ده که مسکین و فقیرم

حرف سین

سامری - ی نسبت - (۳ بار)

۸۸/۱۲۸/۷

سامری کیست که دست از ید بیضاء برد

۲۷۵/۳۹۹/۱

به غمزه رونق و ناموس سامری بشکن

سامریش (ش اضافه)

۱۴۶/۲۱۵/۵

هزار ساحر چون سامریش در گله بود

سبا (۳ بار)

۶۲/۹۰/۱

ای هدهد سبا به سبا می فرستمت

۹۹/۱۴۵/۵

که مزده طرب از گلشن سبا آورد

۱۱۸/۱۷۴/۱

هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

سبحانی - ی نسبت - (۱ بار)

۳۳۳/۴۷۲/۴

دولت احمدی و معجزه سبحانی

سجاده (۹ بار)

۲/۱/۴

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

۱۰۳/۱۵۱/۲

زهی سجاده تقوی که یک ساغر نمی ارزد

۱۰۸/۱۵۹/۷

دلق و سجاده حافظ ببرد باده فروش

۱۴۸/۲۱۸/۳

خود گرفتم کافکنم سجاده چو سوسن به درش

۱۹۱/۲۸۳/۵

امام شهر که سجاده می کشید به دوش

۲۳۰/۳۳۵/۱

حاصل خرقه و سجاده روان در بازم

۲۵۷/۳۷۳/۲

دلق بسطامی و سجاده طامات بریم

۲۵۹/۳۷۶/۲

چاره آن است که سجاده به می بفروشیم

۲۹۳/۴۲۳/۱

خرقه تر دامن و سجاده شراب آلوده

سجده - سجده کردن (۴ بار)

۳۳۶/۴۷۴/۵

ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد

۸۷/۱۲۷/۱۰

حافظ اگر سجده تو کرد مکن عیب

۲۴۸/۲۶۰/۶

سجده شکر کنم وز پی شکرانه روم

۳۴۰/۴۸۰/۷

حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر

سجود (۱ بار)

۱۴۸/۲۱۹/۱

بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

سحر (جادو) (۱ بار)

۳۹/۵۵/۲

حدیث غمزات سحر مبین است

سدره (۴ بار)

۴۹/۷۰/۳

طایر سدره اگر در طلبت طایر نیست

۵۲/۷۴/۳

منت سدره و طوبی زبی سایه مکش

۲۱۱/۳۱۰/۶

مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صغیر

سدره نشین

۲۷/۳۷/۴

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین

سلسبیل (۲ بار)

۲۰۹/۳۰۸/۱

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل

۲۰۹/۳۰۸/۲

سلسبیل است کرده جان و دل سبیل

سلیمان (۱۷ بار)

۴۰/۵۷/۲

او سلیمان زمان است که خاتم با او ست

۶۱/۸۸/۷

که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت

۸۲/۱۲۱/۳

دهان تنگ شیرینش مگر ملک سلیمان است

۹۹/۱۴۵/۵

صبا به خوش خبری دهد سلیمان است

۱۰۹/۱۶۱/۲

صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۱۱۶/۱۷۱/۱

کز حضرت سلیمان عشرت اشارت آمد

۱۱۸/۱۷۴/۲

که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

۱۴۹/۲۱۹/۹

وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود

۱۸۸/۲۷۸/۶

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

۲۱۷/۳۱۹/۲

قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

۲۴۷/۳۵۹/۳

رخت بر بندم و تا ملک سلیمان بروم

۲۲۳/۳۲۷/۶

سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی

۲۵۱/۳۶۳/۹

و آصف ملک سلیمان نیز هم

۳۴۸/۴۸۹/۴

در حکمت سلیمان هر کس که شک نماید

۳۳۵/۴۷۳/۶

در پناه یک اسم است خاتم سلیمانی

۳۴۲/۴۸۳/۸

گر انگشت سلیمانی نباشد

حرف‌شین

شرع (۳ بار)

۱۱۲/۱۶۵/۴

که ساز شرع از این افسانه بی قانون نخواهد شد

۱۹۵/۲۸۹/۲

بکشد زارم و در شرع نباشد گنهش

۲۸۳/۴۱۰/۴

از رسوم شرع و حکمت هزاران اختلاف

شداد (۱ بار)

۳۰۳/۴۳۶/۵

مفروش به باغ ارم و نخوت شداد

شریعت (۲ بار)

۵۳/۷۶/۶

که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

۱۵۲/۲۲۴/۶

که آبروی شریعت بدین قدر نرود

شعیب (۱ بار)

۱۲۷/۱۸۸/۶

که چند سال به جان خدمت شعیب کند

شفاعت (۱ بار)

۲۳۶/۳۴۴/۱

دست شفاعت هر زمان در نیکنامی می‌زنم

شکر «سپاس» (۳۳ بار)

۶/۶/۱

که به شکر پادشاهی ز نظر مران گذارا

۱۵/۱۸/۵

شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت

۱۹/۲۵/۹

زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید

۴۳/۶۰/۴

شکر خدا که از مدد بخت کار ساز

۶۰/۸۷/۲

شکر خدا که سر دلش در زبان گرفت

۶۱/۸۸/۵

من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب

۱۱۲/۱۶۶/۳

شکر ایزد که به اقبال کله گوشه گل

۱۱۳/۱۶۶/۸

شکر کان غصه بی حد و شمار آخر شد

۱۱۶/۱۷۰/۵

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

۱۲۰/۱۷۸/۲

شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند

۱۲۱/۱۷۹/۴

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است

۱۲۵/۱۸۴/۵

شکر ایزد میان من و او صلح افتاد

۱۳۶/۲۰۱/۲	هزار شکر که یاران شهر بی گنهند
۱۴۶/۲۱۵/۴	دل از کرشمه ساقی به شکر بود ولی
۱۶۷/۲۴۷/۲	به شکر آنکه شکفتی به کام بخت ای گل
۱۷۲/۲۵۴/۲	ای گل به شکر آنکه تویی پادشه حسن
۱۷۵/۲۵۸/۱	هزار شکر که دیدم به کام خویش باز
۱۷۶/۲۵۹/۱	چه شکر گویم ای کار ساز بنده نواز
۱۹۶/۲۸۹/۸	جان به شکرانه کنم صرف گر آن دانه در
۱۹۸/۲۹۲/۵	به عاشقان نظری کن به شکر این نعمت
۱۹۵/۲۸۷/۶	شکر چشم تو چگویم که بدان بیماری
۲۰۶/۳۰۳/۳	به شکر آنکه برافکنده پرده روز وصال
۲۰۸/۳۰۵/۳	تویی که خوبتری ز آفتاب و شکر خدا
۲۱۹/۳۲۱/۲	شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا
۲۲۰/۳۲۳/۴	بدین شکرانه می بوسم لب جام
۲۲۷/۳۳۰/۴	چه شکر گویمت ای خیل غم عفا ک الله
۲۲۶/۳۲۹/۱۹	شکر خدا که باز در این اوج بارگاه
۲۲۱/۳۲۳/۶	من از بازوی خود دارم بسی شکر
۲۴۸/۳۶۰/۶	سجده شکر کنم وز پی شکرانه روم
۲۴۹/۳۶۲/۱	از بخت شکر دارم و از روزگار هم
۳۴۴/۴۸۵/۵	شکر آنرا که دگر باز رسیدی به بهار
۱۸۹/۲۷۹/۹	نکردی شکر ایام وصالش
۳۱۴/۴۵۱/۱	تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری
	شکری (ی نکره)
۶۵/۹۴/۱	زان یار دلنوازم شکری است با شکایت
	شهاب (۳ بار)
۶/۶/۲	مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را
۱۷۹/۲۶۳/۸	بسوی دیو محن ناوک شهاب انداز
۳۱۸/۴۵۵/۵	فلعلی لک آت بشهاب قیس
	شیطان (۱ بار)
۲۵۳/۳۶۷/۱۰	ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

حرف صاد

صبر جمیل (۱ بار)

۲۰۶/۳۰۳/۲

که نیست صبر جمیلم ز اشتیاق جمال

صالح (۱ بار)

۱۵۷/۲۳۲/۶

صالح و طالح متاع خویش نمودند

صراط مستقیم (۱ بار)

۵۰/۷۱/۲

در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

صمد (۲ بار)

۸۱/۱۱۹/۹

که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد

۱۳۴/۱۹۸/۴

گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین

صنع (۵ بار)

۶۳/۹۰/۷

در روی خود تفرج صنع خدای کن

۷۲/۱۰۵/۳

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

۱۰۶/۱۵۶/۴

هزار نقش بر آفرید ز کلک صنع و یکی

۳۲۳/۴۶۱/۵

چو کلک صنع رقم زد بر آبی و خاکی

۹۸/۱۴۴/۷

کلک مشاطه صنعش نکشد نقش مرا

صنم (۱۰ بار)

۸۱/۱۱۹/۹

که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد

۸۷/۱۲۷/۱۰

کافر عشق ای صنم گناه ندارد

۴۸/۶۹/۸

دی می شد و گفتم صنما عهد بجای آر

۲۳۸/۳۴۷/۱

صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم

۲۱۴/۳۱۴/۸

صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت

۲۲۲/۳۲۶/۱

در نهانخانه عشرت صنمی خوش دارم

۲۲۹/۳۳۳/۵

که باز با صنمی طفل عشق می بازم

۳۳۲/۴۷۱/۷

به یک پیاله می صاف و صحبت صنمی

۳۴۹/۴۹۰/۳

کرده ام توبه به دست صنم باده فروش

۱۳۴/۱۹۸/۴

گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین

حرف طاء

طوبی (۷ بار)

۴۰/۵۶/۳	تو و طوبی و ما و قامت یار
۵۲/۷۴/۳	منت سدره و طوبی ز پی سایه مکش
۷۴/۱۰۸/۴	طیره جلو و طوبی قد چون سرو تو شد
۱۲۲/۱۸۰/۲	طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند
۲۱۶/۳۱۷/۴	سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض
۲۴۲/۳۵۳/۲	باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور
۳۱۹/۴۵۵/۷	بال بگشا و صغیر از شجر طوبی زن

طور (۲ بار)

۱۵/۱۹/۲	آتش طور کجا مرعد دیدار کجاست
۲۳۷/۳۴۵/۶	مددی گر به چراغی نکند آتش طور

طوف (۲ بار)

۲۲/۳۰/۷	احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست
۲۳۵/۳۴۲/۴	چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس

طوفان نوح (۷ بار)

۸/۹/۶	هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
۱۵/۱۸/۷	و ز نه طوفان حوادث بیرد بنیادت
۲۱/۲۸/۲	سر شک من که ز طوفان نوح دست برد
۱۳۴/۱۹۷/۵	این حکایتها که از طوفان کنند
۱۵۸/۲۳۴/۶	گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان
۱۷۳/۲۵۵/۶	چون ترا نوح است کشتی بان ز طوفان غم منخور
۲۰۹/۳۰۷/۷	از آب دیده صدره طوفان نوح دیدم

طهارت (۶ بار)

۱۴۱/۲۰۸/۶	چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است
۹۰/۱۳۱/۵	کسی کند که بخون جگر طهارت کرد
۹۰/۱۳۲/۱	به آب روشن می عارفی طهارت کرد
۹۰/۱۳۲/۶	خبر دهید که حافظ به می طهارت کرد
۹۰/۱۳۲/۳	به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

- طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق
طینت (۲ بار) ۱۷۶/۲۵۹/۴
- باطینت اصلی چه کند بدگهر افتاد
کاندرا آنجا طینت آدم مخمر می کنند
۷۵/۱۱۰/۷
۱۳۵/۱۹۹/۷

حرف ظا

- ظل ممدود (۱ بار)
ظل ممدود خم زلف توام بر سر باد
۱۰۷/۱۵۷/۶

حرف عین

- عاد (۱ بار)
شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود
عذاب (۴ بار) ۱۴۹/۲۱۹/۵
- هر شربت عذیم که دهی عین عذابست
آیتی بود عذاب انده حافظ بی تر
فی بعدها عذاب فی قربها السّلامه
عذاب الیم
روح راصحبت ناجنس عذابی است الیم
عصیان (۱ بار) ۲۵۳/۳۶۷/۲
- جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد
عظم (۲ بار) ۳۴۸/۴۸۹/۱۳
- عکس روحی است که بر عظم رمیم افتادست
سر بر آرد ز گلم رقص کنان عظم رمیم
عفاله (۲ بار) ۲۶/۳۶/۷
۲۵۳/۳۶۷/۵
- عفاله چین ابرویش اگر چه ناتوانم کرد
هم عفاله صبا کز تو پیامی می داد
عفاک (۱ بار) ۱۰۰/۱۴۶/۷
۱۴۲/۲۱۰/۳
- چه شکر گویمت ای خیل غم عفاک الله
۲۲۷/۳۳۰/۴

عقبی (۲ بار)

۱۷/۲۲/۲

سرم به دنیی و عقبی فرو نمی آید

۶۶/۹۵/۷

زهی همت که حافظ راست از دنیی و از عقبی

علم الیقین (۱ بار)

۳۴۳/۴۸۳/۱۱

نه دانشمند را علم الیقینی

عیسی (۱۰ بار)

۲۶/۳۶/۷

سایه قد تو بر قالبم ای عیسی دم

۴۱/۵۷/۶

کشت مارا و دم عیسی مریم با اوست

۴۹/۷۰/۶

از روان بخشی عیسی نزنم دم هرگز

۶۰/۸۶/۵

عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت

۶۵/۹۳/۸

همیشه وقت توای عیسی صبا خوشباد

۱۲۶/۱۸۶/۸

عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

۱۴۹/۲۱۹/۵

ز دست شاهد نازک عذار عیسی دم

۳۰۴/۴۳۷/۲

انفاس عیسی از لب لعلت لطیفه

۳۴۵/۴۸۶/۵

مارا بکشت یازبه انفاس عیسوی

۱۳۸/۲۰۴/۲

معجز عیسوی ات در لب شکر خابود

حرف غین

غسل (بار)

۱۷۹/۲۶۴/۷

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

غیب (۱۸ بار)

۸۱/۱۱۹/۶

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان

۹۵/۱۴۰/۵

ساقیا جام می ام ده که نگارنده غیب

۱۰۳/۱۵۲/۴

دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

۱۱۳/۱۶۶/۴

صبح امید که بد معتکف پرده غیب

۱۲۷/۱۸۸/۱

که اعتراض بر اسرار علم غیب کند

۱۳۵/۱۹۹/۶

زمره دیگر به عشق از غیب بر می کنند

۱۷۳/۲۵۵/۵

هان مشو نومید چون واقف نه ای از سر غیب

۱۸۶/۲۷۴/۴

گرت هو است که چون جم به سر غیب رسی

۲۳۷/۳۴۵/۴	برق غیرت چو چنین می جهد از ممکن غیب
۲۵۹/۳۷۵/۶	سر خدا در تشق غیب منزوی است
۲۸۰/۴۰۵/۵	بیا که دوش به مستی سروش عالم غیب
۲۹۲/۴۲۱/۱۲	خرد که ملهم غیبست بهر کسب شرف
۳۳۸/۴۷۷/۶	بین در آینه جام نقش بندی غیب
۳۴۲/۴۸۳/۷	درونها تیره شد باشد که از غیب
۱۳۳/۱۹۶/۲	باشد که از خزانه غیش دوا کنند
۲۷/۳۷/۳	سروش عالم غیبم چه مژدها دادست
۶۳/۹۰/۹	ساقی بیا که هاتف غیبم به مژده گفت
۱۹۱/۲۸۳/۱	سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش
	غیبت (۱ بار)
۲۴۲/۳۵۲/۳	در حضورش نیز می گویم نه غیبت می کنم

حرف ف

فاتحه (۴ بار)

۵۹/۸۵/۳	بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
۸۴/۱۲۳/۹	خسروا حافظ درگاه نشین فاتحه خواند
۲۶۳/۳۸۲/۲	آنکه به پرسش آمد و فاتحه خواند و می رود
۲۶۳/۳۸۲/۱	فاتحه ای چو آمدی بر سر خسته ای بخوان

فتوی (۶ بار)

۱۶۵/۲۴۴/۷	برو نمرده بفتوی من نماز کنید
۲۱۷/۳۱۹/۱	تا به فتوی خرد حرص به زندان کردم
۲۵۳/۳۶۷/۱	فتوی پیر مغان دارم و قولی است قدیم
۲۶۲/۳۷۹/۹	بیار می که به فتوی حافظ از دل پاک
۲۹۹/۴۳۰/۵	به قول مطرب و ساقی به فتوی دف و نی
۳۱/۴۴/۳	فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد

فطرت (۲ بار)

۲۸۰/۴۰۵/۸	مگر زخا کی خرابات بود فطرت او
۲۱۳/۳۱۳/۵	این موهبت رسید ز میراث فطرتم

حرف قاف

قارون (۸ بار)

۵/۵/۹	کاین کیمیای هستی قارون کند گذارا
۳۵/۴۹/۱۱	گنج قارون که فرو می شود از قهر هنوز
۳۹/۵۴/۹	چون مفلسی که طلبکار گنج قارون است
۸۶/۱۲۶/۷	احوال گنج قارون کایام داد برباد
۱۹۷/۲۹۰/۸	خزانه ای به کف آور ز گنج قارون بیش
۲۴۰/۳۴۹/۶	صد گدای همچو خود را بعد از این قارون کنم
۳۱۷/۴۵۴/۲	که قارون را غلطها داد سودای زراندوزی
۳۲۱/۴۵۸/۱	بی زرو گنج به صد حشمت قارون باشی

قبله (۲ بار)

۲۹/۴۰/۸	از قبله ابروی تو در عین نماز است
۵۷/۸۲/۷	احرام چند بندیم چو آن قبله نه اینجاست

قدر (۲ بار)

۲۲/۳۱/۱	آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
۳۰/۴۲/۳	شب قدری چنین عزیز شریف

قدس (۱۱ بار)

۱۹۲/۲۸۴/۸	روح قدس حلقه امرش به گوش
۲۰۵/۳۰۱/۲	تویی آن گوهر پا کیزه که در عالم قدس
۲۲۴/۳۲۸/۳	همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
۲۳۵/۳۴۲/۴	چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس
۲۳۱/۳۳۶/۱	طایر قدسم و از دام جهان برخیزم
۲۴۸/۳۶۱/۶	صوفی صومعه عالم قدسم، لیکن
۱۲/۱۵/۱	ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
۱۵۹/۲۳۶/۱	اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید
۱۸۹/۲۷۹/۴	به شیراز آی و فیض روح قدسی
۱۳۴/۱۹۷/۶	قدسیان بر عرش دست افشان کنند
۱۳۵/۱۹۹/۸	قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند

قرآن (۸ بار)

۸/۹/۱۰	دام تزویر مکن چون دگران قرآن را
۶۶/۹۴/۱۱	قرآن زبر بخوانی در چارده روایت
۱۰۵/۱۵۴/۱۰	حافظ به حق قرآن کز شبد و زرق بازای
۱۳۱/۱۹۳/۱۰	دیو چو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند
۱۷۳/۲۵۵/۱۰	تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور
۱۸۴/۲۷۱/۸	حافظ این قصه درازست به قرآن که میرس
۲۱۸/۳۱۹/۹	هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم
۳۱۲/۴۴۷/۷	به قرآنی که اندر سینه داری

حرف کاف

کافر (۳ بار)

۲۰/۲۶/۴	کافر عشق بود گر نشود باده پرست
۸۷/۱۲۷/۱۰	کافر عشق ای صنم گناه ندارد
۲۸۸/۴۱۷/۶	کافر مبیناد این غم که دیدست

کافر دل (۵ بار)

۲۸۵/۴۱۲/۷	تو کافر دل نمی بندی نقاب زلف و می ترسم
۱۹۶/۲۹۰/۲	که دل به دست کمان ابرویی است کافر کیش
۲۳۴/۳۴۱/۴	تا بداند که قربان تو کافر کیشم
۱۸۷/۲۷۶/۴	تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافر است
۲۷۱/۳۹۳/۲	که در طریقت ما کافری است رنجیدن

کفر (۷ بار)

۳۹/۵۵/۱	خم زلف تو دام کفر و دین است
۱۴۳/۲۱۱/۵	کفر زلفش ره دین می زد و آن سنگین دل
۲۰۳/۲۹۹/۴	به مذهب همه کفر طریقت است امساک
۲۹۹/۴۳۰/۵	خزینته داری میراث خوارگان کفر است
۳۰۲/۴۳۴/۴	در مذهب طریقت خامی نشان کفر است
۳۰۹/۴۴۳/۲	ز کفر زلف تو هر حلقه ای و آشوبی
۳۵۲/۴۹۳/۱۰	کفر است در این مذهب خود بینی و خود رأیی

کشتی نوح (۲ بار)

۸/۹/۶

یار مردان خدا باش که در کشتی نوح

۱۵/۱۸/۷

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

کرام الکاتبین (۱ بار)

۳۹/۵۵/۶

حسابش با کرام الکاتبین است

کعبه (۸ بار)

۲۲/۳۰/۷

احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست

۲۶/۳۶/۸

آنکه جز کعبه مقامش نبذ از یادلبت

۲۹/۴۰/۸

در کعبه کوی تو هر آنکس که بیاید

۳۷/۵۲/۷

یارب این کعبه مقصود تماشا گه کیست

۱۷۳/۲۵۵/۷

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

۱۷۷/۲۶۰/۷

دل کز طواف کعبه کویت وقوف یافت

۱۹۰/۲۸۰/۵

جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد

۱۴۱/۲۰۸/۶

چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است

حرف لام

لایزالی (۲ بار)

۳۲۴/۴۶۲/۳

نومید کی توان بود از لطف لایزالی

۳۲۵/۴۶۳/۴

نگه دارش به لطف لایزالی

لحد (۴ بار)

۱۰۷/۱۵۷/۲

من چو از خاک لحد لاله صفت برخیزم

۱۳۹/۲۰۵/۶

چشمم آن دم که ز شوق تو نهض سربه لحد

۱۷۰/۲۵۰/۷

وانگهم تا به لحد فارغ و آزاد بیر

۴۴۱/۴۳۶/۴

تا به هویت ز لحد رفص کنان برخیزم

لو حش الله (۱ بار)

۱۸۹/۲۷۹/۲

زر کتاباد ماصد لو حش الله

حرف میم

محراب (۱۶ بار)

۴۹/۶۹/۱۱

جز گوشه ابروی تو محراب دعا نیست

۶۲/۸۹/۷	بر می شکند گوشه محراب امامت
۶۳/۹۱/۳	محراب ابرویت بنما تا سحرگهی
۶/۹۵/۲	که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
۹۳/۱۳۶/۱۰	بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست
۱۱۷/۱۷۳/۱	حالتی رفت که محراب به فریاد آمد
۱۳۵/۱۹۹/۱	واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند
۲۱۱/۳۱۰/۹	جای در گوشه محراب کنند اهل کلام
۲۱۸/۳۲۰/۲	جامی به باد گوشه محراب می زدم
۲۲۹/۳۳۴/۶	محراب و کمانچه زد و ابروی تو سازم
۲۷۶/۴۰۰/۳	محراب ابروی تو حضور نماز من
۲۸۵/۴۱۳/۲	ابروی درست گوشه محراب دولت است
۲۴۸/۳۶۰/۶	گر بینم خم ابروی چو محرابش باز
۳۴۰/۴۸۰/۷	حافظا سجده به ابروی چو محرابش بنه
۲۸۵/۴۱۲/۷	که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو
۹۰/۱۳۱/۵	نماز در خم آن ابروان محرابی
مذهب (۱۴ بار)	
۲۳/۳۱/۶	زاهدان معذور داریم که اینم مذهب است
۲۸/۳۹/۲	ای نازنین پسر تو چه مذهب گرفته ای
۳۳/۴۶/۳	در مذهب ما باده حلال است ولیکن
۳۴/۴۷/۳	که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست
۸۴/۱۲۳/۷	ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق
۹۳/۱۳۶/۱۰	طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد
۱۳۴/۱۹۸/۶	گفتم شراب و خرقه نه آیین مذهب است
۱۳۴/۱۹۸/۶	گفت این عمل به مذهب پیر مغان کنند
۲۰۳/۲۹۹/۴	به مذهب همه کفر طریقت است امساک
۲۱۷/۳۱۹/۱	سالها پیروی مذهب زندان کردم
۲۷۴/۴۰۳/۱	خلاف مذهب آنان جمال اینان بین
۲۹۳/۴۲۲/۷	مگر از مذهب این طایفه باز آمده ای
۳۰۲/۴۳۴/۴	در مذهب طریقت خامی نشان کفر است

- ۳۵۲/۴۹۳/۱۰ کفر است در این مذهب خودبینی و خود رأیی
مریم (۱ بار)
- ۴۱/۵۷/۶ کشت مارا و دم عیسی مریم با اوست
مستجاب (۲ بار)
- ۲۷۳/۳۹۵/۸ یارب دعای خسته دلان مستجاب کن
۲۹۲/۴۲۱/۱۰ هزار سف ز دعاهای مستجاب زده
مسجد (۷ بار)
- ۸/۱۰/۱ دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما
۳۸/۵۳/۴ غرض ز مسجد و میخانه ام وصال شماست
۵۶/۸۰/۳ همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت
۷۶/۱۱۱/۵ من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم
۱۱۱/۱۶۴/۴ گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر
۲۲۹/۳۳۴/۶ در مسجد و میخانه خیالت اگر آید
۱۳۹/۲۰۴/۸ و آنچه در مسجدم امروز کم است آنجا بود
مسلمان (۵ بار)
- ۱۵۴/۲۲۷/۱ تا زیا ورزد و سالوس مسلمان نشود
۱۵۴/۲۲۷/۱ که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود
۱۴۷/۲۱۷/۱ مسلمانان مرا وقتی دلی بود
۱۴۸/۲۱۸/۳ همچو گل بر خرقه رنگ می مسلمانی بود
۳۴۹/۴۹۰/۱۰ گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
مسیحا (۷ بار)
- ۴/۴/۸ سرود زهره به رقص آورد مسیحا را
۹۷/۱۴۲/۹ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد
۲۸۱/۴۰۷/۳ گر روی پاک و مجرد چو مسیحا به فلک
۱۲۶/۱۸۷/۴ طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک
۳۳۲/۴۷۱/۵ برو به دست کن ای مرده دل مسیح دمی
۱۱۸/۱۷۵/۲ هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای
مشیت (۱ بار)
- ۲۸۰/۴۰۵/۶ که نیست معصیت و زهد بی مشیت او

	مصطفوی (۱ بار)
۴۵/۶۴/۳	چراغ مصطفوی با شرار بونهبی است
	مصلی (۳ بار)
۳/۳/۲	کنار آب رکناباد و گلگشت مصلّا را
۷۰/۱۰۱/۹	نسیم باد مصلی و آب رکناباد
۱۸۹/۲۷۹/۳	میان جعفر آباد و مصلی
	معجزه سبحانی (۱ بار)
۳۳۳/۴۷۲/۴	دولت احمدی و معجزه سبحانی
	معجز (۳ بار)
۳۹/۵۵/۲	جمالت معجز حسن است لیکن
۱۳۸/۲۰۴/۲	معجز عیسویت در لب شکرخا بود
۳۳۳/۴۷۲/۴	دولت احمدی و معجزه سبحانی
	معراج (۱ بار)
۱۱۶/۱۷۱/۶	بر تخت جم که تاجش معراج آسمانست
	معصیت (۱ بار)
۲۸۰/۴۰۵/۶	که نیست معصیت و زهد بی مشیت او
	مقدر (۱ بار)
۲۹/۳۹/۹	با پادشه بگوی که روزی مقدر است
	ملک (۱۰ بار)
۵۴/۷۷/۷	ذکر تسبیح ملک در حلقه زنار داشت
۱۰۳/۱۵۲/۲	جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
۱۳۵/۱۹۹/۷	بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی
۲۰۵/۳۰۱/۲	ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک
۲۱۶/۳۱۷/۳	من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
۲۸۳/۴۰۹/۳	خونم بخور که هیچ ملک با چنان جمال
۳۳۶/۴۷۴/۵	ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد
۱۲۴/۱۸۴/۱	دوش دیدم که ملایک یک در میخانه زدند
۱۳۵/۱۹۸/۹	گفت این دعا ملایک هفت آسمان کنند
۲۹۲/۴۲۱/۱۱	بیا ببین ملکش دست در رکاب زده

ملکوت (۲ بار)

- ۱۲۵/۱۸۴/۲ ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
۱۲۶/۱۸۷/۳ زملک تا ملکوتش حجاب بردارند

منافق (۱ بار)

- ۲۵۶/۳۷۱/۵ در خرقه از این بیش منافق نتوان بود

موسی (۲ بار)

- ۲۵۷/۳۷۳/۴ همچو موسی ازنی گوی به میقات بریم
۳۴۵/۴۸۶/۲ یعنی بیا که آتش موسی نمود گل

حرف ن

نبی (۱ بار)

- ۱۵۸/۲۳۴/۶ گرت چونوح نبی صبر هست در غم طوفان

نذر (۵ بار)

- ۲۵۹/۳۷۵/۲ نذر و فتوح صومعه در وجه می نهیم
۳۱۵/۴۵۱/۸ از شاه نذر خیر و ز توفیق یاوری
۲۴۷/۳۵۹/۶ نذر کرم گر از این غم به در آیم روزی
۲۴۷/۳۶۰/۲ نذر کردم که هم از راه به میخانه روم
۲۷۵/۳۹۸/۹ یک بوسه نذر حافظ پشمینه پوش کن

نفاق (۳ بار)

- ۱۶/۲۰/۵ مانه رندان ربائیم و حریفان نفاق
۹۲/۱۳۵/۷ نفاق و زرق نبخشد صفای دل حافظ
۱۴۴/۲۱۲/۴ هر که عاشق وش نیامد در نفاق افتاده بود

نماز (۱۳ بار)

- ۲۹/۴۰/۸ از قبله ابروی تو در عین نماز است
۹۰/۱۳۲/۳ خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد
۱۰۸/۱۵۸/۳ زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز
۱۷۶/۲۵۹/۴ به قول مفتی عشقش درست نیست نماز
۲۲۸/۳۳۳/۱ نماز شام غریبان چو گریه آغازم
۲۲۹/۳۳۴/۵ چون نیست نماز من آلوده نمازی

۲۷۶/۴۰۰/۳	محراب ابروی تو حضور نماز من
۲۷۶/۴۰۰/۹	زاهد چو از نماز تو کاری نمی رود
۹۰/۱۳۱/۵	نماز در خم آن ابروان محرابی
۹۱/۱۳۳/۸	غره مشو که گریه زاهد نماز کرد
۱۶۵/۲۴۴/۷	بر او نمرده به فتوی من نماز کنید
۲۲۹/۳۳۴/۴	مستان تو خواهم که گزارند نمازم
۱۱۷/۱۷۳/۱	در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
	نمرود (۱ بار)
۱۴۹/۲۱۹/۸	کنون که لاله بر افروخت آتش نمرود

حرف و

واجب (۲ بار)

۲۰۷/۳۰۴/۳	تعظیم تو بر جان و خرد واجب و لازم
۲۷۱/۳۹۳/۷	که و عظمی عملان واجب است نشیندن
	وان یکاد (۱ بار)
۱۶۵/۲۴۴/۲	وان یکاد بخوانید و در فراز کنید
	اوراد (۱ بار)
۱۱۶/۱۷۰/۷	حلقه اوراد ما مجلس افسانه شد
	ورع (۲ بار)
۱۳/۱۶/۸	من از ورع می و مطرب ندیدم زین پیش
۳۰/۴۱/۳	که موسم ورع و روزگار پرهیز است
	وضو (۳ بار)
۲۲/۳۰/۷	احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست
۱۷۷/۲۶۰/۸	هر دم به خون دیده چه حاجت وضو چو نیست
۱۸/۲۴/۲	من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق

وقف (۲ بار)

۳۳۲/۴۷۱/۳	زمان وقف نبینی به نام من در می
۳۱/۴۴/۳	که می حرام ولی به زمال اوقاف است

ولی (۱ بار)

۶۵/۹۴/۳

گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

حرف ه

هادی (بار)

۳۰۵/۴۳۸/۸

بلبل مظلّم والله هادی

هاروت (۱ بار)

۶۳/۹۱/۴

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی

هدایت (۴ بار)

۱۰۸/۱۵۸/۴

عشق کاری است که موقوف هدایت باشد

۱۵۰/۲۲۲/۳

سالک از نور هدایت بیرد راه به دوست

۲۳۱/۳۳۶/۳

یارب از بهر ابر هدایت برسان بارانی

۶۵/۹۴/۶

از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت

هدهد (۳ بار)

۶۲/۹۰/۱

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت

۹۹/۱۴۵/۵

صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است

۱۱۸/۱۷۴/۱

هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

حرف ی

یارب^{۴۱} (۵۸ بار)

۱۰/۱۲/۸

کی دهد دست این غرض یارب که همدستان شوند

۱۳/۱۵/۹

یارب مکناد آفت ایام خرابت

۲۳/۳۱/۱

یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است

۴۱ ر. ک به صفحات

۳۰۸/۴۴۱/۳ - ۳۰۴/۴۳۸/۳ - ۲۸۲/۴۰۸/۳ - ۲۷۶/۴۰۰/۶ - ۲۷۳/۳۹۵/۸ - ۳۵۲/۴۹۳/۶ - ۳۳۶/۴۷۴/۶
 - ۲۶۸/۳۹۰/۱ - ۲۶۶/۳۸۵/۴ - ۲۶۵/۳۸۵/۱ - ۲۶۵/۳۸۴/۶ - ۳۲۴/۴۶۲/۸ - ۳۲۴/۴۶۲/۱ -
 ۲۶۵/۳۸۴/۱ - ۲۶۴/۳۸۳/۴ - ۲۶۴/۳۸۳/۳ - ۲۳۸/۳۶۶/۴ - ۲۳۶/۳۴۳/۵ - ۲۳۱/۳۳۶/۳ - ۲۷۰/۳۹۲/۷
 - ۲۱۱/۳۱۰/۲ - ۲۰۹/۳۰۸/۴ - ۲۰۹/۳۰۷/۸ - ۱۹۶/۲۸۹/۶ - ۱۹۰/۲۸۱/۱ - ۱۸۶/۲۷۵/۵ -
 ۱۷۱/۳۱۷/۶ - ۲۱۶/۳۱۷/۶ - ۱۵۳/۲۲۶/۷ - ۱۵۴/۲۲۸/۲ - ۱۶۷/۲۴۶/۵ - ۱۷۰/۲۵۰/۸ - ۱۷۹/۲۶۴/۸ - ۱۶۲/۱۶۲/۸ - ۱۱۰/۱۱۰/۱۱
 ۱۲۵/۱۸۵/۵ - ۱۲۸/۱۹۰/۴ - ۱۳۵/۱۹۹/۴ - ۱۴۳/۲۱۱/۸ - ۱۴۶/۲۱۵/۱ - ۱۴۷/۲۱۷/۴ - ۵۰/۷۱/۵ -
 ۹۴/۱۳۸/۳ - ۱۳/۱۵/۹ - ۷۰/۱۰۲/۴ - ۶۶/۹۵/۲ - ۶۵/۹۴/۲ - ۶۲/۸۹/۱ - ۵۴/۷۸/۲ -

۲۳/۳۱/۲	هر دلی از حلقه‌ای در ذکر یارب یارب است
۲۳/۳۰/۵	یارب چه غمزه کرد صراحی که خون خم
۳۷/۵۲/۷	یارب این کعبه مقصود تماشا گه کیست
۴۷/۶۷/۱	یارب این شمع دل افروز ز کاشانه کیست
۴۷/۶۷/۶	یارب آن شاهوش ماه رخ زهره جبین
	ید بیضا (۱ بار)
۸۸/۱۲۸/۷	سامری کیست که دست از ید بیضاء ببرد
	یمانی (۲ بار)
۳۴/۴۸/۶	هر که قدر نفس باد یمانی دانست
۵۹/۸۵/۳	بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
	یوسف (۱۲ بار)
۳/۳/۵	من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
۱۸/۲۳/۳	هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست
۱۳۳/۱۹۶/۹	پیراهنی که آید از بوی یوسفم ^{۹۵}
۱۴۳/۲۱۱/۷	آنکه یوسف به زر ناسره بفروخته بود
۱۷۲/۲۵۵/۱	یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
۱۹۰/۲۸۰/۶	نشان یوسف دل از چه زنجانش
۲۱۸/۳۱۹/۸	این که پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت
۳۰۷/۴۴۰/۴	الا ای یوسف مصری که گردت سلطنت مغرور
۳۳۵/۴۷۳/۸	یوسف عزیزم رفت ای برادران رحمی
۳۳۷/۴۷۵/۱	گفتند خلایق که نویی یوسف ثانی
۳۳۸/۴۷۷/۳	فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی
۳۵۳/۳۹۴/۸	حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مهر و

بخش سه

اثر پذیری مضمونی

۱- زعشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است باب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

۳/۳/۴

اشاره است به کلام حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ - غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ» یعنی بدرستی که خدا بوجود آورد خلق را و بی نیاز است از طاعت آنها.

نهج البلاغه فیض السلام ص ۶۱۱ خطبه ۱۸۲ «مما» بحارج ۶۷ ص ۳۱۵ - س ۶ قسمتی از روایت ۵۰
اما بعد «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ حَيْثُ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ»

بحارج ۶۷ ص ۳۴۲ روایت ۵۱ - ۱۰ امالی ص ۵۷۰

۲- من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم که عشق از پرده عصمت برون آرد ز لیخارا

۳/۳/۵

اشاره است به آیه ۲۳ سوره یوسف: «وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ

✽ بحار الانوار مرحوم مجلسی چاپ ۱۱۰ جلدی کتابفروشی اسلامیه - تهران بوذرجمهری ۱۳۸۶ هـ ق

✽✽ شیخ صدوقی همراه با ترجمه فارسی حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای مجلس ۸۴ قسمتی از روایت ۲

قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ ...» و آمد و رفت می کرد نزد یوسف زنی که نزد یوسف بود در سرای او از نفس او (یعنی به حيله مراد خود می طلبید) و درها را محکم بست و گفت بشتاب به سوی آنچه برای تو آماده است. گفت: ...

۳- آن تلخ ووش که صوفی ام‌الخبائش خواند اَشْهَى لَنَا وَأَحْلَى مِنْ قِبَلَةِ الْعَذْرَا

۵/۵/۸

«الْخَمْرُ أُمُّ الْخَبَائِثِ» خمر مادر پلیدیهاست.

مسند رک ج ۱۷ ص ۵۴ روایت ۹۳

اشاره است به حدیث نبوی: «الْخَمْرُ أُمُّ الْخَبَائِثِ وَمَنْ شَرِبَهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ إِنْ مَاتَ وَ هِيَ فِي بَطْنِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» خمر مادر پلیدیهاست و هر که بنوشد خداوند چهل روز نماز او را نخواهد پذیرفت و اگر مست بمیرد همانا به مرگ جاهلیت در گذشته است.

به نقل از حافظ‌نامه ج ۱ ص ۱۳۰

۴- ز رقیب دیو سیرت بخدای خود پناهم مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را

۶/۶/۲

اشاره است به آیه ۵ سروره الملک: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ اعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ» و به تحقیق آراستیم آسمان دنیا را به چراغها و قرار دادیم آنرا برای شیطان رانده شده و آماده گردانیدیم برای ایشان عذاب آتش را.

و اشاره به آیه ۱۸ از سوره حجر دارد: «إِلَّا مَنْ اشْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» مگر آنکه بدزدیده، گوش فرا داشت پس از پی رفت او را شهابی روشن.

و اشاره به آیه ۱۰ از سوره صافات دارد: «إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» مگر آنکه بدزدیده ربود ربودنی پس از پی درآمد او را شعله فروزان روشن.

۵- در عیش نقد کوش که چون آب‌خور نماند آدم بهشت روضه دارالسلام را

۶/۷/۶

اشاره به آیه ۱۲۷ از سوره انعام دارد: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» از برای ایشان است سرای سلامت نزد پروردگارشان و او ولی ایشان است به آنچه هستند که می‌کنند.

ع صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیایی کام را

۷/۸/۹

اشاره به آیه ۲۵ از سوره نساء دارد: «وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و اگر صبر کنی بهتر است برای شما و خدا آمرزنده مهربان است. و اشاره است به حدیث: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» صبر کلید گشایشهاست.

شرح منتهی ج ۱ ص ۷۸۰ و ج ۳ ص ۱۲۰۲

۷- یار مردان خدا باش که در کشتی نوح هست خاکی که به آبی نخورد طوفان را

۸/۹/۶

اشاره است به حکایت حمل جسد آدم (و حوا) از طرف نوح در کشتی و رساندن نوح آن قوالب را به بیت المقدس پس چون وقت طوفان نوح بود خدای عز و جل وحی فرستاد به نوح و گفت: برو و قالب آدم (و حوا) را از آن گور بردار - نوح برفت و آن قالبهای ایشان برداشت و با خود در کشتی نهاد و همچنان می‌داشت تا آن عذاب فروکش کرد مقصود خواجه از خاک «قالب آدم» است.

به نقل از بانگ جرس ص ۳۸

و اشاره به آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره هود دارد «وَيُضْنَعُ الْفُلُكُ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ» و می‌ساخت کشتی را و هرگاه که بگذشتندی بر او جماعتی از قومش ...

«وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُزْنُهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» و گفت سوار شوید در آن به نام خدا در وقت راندنش و وقت بازداشتنش بدرستی که پروردگارم آمرزنده مهربان است.

«وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» و آن می‌برد ایشان را در میان موجها که بود چون کوهها و آواز داد نوح پسرش را و بود در کناره از کشتی که ای پسرک من سوار شو با ما و مباش با کافران.

«قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ» گفته شد ای نوح فرود آی

بسلامی از ما و برکتها بر تو و بر گروهی چند از آنها که با تواند.

۸- گفت حافظ آشنایان در مقام حیرتند دور نبود گر نشیند خسته و مسکین غریب

۱۲/۱۴/۸

اشاره است به حدیث نبوی: «رَبِّ زِدْنِي فِيكَ حَيْرَةً وَ تَحَيُّراً» خدایا بیفزادر حیرت و تحیرم.

به نفل از بانگ جرس ص ۳۹

۹- نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

۱۳/۱۶/۲

اشاره است به حدیث نبوی: «الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ فَلَا تَعَارَفَ مِنْهَا إِلَّا تَخَلَّفَ وَ مَا تَنَكَرَ مِنْهَا

اِخْتَلَفَ» تألیف و انس اشباح نتیجه تعارف علامت جنسیت و معیت در عالم غیب است.

من لا يحضره الفقه شیخ صدوق ج ۴ ص ۳۸۰ - احادیث منوی ص ۵۲

۱۰- کنون به آب می لعل خرقه می شویم نصیبه ازل از خود نمی توان انداخت

۱۳/۱۶/۹

اشاره به آیه ۵۱ از سوره توبه است: «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» نمی رسد ما را مگر آنچه

که خداوند بر ما نوشته است.

۱۱- حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

۱۵/۱۸/۷

اشاره است به حدیث نبوی: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا

غَرِقَ» مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که آن کس که بر کشتی سوار شد نجات یافت و آن کس که از سوار شدن سر باز زد غرق گردید.

احادیث منوی ص ۱۱۱

اشاره به آیات ۱۱۹ - ۱۲۰ از سوره شعرا دارد: «فَأَنجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * ثُمَّ

أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ» پس نجات دادیم او را و هر که با او بود در کشتی پر * پس غرق کردیم بعد از آن ماندگان را.

۱۲- شب تار است و ره وادی ایمن در پیش آتش طور کجا موعده دیدار کجاست

۱۵/۱۹/۲

اشاره است به آیه ۵۲ سوره مریم: «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَيْنَاهُ نُجَيْيًا» و ندا کردیم او را از جانب ایمن طور و نزدیک کردیم او را رازگوینده.

۱۳- هرکه آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگوید که هشیار کجاست

۱۳/۱۶/۳

مصراع اول را می توان ملهم از این دو آیه قرآن شمرد: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ» - آیه ۸۸ سوره قصص - همه چیز نیست شونده است و روبه نابودی دارد «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» - آیه ۲۶ سوره الرحمن - هرچه و هرکه بر زمین است فانی است.

به نفل از حافظنامه ج ۱ ص ۱۸۹.

۱۴- سرم بدنی و عقبی فرو نمی آید تبارک الله ازین فتنه ها که در سر ماست

۱۷/۲۲/۲

اشاره به آیه ۱۴ از سوره مؤمنون دارد: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» پس برتر آمد خدا که بهترین آفرینندگان است.

۱۵- مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست که به پیمانه کشی شهره شدم روز الست

۱۸/۲۴/۱

اشاره است به آیه ۱۷۲ سوره اعراف: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ... أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى...» و هنگامی که گرفت پروردگار تو از بنی آدم... آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری...

۱۶- کمر کوه کمست از کمر موراینجا ناامید از در رحمت مشو ای باده پرست

۱۸/۲۴/۴

اشاره است به آیه ۵۳ از سوره زمر: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»: بگو ای بندگان من که اسراف کردند بر خودشان نو مید مشوید از رحمت پروردگار بدرستیکه خداوند می آمرزد همه گناهان را بدرستیکه اوست آمرزنده مهربان.

۱۹/۲۵/۵

اشاره است به آیه ۱۷۲ سوره اعراف: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ...» آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری...

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش که نیستی است سرانجام هر کمال که هست

۱۹/۲۵/۶

اشاره به آیات ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن دارد: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» و «يَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» هر که بر زمین است سپری‌شونده است و آنچه پایدار می‌ماند ذات ذوالجلال و الاکرام است. و اشاره به آیه ۸۸ سوره قصص دارد: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» همه چیز هلاک و زوال پذیرد مگر وجه او.

به نقل از حافظ‌نامه ج ۱ ص ۲۱۹

۲۰/۲۶/۵

ر. ک به شماره ۱۷ [= ۱۹/۲۵/۵]

۲۱/۲۸/۳

اشاره است به حدیث نبوی: «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ» من در قلبهای شکسته جا دارم.

احادیث منوی ص ۱۵۱

عن النبی (ص): «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذَنْبًا لَا يَكْفِرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ ... وَ سُئِلَ أَيْنَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ...» برخی از گناهان آنقدر بزرگند که نماز و صدقه آنها را جبران نمی‌کند... و پرسیده شد که خدا کجاست؟ پس گفتند در قلبهای شکسته جای دارم.

بحارج ۷۳ ص ۱۵۷ روایت ۳

و اشاره است به حدیث: «لَمْ يَسْغَنِ أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَ وَسِعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ اللَّيْلِ الْوَادِعُ»: من در آسمان و زمین نمی‌گنجم، ولی در دل بنده مؤمنم جای می‌گیرم.

«لَا يَسْغَنِي أَرْضِي وَلَا سَمَانِي وَيَسْغَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»

احادیث منثوری ص ۲۶

۲۱۔ زبان مور به اصف دراز گشت و رواست که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست

۲۱/۲۸/۴

اشاره به گم کردن انگشتری سلیمان می باشد که در تفاسیر ذکر کرده اند و همچنین در آیه ۱۸ از سوره نمل که می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّملُ ادْخُلُوا نِصَابَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» ای موران داخل شوید در مسکنهاتان که درهم نشکند شما را سلیمان و لشکریانش و ایشان ندانند.

۲۲۔ معشوق عیان می گذرد بر تو ولیکن اغیار همی بیند از آن بسته نقابست

۲۱/۲۹/۵

یادآور آیه ۱۱۵ از سوره بقره است: «فَإِنَّمَا تُؤَلُّوا قَهْمٌ وَجْهُ اللَّهِ» به هر کجا روی کنید وجه الهی آنجاست.

۲۳ آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است یارب این تاثیر دولت در کدامین کوکبست

۲۲/۳۱/۱

اشاره است به آیه ۱ سوره قدر: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بدرستی که مافرو فرستادیمش در شب قدر.

۲۴۔ سایه قذ تو بر قالبم ای عیسی دم عکس روحیست که بر عظم رمیم افتادست

۲۶/۳۶/۷

اشاره است به آیه ۷۸ سوره یس: «قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» گفت که زنده می گردانند استخوانها را و آنهاست پوسیده.

۲۵۔ که ای بلند نظر شاه باز سدره نشین نسیم تو نه این کنج محنت آباد است

۲۷/۳۷/۴

* این حدیث با اندکی تغییر در بحار الانوار ج ۵۸ ص ۳۹ س ۲ و ۵ بعد از روایت ۶۱ آمده است و همچنین المحجة البيضاء ج ۵ ص ۲۶ و توالی الکافی ج ۴ ص ۷

اشاره به آیه ۱۴ از سوره نجم دارد: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» در نزد سدره المنتها
 ۲۶- مجو درستی عهد از جهان سست نهاد که این عجز عروس هزار دامادست

۲۷/۳۷/۹

اشاره است به حدیث از امام کاظم علیه السلام: «یا هشام تَمَثَّلْتَ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ رَزَقَاءَ فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ فَقَالَتْ: كَثِيرًا قَالَ: فَكُلُّ طَلَقَكِ؟ قَالَتْ لَا: بَلْ كَلَّا قَتَلْتُ قَالَ الْمَسِيحُ (ع) فَوَيْحُ لَأَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ» ای هشام دنیا بصورت زنی سیاه چشم بر عیسی ظاهر شد عیسی به او گفت چند بار ازدواج کرده ای؟ گفت بسیار، عیسی گفت همه تو را طلاق دادند؟ گفت نه بلکه همه را کشتم؛ عیسی گفت وای بر شوهران آینده تو که از گذشته عبرت نمی گیرند.

بحار ج ۱ ص ۱۵۲ فسمی از روایت ۳۰- بحار ج ۷۸ ص ۳۱۱

۲۷- ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم باپادشاه بگوی که روزی مقدرست

۲۹/۳۹/۹

اشاره است به آیه ۶ سوره هود: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» و نیست هیچ جنبنده ای در زمین مگر بر خداست روزیش و می داند قرارگاهش را و امانتگاهش را همگی باشد در کتابی روشن و اشاره به حدیث «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ» فخر من در فقر من است و بدین فقر می نازم.

احادیث منثوری ص ۲۳

۲۸- از زبان سوسن آزاده ام آمد به گوش کاندیرین دیر کهن کار سبکباران خوشست

۳۱/۴۳/۶

اشاره است به فرمایش حضرت علی علیه السلام: «تُخَفُّوا تَلْحَقُوا - نَجَى الْمُخَفُّونَ» سبکبار باشید تا به آزادگان ملحق شده کامروا شوید رستگار می شوند سبکباران.

به نقل از بانگ جرس ص ۴۲ و ۴۳

«یا علی نَجَى الْمُخَفُّونَ»

من لایحضره النقیبه شیخ صدوق ج ۴ ص ۳۶۴

۲۹۔ بذر دوصاف ترا حکم نیست خوشی درکش که هر چه ساقی ما کرد عین الطافست

۳۲/۴۴/۴

اشاره است به آیه ۲۷ از سوره رعد: «قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ» بگو خداوند گمراه می کند آنرا که می خواهد و هدایت می کند آنرا که بسوی او بازگشت کرد.

۳۰۔ نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس ملالت علما هم ز علم بی عمل است

۳۲/۴۵/۳

اشاره به آیه ۵ از سوره جمعه دارد: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً» مثل کسانی که تورات به آنها داده شد و بدان عمل نمی کنند مثل آن خر است که کتابهایی را حمل می کند.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۱ ص ۳۴۶

۳۱۔ بگیر طره مه چهره ای و قصه مخوان که سعد و نحس ز تاثیر زهره و زحل است

۳۲/۴۵/۵

اشاره به آیه ۷۷ سوره قصص دارد: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» و فراموش مکن بهره ات را از دنیا.

۳۲۔ دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت ولی اجل به ره عمر رهزن اجل است

۳۲/۴۵/۶

اشاره به کلام حضرت علی علیه السلام دارد که می فرماید: «مَا أَقْطَعَ الْأَجَلَ إِلَّا مَلِيٌّ» مرگ بس با شگفت، امید را قطع می کند.

غرر الحکم و درر الکلم ج ۱ ص ۹۹

۳۳۔ سنگ و دل را کند از یمن نظر لعل و عقیق هر که قدر نفس باد یمانی دانست

۳۴/۴۸/۶

اشاره است به حدیث نبوی: «إِنِّي لَا جِدَّةَ نَفْسٍ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ» من بوی خداوند را از جانب یمن استشمام می کنم.

احادیث مشنوی ص ۷۳

۳۴- کُنْج قَارُونَ که فرو می‌شود از قهر هنوز خوانده باشی که هم از غیرت درویشانست

۳۵/۴۹/۱۱

اشاره است به آیه ۷۶ از سوره قصص: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوتَ بِالْعُصْبَةِ أُولِيَ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» به درستی که قارون بود از قوم موسی پس تفوق جست بر ایشان و دادیم او را از گنجها آن چیز که کلیدهایش با مخزنهایش هر آینه گرانی می‌کرد به گروهی انبوه صاحبان زور هنگامیکه گفتند مر او را قومش که شاد می‌باش به درستی که خدا دوست نمی‌دارد بسیار شادها را.

۳۵- دیدن روی تو را دیده جان بین باید ' وین کجا مرتبه چشم جهان بین من است

۳۷/۵۲/۲

اشاره به آیه ۱۰۳ از سوره انعام دارد: «لَا تَذَرِكُ الْإِبْصَارُ وَهُوَ يُذَرِكُ الْإِبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» در نیابد او را دیده‌ها و او در میابد دیده‌ها را و اوست باریک بین آگاه.

۳۶- دولت فقر خدایا به من ارزانی دار کین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

۳۷/۵۲/۵

اشاره دارد به حدیث «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَخِرُ»

احادیث منوی ص ۲۳

۳۷- جمالت معجز حسنت لیکن حدیث غمزهات سحر مبینست

۳۹/۵۵/۲

اشاره است به آیه ۱۳ از سوره نمل: «قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ»: گفتند این است جادوی آشکار ۳۸- خال مشکین که بدان عارض گندمگون است سر آن دانه که شد رهزن آدم با اوست

۴۱/۵۷/۴

اشاره به آیه ۲۲ از سوره اعراف دارد: «فَذَلَّلْنَاهَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهَا سَوتُهُمَا» پس فریب داد ایشان را (شیطان) و چون از آن درخت خوردند ظاهر گشت عورت‌های آنان.

۳۹- سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار در گردشند بر حسب اختیار دوست

۴۳/۶۰/۵

مصرع دوم اشاره به آیه ۵۴ از سوره اعراف دارد: «وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ» خورشید و ماه و ستارگان به امر و فرمان او (خدا) مسخر گردید.

۴۰- عاشق که شد که یار بحالش نظر نکرد ای خواجه درد نیست و گرنه طیب هست

۴۴/۶۳/۵

اشاره است به آیه ۶۹ از سوره عنکبوت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و آنانکه مجاهدت کردند در راه ما هر آینه ایشان را هدایت می کنیم به راههای خود که خداوند با نیکوکاران است.

۴۱- در این چمن گل بی خار کس نجید آری چراغ مصطفوی با شرار بوله بیست

۴۵/۶۴/۳

اشاره به آیه ۳ از سوره تبت دارد: «سَيُضْلِي تَارًا ذَاتَ هَبٍ» زود باشد که در آید آتش را صاحب زیانه.

۴۲- معنی آب زندگی و روضه ارم جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست

۴۶/۶۵/۴

اشاره به آیات ۶ و ۷ سوره فجر دارد: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِغَادٍ * إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» ای پیامبر ندیدی که خدا با قوم عاد چه کرد * و نیز اهل شهر ارم را چگونه کفر داد.

۴۳- سهو و خطای بنده گمراهی اعتبار نیست معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست

۴۶/۶۵/۷

اشاره است به حدیث: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَا وَ النِّسْيَانُ وَ مَا اسْتُكْرِ هُوَا عَلَيْهِ» سه چیز از امت من مأخذ نمی شود خطا و نسیان و امری که به اجبار بر آنها تحمیل شده است.

به نقل از حافظنامه ج ۱ ص ۲۴۶

«وَلَوْلَا أَنْكُمْ تَذُنُّونَ فَتَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَخَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا حَتَّى يُذُنُوا، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ» و اگر نبود که شما گناه می کنید سپس از خدا آمرزش آن گناه را می خواهید، هر آینه

خداوند خلقی می آفرید تا گناه کنند و سپس از خدا آمرزش بخواهند و خداوند آنها را بیامرزد.

الکافی ج ۲ ص ۴۲۴ قسمتی از روایت ۱

«لَوْ لَمْ تَذْنِبُوا لَذَهَبَتْ بِكُمْ وَ خَلَقْتُ خَلْقًا يَذْنِبُونَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ فَاعْفِرْ لَهُمْ» اگر گناه نمی کردید شما را از میان می بردم و خلقی دیگر می آوردم که گناه کنند و استغفار کنند و من بر آنان ببخشایم.

به نقل از شرح عرفانی غزلیای حافظ ج ۱ ص ۳۲۱

۴۴ - گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

۴۹/۶۹/۹

اشاره است به حدیث نبوی: «الطُّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ» راه یابی به سوی خدا به تعداد نفسهای خلایق است.

به نقل از بانگ جرس ص ۴۳

۴۵ - در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست در صراط مستقیم ایدل کسی گمراه نیست

۵۰/۷۱/۲

اشاره به آیه ۱۴۲ از سوره بقره دارد: «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» بگو ای پیغمبر که مشرق و مغرب از آن پروردگار است، اوست که هدایت می کند آنرا که می خواهد به راه راست.

۴۶ - هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

۵۰/۷۱/۹

اشاره است به آیه ۵۰ سوره طه و آیه ۱۷ از سوره رعد است.

سوره طه: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» گفت پروردگار ما آن است که به هر چیزی آنچه برای خلقت او لازم بود داد پس او را هدایت کرد

و همچنین اشاره به حدیث: «الْعَطِيَّاتُ بِقَدْرِ الْمَهِيَّاتِ» بخششها به اندازه و متناسب با استعدادهاست.

به نقل از بانگ جرس ص ۵۱

سوره رعد: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا» خداوند فرو فرستاد از آسمان آب را پس روان شد رودخانه‌ها از آن آب هر یک به اندازه و قابلیت خود.

۴۷- روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

۵۱/۷۳/۱

این بیت اشاره دارد به کلام امام صادق علیه السلام: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ مَعَهُ وَ قَبْلَهُ وَ فِيهِ» ندیدم چیزی را مگر آنکه خدا را همراه آن و پیش از آن و در آن دیدم.

کلمات مکتونه فیض کاشانی ص ۳ علم البتین فیض ج ۱ ص ۴۹ باندکی اختلاف

۴۸- چشم حافظ زیر بام قصر آن هوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت

۵۴/۷۷/۸

اشاره است به آیه ۱۵ سوره آل عمران و آیه ۱۱ سوره بروج.

آل عمران: «جَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» بهشتهاییست که می‌رود از زیرشان نهرها جاودانیان در آن و جفتان پاکیزه و خشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان.

۴۹- عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

۵۶/۸۰/۱

اشاره است به آیه ۱۶۴ سوره انعام: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» بر نمی‌دارد بر دارنده بار گناه دیگری را، و اشاره به حدیثی از حضرت علی علیه السلام بدین عبارت دارد: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ». خوشا به حال آن کس که با اشتغال به عیب خود، وی را از توجه عیوب دیگران باز دارد.

احادیث منثوی ص ۱۰۹

و همچنین به کلام حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه اشاره دارد: «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ» هر که عیب خویشتن ببیند به عیب دیگری نپردازد.

نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۱۲۴۹ قسمی از حکمت شماره ۳۴۱.

و همچنین اشاره به آیه ۱۰۵ از سوره مائده دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا

يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا هْتَدَيْتُمْ» ای آن کسانی که گرویدید بر شماست نفسهای شما، زیان نمی‌کند شما را آنکه گمراه شد، چون هدایت یابید.

۵۰- من اگر نیکم و مگر بد تو برو خود را باشی هر کسی آن درود عاقبت کار که گشت

۵۶/۸۰/۲

اشاره به کلام امام ششم امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده است: «إِنَّمَا يَخْصِدُ ابْنُ آدَمَ مَا يَزِرْغُ» بدرستی که فرزند آدم آنچه را بکار د حاصلش می‌شود.

اصول کافی ج ۲ ص ۳۳۴

۵۱- نه من از پرده تقوی بدر افتادم و بس / پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

۵۶/۸۰/۶

اشاره است به آیات ۲۹ تا ۳۵ سوره بقره و آیات ۳۰ تا ۵۲ سوره آل عمران و ۱۰ تا ۲۷ اعراب و آیه ۶۳ اسراء و آیه ۴۸ کهف و آیه ۱۱۴ طه: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» و هنگامی که گفت پروردگار تو فرشتگان را به درستی که من پدید آورنده‌ام در زمین خلیفه... «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكَلَامِنَهَا رَغَدًا...» و گفتیم ای آدم آرام گیر تو و جفت در بهشت و بخورید از آن فراوان... «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» پس لغزانید آن دو را شیطان از آن (بهشت) بیرون کردشان از آنچه بودند در آن (بهشت) و گفتیم فرو شوید که باشید بعضی از شما برخی را دشمن و شما راست در زمین قرارگاه و مایه تعیش تا هنگامی.

۵۲- زاهد غرور داشت سلامت نبود راه / رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

۵۸/۸۴/۶

اشاره به آیه ۱۲۷ از سوره انعام دارد: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» برای شماست بهشت سلامت نزد پروردگارتان.

۵۳- بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم / وز پیش سوره اخلاص دمیدیم و برفت

۵۹/۸۵/۳

اشاره به اولین سوره قرآن فاتحه‌الکتاب و سوره اخلاص (احد) دارد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ...» ستایش برای پروردگار جهانیان است... «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...» بگو ای پیامبر خدا یکی است...

۵۴- ای هدهد صبا بسبا می فرستمت بنگر که از کجا بکجا می فرستمت

۶۲/۹۰/۱

اشاره به فرستادن سلیمان هدهد را بسوی بلقیس که در آیه ۲۸ سوره نمل آمده است: «إِذْ هَبْ بِكُنَازِي هَذَا فَأَلْقَهُ إِلَيْهِمْ» این نامه را ببر و نزد ایشان بیفکن.

۵۵- مگر بایدم شدن سوی هاروت بابل صدگونه جادونی بکنم تا بیمارم

۶۳/۹۱/۴

اشاره است به آیه ۱۰۲ از سوره بقره: «... وَ مَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ...» و آنچه فرو فرستاده شد بر دو ملک به بابل هاروت و ماروت و نمی آموختند...

۵۶- سواد زلف سیاه تو جاعل الظلمات بیاض روی چو ماه تو فائق الصباح

۶۸/۹۸/۲

اشاره به آیه ۱ سوره انعام دارد که می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» ستایش مرخدای را که آفرید آسمانها و زمین را و پدید آورد تاریکیها و روشنی را پس آنان که کافر شدند به پروردگارشان برابر می کند دیگران را. و اشاره است به آیه ۹۶ سوره انعام: «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» اوست شکافنده سپیده دم و گردانید شب را آرام.

۵۷- سود و زیان و مایه چو خواهد شدن زدست از بهر این معامله غمگین مباش و شاد

۶۹/۱۰۰/۳

مستفاد از آیه ۲۳ از سوره حدید: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَافَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» تا غمگین نشوید بر آنچه فوت شده و از دست رفته و شادمان نگردید به آنچه به شما داده می شود که خدا دوست ندارد هر متکبر نادان را.

۵۸- این همه عکس می و نقش نگارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

۷۶/۱۱۱/۳

اشاره است به آیه ۳۵ از سوره نور: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ...» خداوند نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور پروردگار چون چراغدانی است که در آن چراغی باشد که آن چراغ در آبگینه باشد و آن آبگینه گویی ستاره‌ای درخشان باشد که بر افروخته می‌شود...

۵۹- غیرت عشق زبان همه خاصان ببرد کز کجا سر غمش در دهن عام افتاد

۷۶/۱۱۱/۴

اشاره است به حدیث نبوی: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانُهُ» هر کس خداوند را شناخت زبانش بسته می‌شود.

احادیث منوی ص ۶۷

۶۰- زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت کانکه شد کشته او نیک سرانجام افتاد

۷۶/۱۱۱/۹

اشاره است به حدیث: «مَنْ أَحَبَّنِي قَتَلْتُهُ وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَأَنَا دِبْتُهُ» کسی را که بکشند خونبهایش من هستم.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۲ ص ۱۴۲۲

۶۱- خوش عروسی است جهان از ره صورت لیکن هرکه پیوست بدو عمر خودش کاوین داد

۷۷/۱۱۲/۵

اشاره است به حدیث از امام کاظم علیه السلام: «یا هشام تَمَثَّلْتَ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ (ع) فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ فَقَالَتْ: كَثِيرًا قَالَ: فَكُلُّ طَلَقِكِ؟ قَالَتْ لَا: بَلْ كُلُّ قَتْلَتُ قَالَ الْمَسِيحُ (ع) فَوَيْحُ لَأَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَتَعَبَّرُونَ بِالْمَاضِيْنَ» ای هشام دنیا بصورت زنی سیاه چشم بر عیسی ظاهر شد عیسی به او گفت چند بار از دواج کرده‌ای؟ گفت بسیار، عیسی گفت همه تو را طلاق دادند؟ گفت نه بلکه همه را کشتم. عیسی گفت وای بر شوهران آینده تو که از گذشته عبرت نمی‌گیرند.

بحار ج ۱ ص ۱۵۲ قسمی از روایت ۲۰. بحار ج ۷۸ ص ۳۱۱

۶۲- حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد

۸۳/۱۲۲/۲

اشاره است به حدیث: «الْإِنْسَانُ بُرِّى وَأَنَاسُهُ» انسان راز من است و من راز او هستم.

به نقل از شرح عرفانی غزلیای حافظ ج ۳ ص ۱۶۴۵

۶۳- گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

۸۳/۱۲۲/۴

اشاره به آیه ۴۰ از سوره بقره خطاب به بنی اسرائیل که فرموده است: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» ای بنی اسرائیل بیاد آورید نعمت مرا که به شما انعام کردم و وفا کنید به پیمان من تا من به عهد شما وفا کنم و در شکستن پیمان از من بترسید.

۶۴- پیر دردی کش ماگر چه ندارد زر و زور خوش عطا بخش و خطاپوش خدایی دارد

۸۴/۱۲۳/۳

مستفاد از کلمات مأثوره: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ» ای پروردگاری که رحمت تو بر غضبت پیشی می گیرد و اشاره است به حدیث: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي» و اشاره به آیه ۲۰ از سوره نور دارد: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ...» و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش...

احادیث منوی ص ۱۵۲ - ۲۶

۶۵- احوال گنج قارون کایام داد بر باد در گوش دل فروخوان تا زر نهان ندارد

۸۶/۱۲۶/۷

اشاره به آیه ۸۱ از سوره قصص درباره قارون که فرموده است: «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ» پس فرو بردیم او را و خانه اش را به زمین پس نبود هیچ کس جز پروردگار که او را یاری کند و او از نصرت یافتگان نبود

۶۶- بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر سامری کیست که دست از ید بیضاء ببرد

۸۸/۱۲۸/۷

توضیح اینکه مصراع اول این بیت بدینگونه نیز آمده است:

سحر با معجزه پهلو نزنند دل خوش‌دار سامری کیست که دست از ید بیضاء ببرد

اشاره به آیه ۱۴۸ از سوره اعراف است: «وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خُلَیِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ» و قوم موسی پس از وی (در غیبت وی) از زیورهایشان گوساله تنی که او را آوازی چون آواز گاو بود ساختند.

۶۷- گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم گفتم آنروز که این گنبد مینا می‌کرد

۹۶/۱۴۲/۵

اشاره است به آیه ۱۷۲ از سوره اعراف: «وَ اِذْ اخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ... اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰی» و هنگامی که گرفت پروردگار تو از بنی آدم... آیا نیستم من پروردگار شما گفتند: آری....

۶۸- بیدلی در همه احوال خدا با او بود او نمی‌دیدش و از دور خدا را می‌کرد

۹۶/۱۴۲/۶

اشاره به آیه ۱۶ از سوره ق که می‌فرماید: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ اقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و بی شک ما انسان را آفریدیم و میدانیم آنچه نفسش وی را وسوسه می‌کند و ما نزدیکتریم به او از رگ گردن.

۶۹- این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد

۹۶/۱۴۲/۷

اشاره به آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ از سوره اعراف دارد: «قَالَتِ اَعْصَاةُ فَاِذَا هِيَ تُعْبَانُ مُبِينٌ» و نَزَعَ يَدَهُ فَاِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ» پس انداخت عصای خود را پس آنگاه ازدهایی شد هویدا* و بیرون کرد دستش را پس آنگاه آن نورانی بود مر نگرندگان را.

۷۰- فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

۹۷/۱۴۲/۹

اقتباس از قسمتی از آیات ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره: «وَ اَتَيْنَا عِيسٰی ابْنَ مَرْيَمَ الْبَنَاتِ وَ اَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» و دادیم عیسی پسر مریم را معجزات و تأیید کردیم او را به روح پاک.

۷۱- خرم دل آنکه همچو حافظ جامی ز می الست گیرد

۱۰۱/۱۴۸/۵

اشاره است به آیه ۱۷۲ از سوره اعراف: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ... أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» و هنگامی که گرفت پروردگار تراز بنی آدم... آیا نیستم من پروردگار شما گفتند: آری...
۷۲- سخن در احتیاج ما و استغنائی معشوقست چه سود افسونگری ای دل که در دلبر نمی گیرد

۱۰۲/۱۴۹/۱۱

مستفاد از آیه ۱۵ سوره فاطر که میفرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» ای مردم شما گدایان آستانه حق هستید و خداوند بی نیاز ستوده است.
۷۳- جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

۱۰۳/۱۵۲/۲

اشاره است به آیه ۷۲ از سوره احزاب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ما بر آسمانها و زمین و کوهها امانت را عرضه کردیم پس آنان از قبول آن و برداشتنش امتناع کردند و از آن ترسیدند اما برداشت و پذیرفت انسان آن امانت را که اوست ستمکار و نادان.

۷۴- زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز تا ترا خود زمین با که عنایت باشد

۱۰۸/۱۵۸/۳

مستفاد از آیه ۵۶ سوره قصص: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» تو (ای پیغمبر) نمی توانی هدایت کنی آن کس را که تو دوست داری اما خداوند است که هدایت می کند آن را که بخواهد و خداوند داناتر است هدایت شوندگان را.
۷۵- خوش بود مگر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او، غش باشد

۱۰۸/۱۵۹/۳

احتمالاً ملهم است از قول حضرت علی علیه السلام: «عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ يُكْرِمُ الرَّجُلُ أَوْ يَهَانُ» هنگام امتحان است که انسان سربلند یا سرشکسته می شود.

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

۱۰۸/۱۵۹/۵

اشاره است به حدیث: «إِيَّاكَ وَالتَّنَعُّمَ فَإِنَّ عِبَادَ اللَّهِ لَيُسَوُّوهُمُ بِمَنَاقِبِهِمْ» از تنعم بهره‌مندی که بندگان خاص خدا اهل کام و ناز نیستند.

به نفل از حافظ‌نامه خرمساهی ج ۱ ص ۶۲۰

من آن نگین سلیمان بهیج نستانم که گاه‌گاه برو دست اهرمن باشد

۱۰۹/۱۶۰/۲

اشاره به تفسیری که درباره گم کردن انگشتری سلیمان در تفاسیر ذکر کرده‌اند - چنانکه در تفسیر طبری گوید: «چون خدای خواست که آن مملکت از سلیمان بشود چون به آب‌خانه اندر شد. انگشتری مر جراده را داد (که وی مادر فرزندان سلیمان بود). که سلیمان هرگاه که اندر آب‌خانه شدی یا با زنی بخواستی خفتن نشایستی که آن انگشتری با خویشان داشتی از جلالت نام خدای عزوجل. گویند یکی دیو بود از مهران دیوان که نام او «صخر» بود خویشان در مانند سلیمان بساخت و پیش جراده رفت و گفت: انگشتری مرا ده (و این انگشتری همان بود که همه مملکت سلیمان مر آن انگشتری را به فرمان بودند که نام بزرگ خدای عزوجل بر آن نبشته بود) جراده پنداشت که او سلیمان است و هیچ او را از سلیمان باز شناخت و انگشتری به او داد. دیو انگشتری بستند و حالی برفت و بر تخت نشست و انگشتری در انگشت کرد و همه کس او را باز شناختند از سلیمان و جمله فرمانبردار او شدند. پس سلیمان از آب دست فارغ شد و پیش جراده رفت و انگشتری طلب کرد. وی گفت من انگشتری سلیمان را دادم و تو نه سلیمانی. تو دیوی و خود را بر مثال سلیمان ساخته‌ای - تو برو و ابلهی مکن و اگر نه سلیمان بداند تو را پاره پاره گرداند باری سلیمان متحیر شد که او را در هیچ حجره هارها نمی‌کردند پس چون مدتی بر این برآمد. دیو حکمی کرد که با حکمهای سلیمان موافق نبود و بیرون حکم تورات بود و علما و حکما دانستند که آن مخالف حکم تورات است و از بیم گفتن نمی‌یارسند. پس آصف برخیا برخاست و پیامد و جمله بنی اسرائیل می‌آمدند و آصف در حجره‌های سلیمان در می‌رفت و از حال وی

می پرسید، گفتند که سلیمان اکنون چهل روز گذشت تا نزدیک ما نیامد پس یقین کردند که آن دیو است که بر جای سلیمان نشسته است ...

به نقل از بانگ جرس ص ۴۱-۴۲

۷۸- غمناک نباید بود از طعن خسود ای دل شاید که چو واپینی خیر تو در این باشد

۱۰۹/۱۶۱/۳

مستفاد از آیه ۲۱۶ از سوره بقره که فرموده: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» و بسا که چیزی شما را ناخوش آید و آن به نفع و خیر شما می شود و بسا چیزی که شما را پسند افتد و آن زیان و ضرر شما را در بر داشته باشد خداوند می داند و شما نمی دانید.

۷۹- بر تخت جم که تاجش معراج آسمانست همت نگر که موری با آن حقارت آمد

۱۱۶/۱۷۱/۶

اشاره به نواختن سلیمان امیر موزان را و بر دست خود نشان دادن: چنانکه در تفسیر ابوبکر عتیق سرآبادی ص ۱۲۱ آمده که: پس سلیمان آن مور را بنواخت و بر دست خود نشان داد و گفت چه گویی در این بساط من، آن مور که مندر نام داشت و امیر موزان بود در جواب گفت: ای سلیمان بساط من از بساط تو بهتر است گفت چرا؟ گفت: زیرا بساط تو تسبیح دیوان است و بساط من دست سلیمان.

به نقل از بانگ جرس ص ۶۸

۸۰- هر که شد محرم دل در حرم یار بماند وانکه این کار ندانست در انکار بماند

۱۲۰/۱۷۸/۱

اشاره به فرمایش حضرت علی علیه السلام دارد: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» مردم دشمن آن چیزند که نمی دانند آنرا.

نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۱۱۶۸ حکمت ۱۶۳

۸۱- چه جای شکروشکایت از نقش نیک و بدست چو بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

۱۲۱/۱۷۹/۴

مستفاد از آیه ۸۸ سوره قصص: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» و مخوان جز پروردگارت خدای دیگر را - نیست جز او خداوندی همه چیز فناپذیر است جز وجه او حکم از آن اوست و همه بسوی او برگردانیده می شوند.

۸۲- عیب می جمله چو گفתי هنرش نیز بگو نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند

۱۲۳/۱۸۲/۶

ظاهراً اشاره دارد به قسمت اول آیه ۲۱۹ از سوره بقره: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» ای پیامبر از تو حکم شراب و قمار می پرسند بگو در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی.

به نقل از شرح غزلبای حافظ ج ۲ ص ۷۵۶

۸۳- دوش دیدم که ملانک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمان زدنند

۱۲۴/۱۸۴/۱

اشاره است به حدیث: «خَرَّتْ طَيْبَتُ آدَمَ بَيْدَى أَرْبَعِينَ صَبَاحاً» گل آدم را چهل روز بدست خویش سرشتم.

به نقل از حافظ نامه ج ۱ ص ۶۷۷

۸۴- آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال بنام من دیوانه زدند

۱۲۵/۱۸۴/۳

اشاره است به آیه ۷۲ از سوره احزاب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ما بر آسمانها و زمین و کوهها امانت را عرضه کردیم پس آنان از قهر آن و برداشتنش امتناع کردند و از آن ترسیدند، اما برداشت و پذیرفت انسان آن امانت را، که او ستمکار و نادان می باشد.

۸۵- جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

۱۲۵/۱۸۴/۴

اشاره به حدیث معروف: «ان امتی ستغترق بعدی علی ثلاثة و سبعین فرقة، فرقة منها ناجية و اثنتان و سبعون فی النار» همانا امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه پراکنده خواهند شد

فرقه‌ای از آنها رستگار و هفتاد و دو فرقه دیگر در دوزخ خواهند بود.

بحار ج ۲۸ ص ۴

«إِفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفَرَّقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفَرَّقُوا أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً» جهودان به هفتاد و یک و ترسایان به هفتاد و دو گروه گرویدند و پیروان من به هفتاد و سه گروه گردند.

احادیث منوی ص ۱۰۵

۸۶- ساقی بجام عدل بده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

۱۲۶/۱۸۶/۲

اشاره به آیه ۹۰ از سوره نحل دارد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» پروردگار فرمان می‌دهد به عدالت و نیکوکاری و اعطاء به صاحبان قرابت و اشاره است به آیه ۱۱ از سوره مائده و فرمایش حضرت علی علیه السلام در سفر بصره و نزول به خانه علاء ابن زیاد حارثی حکمران بصره به تفصیلی که در نهج الباغه فیض الاسلام صفحه ۶۶۲ تا ۶۶۴ خطبه ۲۰۰ آمده است.

۸۷- مگر رنج پیشی آید و مگر راحت ای حکیم نسبت مکن بغیر که اینها خدا کند

۱۲۶/۱۸۶/۴

مستفاد از آیه ۱۸۸ از سوره اعراف: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا سَتَكُنْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» بگو (ای پیغمبر) من مالک سودی یا زیانی برای خود نیستم مگر آنچه پروردگار من برای من بخواهد و اگر غیب می‌دانستم هر آینه خبر خوبیها را برای خود می‌افزودم و بدی به من نمی‌رسید - من نیستم مگر بیم‌کننده و مژده‌دهنده برای مؤمنان. و اشاره به آیه ۷۸ از سوره نساء دارد: «وَ إِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» و اگر برسد ایشان را بدی می‌گویند این از نزد توست بگو همه از نزد خداست.

۸۸- مطرب بساز پرده که کسی بی اجل نمرود و انکو نه این ترانه سراید خطا کند

۱۲۶/۱۸۶/۶

اشاره به آیه ۳۴ از سوره اعراف که می فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» و برای هر قومی مرگ و فناست پس چون زمان مرگ فرا رسید ساعتی پیش و پس نخواهد شد.

۸۹- طیب عشق مسیحا دمست و مشفق لیک چو درد در تو نبیند کرا ووا بکند

۱۲۶/۱۸۷/۴

اشاره است به آیه ۶۹ از سوره عنکبوت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و آنانکه مجاهدت کردند در راه ما هر آینه ایشان را هدایت می کنیم به راههای خود که خداوند با نیکوکاران است.

۹۰- شبان وادی ایمن گهی رسد بمراد که چند سال بجان خدمت شعیب کند

۱۲۷/۱۸۸/۶

اشاره به آیه ۵۲-۵۱ از سوره مریم دارد: «وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَيْنَاهُ نُجْيًا» و یاد کن در کتاب موسی را بدرستی که او بود خالص گردانیده شده و رسول و پیغمبر بود و ندا کردیم او را از جانب ایمن طور و نزدیک کردیم او را راز گوینده.

آیه ۳۰ سوره قصص: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» پس چون آمد آنرا ندا کرده شد از کنار آن وادی که جانب راست بود در قطعه زمینی برکت داده شد از آن درخت که ای موسی بدرستی که منم خدا که پروردگار جهانیانم.

اشاره به آیه ۲۷ از سوره قصص: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ انْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» گفت بدرستی که من می خواهم که یکی از این دو دختر را به حباله نکاح تو در آورم تا مرا مزدور شوی هشت سال و اگر ده سال تمام کردی اختیار با توست و من نمی خواهم ترا رنج دهم و بزودی درخواهی یافت اگر خدا بخواهد که من از شایستگانم.

۹۱- شاه را به بود از طاعت صد ساله و زهد قدر یکساعته عمری که در او داد کند

۱۲۸/۱۹۰/۵

اشاره به حدیث نبوی که: «عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ (سبعین) سَنَةٍ قِيَامٌ لَيْلُهَا وَ صِيَامُ نَهَارِهَا» یک ساعت دادگستری از عبادت شصت سال (هفتاد) بهتر و نافع تر است.

مستدرک الوسائل میرزای نوری ج ۱۱ ص ۳۱۷ - روایت ۴

۹۲- زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

۱۳۱/۱۹۳/۱۰

مستفاد از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام: «الْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتِهِ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيْطَانُ» خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت شود و نام پروردگار بزرگ در آنجا برده شود برکتش افزونی گیرد و مطاف فرشتگان باشد و شیطان از آنجا بگریزد.

اصول کافی - کلینی ج ۲ ص ۶۱۰ چاپ بیروت

۹۳- پیراهنی که آید از او بوی یوسف ترسم برادران غیورش قبا کنند

۱۳۳/۱۹۶/۹

اشاره به آیه‌های ۸ و ۹ و ۹۳ سوره یوسف دارد: «إِذْ هَبُوا بَقْمِصِي هَذَا قَالَ قُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَ أَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» (یوسف گفت) این پیراهن مرا بپريد و بر سر و چشم پدرم بيفكنيد باشد که بينا شود سپس همگان به اهل و عيال به سوى من آييد.

۹۴- گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین گفتا به کوی عشق همین و همان کنند

۱۳۴/۱۹۸/۴

مستفاد از آیه ۱۱۵ از سوره بقره: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تَوَلَّوْا فُتْمَ وَجْهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مر خدای راست مشرق و مغرب پس هر کجای روی آورید آنجا وجه خداست و خداوند فراخ رحمت داناست.

۹۵- بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی کاندرا آنجا طینت آدم مخمر می‌کنند

۱۳۵/۱۹۹/۷

اشاره است به حدیث: «خَمَرْتُ طِينَتِ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» گل آدم را چهل روز بدست خویش سرشتم.

حافظ نامه ج ۱ ص ۶۷۷

۹۶- مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم شهبان بی کمر و خسروان بی کلهند

۱۳۶/۲۰/۴

اشاره است به حدیث: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَقْتَحِرُ»

احادیث مثنوی ص ۲۳

۹۷- سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد ما باو محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

۱۴۰/۲۰۶/۵

اشاره به حدیث قدسی «كُنْتُ كَنْزاً خَفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق کردم مردم را برای شناختن خود.

کلمات مکتونه مرحوم فیض ص ۳۳- مرصاد العباد رازی جاب سنائی ص ۲- احادیث مثنوی ص ۲۹

۹۸- یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آنکه یوسف بزر ناسره بفروخته بود

۱۴۳/۲۱۱/۷

اشاره است به آیه ۲۰ از سوره یوسف: «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ» و فروختند او را (یوسف را) به بهای اندک به چند درهم معدود.

۹۹- اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود

۱۵۴/۲۲۷/۴

اشاره است به حدیث: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ شَيْطَانٌ قَالُوا وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ لَا وَ أَنَا، إِلَّا أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلِمْتُ فَلَمْ يَأْمُرْنِي إِلَّا بِخَيْرٍ»

بخارج ۷۰ ص ۴۰

و اشاره است به حدیث: «اسلم شیطانی علی یدی» شیطان بر دست من مسلمان شد.

به نقل از حافظ نامه ج ۲ ص ۷۸۳

«أَسْلَمْتُ شَيْطَانَ نَفْسِي بِيَدِي» من دیو تقسم را بدست خود مسلمان کردم.

به نقل از شرح غزلهای حافظ ج ۲ ص ۹۵۱

۱۰۰ - جمیله‌ای است عروس جهان ولی هس دار که این مخدره در عقد کس نمی‌آید

۱۵۶/۲۳۰/۷

اشاره است به حدیث از امام کاظم علیه السلام: «یا هشام تَمَثَّلْتَ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ (ع) فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَوْجَاءَ فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ فَقَالَتْ: كَثِيرًا قَالَ: فَكُلِّ طَلَقِكِ؟ قَالَتْ لَا: بَلْ كَلَّمْتُ قَتَلْتُ قَالَ الْمَسِيحُ (ع) فَوَيْحُ لَأَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ» ای هشام دنیا بصورت زنی سیاه چشم بر عیسی ظاهر شد عیسی به او گفت چند بار ازدواج کرده‌ای؟ گفت بسیار، عیسی گفت همه تو را طلاق دادند؟ گفت نه بلکه همه را کشتم. عیسی گفت وای بر شوهران آینده تو که از گذشته عبرت نمی‌گیرند.

بخارج ۱ ص ۱۵۲ فسمنی از روایت ۲۰. بخارج ۷۸ ص ۳۱۱

۱۰۱ - ترک گدائی مکن که گنج بیابی از نظر رهروی که در گذر آید

۱۵۷/۲۳۲/۵

اشاره است به حدیث: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَخِرُ»

احادیث مننوی ص ۲۳

۱۰۲ - گرت چونوح نبی صبر هست در غم طوفان بلا بگردد و کام هزار ساله برآید

۱۵۸/۲۳۴/۶

اشاره است به آیه ۱۴ سوره عنکبوت مبنی بر دعوت نوح قوم خود را قریب هزار سال چنانکه می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» فرستادیم نوح را به سوی قومش پس او نهصد و پنجاه سال درنگ کرد در میان ایشان پس طوفان آنان را در میان گرفت و این قوم از ستمکاران است.

۱۰۳ - عزیز مصر بر غم برادران غیور ز قعر چاه بر آمد باوج ماه رسید

۱۶۳/۲۴۲/۵

اشاره به آیه ۵۶ از سوره یوسف دارد: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» و همچنین تمکین دادیم و عزیز کردیم یوسف را در روی زمین تا هر جا که خواهد منزل گزید ما آن را که بخواهیم به رحمت خود

سر افراز می‌کنیم و اجر و مزد نیکوکاران را ضایع و تباه نمی‌سازیم.

۱۰۴ - حضور خلوت انس است و دوستان جمعند و آن یکاد بخوانید و در فراز کنید

۱۶۵/۲۴۴/۲

اشاره به آیه ۵۱ از سوره قلم دارد: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزِلُّوكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» و بدرستی که نزدیک بود آنان که کافر شدند هر آینه بزنند ترا به چشمهایشان چون شنیدند ذکر را و می‌گویند اینکه او دیوانه است.

۱۰۵ - شب وصلست و طی شد نامه هجر سلام فيه حتی مطلع الفجر

۱۷۰/۲۵۱/۱

اقتباس از آیه ۴ و ۵ سوره قدر که در مقام و منزلت شب قدر فرموده است: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» فرود آیند فرشتگان به زمین و فرود آید با ایشان در شب قدر به فرمان آفریدگار خود از جهت هرکاری بزرگ * سلام و سلامت و کرامت (در این شب) تا سپیده بامداد دارد.

۱۰۶ - یاراگر رفت و حق صحبت دیرین نشناخت «حاشا لله» که روم من ز پی یار دگر

۱۷۱/۲۵۲/۴

اشاره به آیات ۳۱ و ۵۱ سوره یوسف دارد: «وَقُلْنَا حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا». و گفتند پاک است خدا، نیست این آدمی. «قُلْنَا حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا» گفتند: حاشا لله ندانستیم.

۱۰۷ - می خور بیانگ چنگ و مخور غصه و رکسی گسود ترا که باده مخور گو هو الغفور

۱۷۲/۲۵۴/۶

اشاره به آیه ۴۹ سوره حجر: «نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» آگاه کن بندگانم را که من آمرزنده مهربانم.

۱۰۸ - ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برکنند چون ترانوح است کشتیان ز طوفان غم مخور

۱۷۳/۲۵۵/۶

۱۰۹ - حال مادر فرقت جانان و ابرام رقیب جمله می داند خدای حال گردان غم مخور

۱۷۳/۲۵۵/۹

حال گردان برابر است با: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَحْوَالِ»

به نقل از حافظ نامه ج ۲ ص ۸۲۹

۱۱۰ - بر آن سرم که ننوشم می و گنه نکنم اگر موافق تدبیر من شود تقدیر

۱۷۳/۲۵۶/۵

اشاره به کلام حضرت مولی دارد که می فرماید: «يَغْلِبُ الْمِقْدَارُ عَلَى التَّقْدِيرِ حَتَّى تَكُونَ الْآفَةُ فِي التَّدْبِيرِ» تقدیر الهی بر چاره اندیشی های بشر چیره می شود و آفت تدبیر وی می گردد.

بحارج ۵ ص ۱۲۶

و اشاره به حدیث: «الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ»

۱۱۱ - زجور چرخ چو حافظ بجان رسید دلت به سوی دیو محن ناوک شهاب انداز

۱۷۹/۲۶۳/۸

اشاره به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره حجر دارد: «وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِمْ * إِلَّا مَنْ اشْتَرَقَ اسْتَمَعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» نگاه داشتیم و محافظت کردیم آن را از هر شیطان رانده شده * مگر آنکه دزدیده گوش فرا داشت که از پس او شهابهایی روانه شد. و اشاره به آیات ۶ تا ۱۱ از سوره صافات دارد: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ» بدرستی که ما آراستیم آسمان نزدیکتر را به زینتی که ستاره است * و نگه داشتنی از هر شیطان سرکش «إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْمُخَاطَفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» مگر آنکه بدزدیده ربود ربودنی پس از بی در آمد او را شعله فروزان روشن.

۱۲ امیان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

۱۸۱/۲۶۶/۸

مستفاد از آیات چندی در قرآن، منجمله آیه ۱۶ از سوره ق: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ما آفریدیم انسان را و می دانیم آنچه را نفس او به وی وسوسه می کند و ما به انسان از رگ گردن نزدیکتریم.

۱۱۳- تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافریست راهروگر صد هنر دارد توکل بایدش

۱۸۷/۲۷۶/۴

اشاره به آیه ۳ سوره طلاق: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» پس هر که بر پروردگار توکل کند این توکل او را در کارها کفایت می کند و خداوند رساننده امر است و برای هر چیز اندازه ای معین قرار داشته است.

۱۱۴- لطف خدا بیشتر از جرم ماست نکته سربسته چه دانی خموش

۱۹۲/۲۸۴/۵

مستفاد از آیه ۵۳ سوره زمر: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» هرگز از رحمت حق نومید نشوید که پروردگار تمام گناهان را خواهد آمرزید.

۱۱۵- حافظا اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق بدرقه رعت شود همت شحنه نجف

۲۰۱/۲۹۶/۹

رکب به شماره ۱۱ [۱۵/۱۸/۷]

۱۱۶- سبز پوشان خطت بر گرد لب همچو مورانند گرد سلسبیل

۲۰۹/۳۰۸/۲

اشاره به آیه ۲۱ لاز سوره انسان دارد: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ» ببالای بهشتیان لطیف دیبای سبز و حریر سطر است.

۱۱۷- یا رب این آتش که در جان منست صبر کن ز انسان که کردی بر خلیل

۲۰۹/۳۰۸/۴

اشاره به آیه ۶۹ سوره انبیاء: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» و گفتیم که ای آتش سرد و سلامت شو بر ابراهیم.

۱۱۸- بزمگاهی دلنشان چون قصر فردوس برین گلشنی پیرامونش چون «روضه دارالسلام»

۲۱۰/۳۰۹/۴

اشاره به آیه ۱۲۷ سوره انعام دارد: «هُم دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» از برای ایشان است سرای سلامت نزد پروردگار شما.

۱۱۹ پیمان شکن هر آینه گردد شکسته حال ان العهود عند ملیک النهی ذمم

۲۱۲/۳۱۲/۴

مستفاد از آیه ۲۷ سوره بقره: «الَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» کسانی که پیمان پروردگار را پس از پیمان بستن می شکند و از او امر خداوند سرپیچی می کنند و در آن فساد روا می دارند و در زمین ایشان زیان کارانند.

۱۲۰ - در نیل غم فتاد سپهرش به طنز گفت الان قد ندمت و ما ینفع الندم

۲۱۲/۳۱۲/۶

تلمیح به آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره یونس دارد: «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْعَرَقُ» و گذرانندیم بنی اسرائیل را از دریا پس فرعون و لشکریانش از روی ستم و تعدی از پا در آمدند تا نزدیک شد که فرعون غرق شود... «الآن وَ قَدْ عَصَيْتُ قَبْلُ وَ كُنْتُ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» اکنون به تحقیق نافرمانی کردی پیش و بودی از فسادکنندگان.

۱۲۱ سایه ای بر دل ریشم فکن ای گنج روان که من این خانه به سودای تو ویران کردم

۲۱۷/۳۱۹/۳

اشاره است به حدیث نبوی: «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ» من در قلبهای شکسته جا دارم.

به نقل از حافظ نامه ج ۲ ص ۹۳۲

۱۲۲ این که پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت اجر صبر یست که در کلبه احزان کردیم

۲۱۸/۳۱۹/۸

اشاره است به حدیث «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» صبر کلید گشایشهاست.

۱۲۳ سزد کز خاتم لعش ز نم لاف سلیمانی چو اسم اعظم باشد چه پاک از اهر من دارم

۲۲۳/۳۲۷/۶

در تفسیر طبری می خوانیم که سلیمان را انگشتی برد که همه مملکت سلیمان مر آن انگشت را به فرمان بود که نام بزرگ خدای عز و جل بر آن بنشسته بود و این همان انگشتی

بود که دیوی صخره نام از مادر فرزندان سلیمان که او را جراده خواندندی و سلیمان از همه زنان بر وی امن تر بودی آنگاه که سلیمان به آب خانه اندر شد از وی به حیلست بستند که خود را بر مانند سلیمان بساخته بود و بر تخت سلیمان در سایه آن انگشتری بنشست و راند.

به نقل از بانگ جرس ص ۷۹

۱۲۴ صحبت حور نخواهم که بود عین قصور با خیال تو اگر با دگری پردازم

۲۳۰/۳۳۵/۴

مستفاد از فرمایش حضرت علی علیه السلام: «إِلَهِي مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» من تو را از بیم آتش دوزخ تو و یا به طمع بهشت تو عبادت و بندگی نمی کنم بلکه تو را از این جهت که سزاوار عبادت و بندگی هستی عبادت می کنم.

بحار ج ۲۱ ص ۱۴ و باندکی تغییر در ج ۷۰ بحار صفحات ۱۹۷-۲۳۴ و ۱۸۶ و ج ۷۲ ص ۲۷۸

۱۲۵ پدرم روضه رضوان بدو گندم بفروخت من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم

۲۳۴/۳۴۰/۶

اشاره به آیه ۲۲ از سوره اعراف: «فَذَلَّلْنَاهَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا» پس فریب داد ایشان را (شیطان) و چون از آن درخت خوردند ظاهر گشت عورت های آنان.

۱۲۶ اعتقادی بنماو بگذر بهر خدا تا در این خرقة ندانی که چه نادر و بیشم

۲۳۵/۳۴۱/۵

اشاره به آیه ۷۲ از سوره فرقان دارد: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» و کسانی که حاضر نمی شوند باطل را و چون بگذرند به لغو بگذرند کرامان.

۱۲۷ حافظا خلد برین خانه موروث من است اندرین منزل ویرانه نشیمن چه کنم

۲۳۷/۳۴۵/۷

اشاره به آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره مؤمنون دارد: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» آن گروه ایشانند وارثان * آنانکه به میراث می برند فردوس را ایشان باشند در آن جاودانیان.

۱۲۸- من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم

۲۳۸/۳۴۶/۹

اشاره است به حدیث: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَحِرُ».

احادیث منوی ص ۲۳

۱۲۹- نیست امید صلاحی ز فساد حافظ چون که تقدیر چنین است چه تدبیر کنم

۲۳۹/۳۴۷/۸

اشاره به کلام حضرت مولی دارد که می فرماید: «يَغْلِبُ الْمِقْدَارُ عَلَى التَّقْدِيرِ حَتَّى تَكُونَ الْآفَةُ فِي التَّدْبِيرِ» تقدیر الهی بر چاره اندیشی های بشر چیره می شود و آفت تدبیر وی می گردد.

بحار ج ۵ ص ۱۲۶

و اشاره به حدیث «الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يَقْدِرُ»

۱۳۰- از دل تنگ گنه کار بر آورم اهی کاتش اندر گنه آدم و حوا فکنم

۲۳۹/۳۴۸/۲

اشاره به فریب شیطان و عصیان آدم در خوردن گندم در آیه ۱۲۱ از سوره طه: «فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهَا سَوَائِهَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» پس آن دو از آن (درخت) خوردند و عوارت آنان آشکارا شد و بر آنها از برگهای بهشت می چسباندند - آدم بر پروردگار خود عصیان شد و گمراه شد.

۱۳۱- از نامه سیاه نترسم که روز حشر بافیض لطف او صد از این نامه طی کند

۲۴۱/۳۵۱/۵

مستفاد از آیه ۵۳ سوره زمر: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» بگو (ای پیغمبر) ای بندگان که بر خود نبخشیدید و بر نفس خود اسراف کردید از رحمت و عفو پروردگار ناامید نباشید که خداوند بخشاینده همه گناهان است.

۱۳۲- بعد صد سال اگر بر سر خاکم گذری سر بر آرد ز گلم رقص کنان عظم رمیم

۲۵۳/۳۶۷/۵

اشاره به آیه ۷۸ از سوره یس دارد: «قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» گفت که زنده

می‌گرداند استخوانها را و آنها پوسیده.

۱۲۳ دام سخت است مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبود صرفه ز شیطان رجیم

۲۵۳/۳۶۷/۱۰

اشاره به: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده.

۱۲۴ با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم

۲۵۷/۳۷۳/۴

اشاره به آیه ۱۴۳ از سوره اعراف دارد: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ ۖ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِجَبَلٍ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ ضَعِيفًا» پس چون موسی به وقت مقرر ما آمد و سخن کرد با او پروردگارش گفت خداوندا خود را به من بنما تا تو را بنگرم گفت هرگز مرا نخواهی دید لیکن به کوه بنگر پس اگر کوه به جای خود ماند شاید مرا ببینی و چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد کوه پاره پاره شد و موسی بیهوش به زمین افتاد.

۱۲۵ فردا اگر نه «روضه رضوان» به ما دهند غلمان ز روضه حور ز جنت بدر کشیم

۲۵۹/۳۷۵/۳

اشاره به آیه ۲۱ از سوره توبه دارد: «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» مژده می‌دهد ایشان را پروردگارشان به رحمتی از او و خشنودی و بهشتهایی از برای آنها که در آنهاست نعمتی دائمی. و اشاره به آیه ۲۴ از سوره طور دارد: «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ» و گردش می‌کند برایشان غلامان که مر آنها را. و اشاره به آیه ۱۷ از سوره واقعه دارد: «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ» می‌گردند برایشان پسران جاودانیان.

۱۲۶ - در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد لزل گفت بگو می‌گویم

۲۶۲/۳۸۰/۲

مستفاد از آیه چندی در قرآن مجید من جمله ذیل آیه ۷۸ از سوره نساء: «وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ قَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا» و اگر بدی به ایشان برسد می‌گویند این بدی از توست بگو (ای پیغمبر) همه از نزد خداست پس

چیست این گروه را که نمی توانند سخن را دریابند و بفهمند.

۱۳۷- خاتم‌الجهرا بشارت ده به حسن خاتمت کاسم اعظم کرداز او کوتاه دست اهرمن

۲۶۹/۳۹۰/۳

در تفسیر طبری می خوانیم که سلیمان را انگشتی بود که همه مملکت سلیمان مر آن انگشت را به فرمان بود که نام بزرگ خدای عز و جل بر آن بنشسته بود و این همان انگشتی بود که دیوی صخره نام از مادر فرزندان سلیمان که او را جراده خواندندی و سلیمان از همه زنان بر وی امن تر بودی آنگاه که سلیمان به آب خانه اندر شد از وی به حیلست بستند که خود را بر مانند سلیمان بساخته بود و بر تخت سلیمان در سایه آن انگشتی بنشست و راند.

به نقل از بانگ جرس ص ۷۹

۱۳۸- تا بدمعمور باد این خانه کز خاک درش هر نفس بابوی رحمن می وزد باد یمن

۲۶۹/۳۹۰/۴

اشاره به حدیث نبوی درباره اویس قرنی است: «إِنِّي لَا أَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ» من بوی خدواند را از جانب یمن استشمام می کنم.

احادیث منوی ص ۷۳

۱۳۹- مشورت با عقل کردم گفت حافظ می بنوش ساقیا می ده به قول مستشار مؤتمن

۲۶۹/۳۹۰/۱۰

اشاره به آیه ۳۸ از سوره شوری دارد: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» و آنان که اوامر پروردگار را اجابت کردند و به پا داشتند نماز را و کارها را با مشورت یکدیگر انجام می دهند و از آنچه روزی ایشان کردیم انفاق می کنند.

۱۴۰- می ترسم از خرابی ایمان که می برد صحراب ابروی تو حضور نماز من

۲۷۶/۴۰۰/۳

اشاره است به حدیث: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ» نماز درست نیست مگر با حضور قلب.

احادیث منوی ص ۵

«لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةٍ لَا يُحْطِرُ الرَّجُلُ فِيهَا قَلْبَهُ مَعَ بَدَنِهِ»

قیل: «ما ادب الصلوة؟ قال: حضور القلب»

بحار ج ۸۴ ص ۲۴۶ س ۱۱

۱۴۱ - زاهد چو از نماز توکاری نمی‌رود هم مستی شبانه و راز و نیاز من

۲۷۷/۴۰۰/۹

اشاره است به حدیث: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ» نماز درست و راست نشود مگر به حضور قلب.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۲ ص ۲۴۸۶

۱۴۲ - چراغ صاعقه آن سخاوت روشن باد که زد به خرمن ما آتش محبت او

۲۸۰/۴۰۵/۳

ر ک به شماره ۱۱۱: [۱۷۹/۲۶۳/۸=]

۱۴۳ - مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خوش آمد و هنگام درو

گفتم ای بخت بخفتیدی و خورشید دیدم گفتم با این همه از سابقه نومید مشو

۲۸۱/۴۰۷/۱ و ۲

اشاره است به حدیث: «سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي» خداوند رحمتش بر غضبش سبقت دارد.

اصول کافی به عربی ص ۴۴۳ روایت ۱۲ - احادیث منثوی صفحات ۱۵۲ - ۲۶

۱۴۴ - خونم بخور که هیچ ملک با چنان جمال از دل نیایدش که نویسد گناه تو

۲۸۳/۴۰۹/۳

مستفاد از آیه ۱۷ و ۱۸ سوره ق اشاره به دو ملک که اعمال انسان را می‌نویسند که فرموده است: «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» آنگاه که آن دو فرا گیرنده از راست و چپ نشسته * بیرون نیفکنید از دهان (هر کس) هیچ سخنی جز آنکه نزد اوست نگهبانی آماده.

۱۴۵ - دولت عشق بین که چون از سرفقرو افتخار گوشه تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

۲۸۴/۴۱۱/۴

اشاره است به حدیث: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَخِرُ» فقر مایه سربلندی است.

احادیث منثوی ص ۲۳

۱۴۶ - مگر تیغ بارد در گوی آن ماه

کردن نهادیم الحکم لله

۲۸۹/۴۱۸/۱

الحکم لله اشاره به آیه ۱۲ از سوره مؤمن دارد: «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» پس حکم خدای راست که بزرگی بر دست اوست و اشاره به آیه ۵۷ از سوره انعام و آیات ۴۰ و ۶۷ سوره یوسف دارد: «إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» نیست حکم مگر خدا را.

۱۴۷ - فردا شراب کوثر و حور از برای ماست

و امروز نیز ساقی مهروی و جام می

۲۹۸/۴۲۹/۶

اشاره به آیه ۱ از سوره کوثر دارد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» بدرستی که عطا کردیم به تو کوثر را. و اشاره به آیات ۱۲ تا ۲۲ سوره دهر: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» و جزای ایشان در مقابل صبر و شکیبایی بهشت و حریر است. و در آیه ۲۱ می فرماید: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ خُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» بالا شان جامه هایی از دیبای نازک سبز و دیبای سَبَرَق به دستوانها و پیرایه تر شد از سیم، و آشامانید ایشان را پروردگارشان شرابی پاکیزه و آیه ۲۲: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ نَعْنِكُمْ مَشْكُورًا» و این پاداش شماست و سعی و کوشش شما پسندیده و ستوده است.

۱۴۸ - نوشته اند بر ایوان جنة المأوی

که هر که عشوه دینی خرید وای بوی

۲۹۹/۴۳۰/۷

اشاره به آیه ۱۵ از سوره نجم دارد: «عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» که نزد آن است بهشت آرامگاه. مستفاد از آیه ۸۶ سوره بقره: «وَلِلَّذِينَ اشْتَرَوُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ»: و کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت خریدند (ترجیح دادند) عذاب ایشان اندک نیست و یاری نخواهد شد. و همچنین آیه ۳ سوره ابراهیم: «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصْذَوْنَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» آن کسانی که زندگانی را دوست دارند و آن را بر جهان آخرت رجحان می دانند و راه پروردگار را مدود و ناراست می خوانند سخت در گمراهی دچارند.

۱۴۹ - بخیل بوی خدا نشنود بیا حافظ

بیاله گیر و کرم ورز والضمان علی

۲۹۹/۴۳۰/۹

مستفاد از آیه ۳۷ سوره نساء: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» و آنانکه بخل می کنند و مردمان را به بخل امر می کنند و پنهان می دارند آنچه را خداوند از فضل خود به ایشان داده است (که البته به کیفر خود خواهند رسید) و ما از برای کافران عذابی سخت و خوار کننده آماده کرده ایم.

۱۵۰ - آلودگی خرقه خرابی جهان است

کو داهروی اهل دلی پاک سرشتی

۳۰۳/۴۳۶/۷

اشاره است به حدیث: «إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ»

به نقل از شرح غزلهای حافظ ج ۲ ص ۱۷۷۶

۱۵۱ - حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی

کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

۳۱۵/۴۵۱/۹

اشاره است به حدیث: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ» فقر مایه سربلندی است.

احادیث منثوی ص ۲۳

۱۵۲ - طفیل هستی عشقند آدمی و پری

ارادتسی بسما تا سعادتسی بسری

۳۱۵/۴۵۲/۱

اشاره به حدیث قدسی: «كُنْتُ كَنْزًا خَفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ» من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق کردم مردم را برای شناختن خود. کلمات مکنونه مرحوم فیض ص ۳۳ - مرصاد العباد رازی چاپ سنائی ص ۲ - احادیث منثوی ص ۲۹

۱۵۳ - لمع البرق من الطور و أنست به

فلعلی لك آت بشهاب قیس

۳۱۸/۴۵۵/۵

اقتباسی است به آیه ۷ از سوره نمل: «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا خَبَرٌ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» هنگامی که گفت موسی مراهلش را بدرستی که من دیدم آتشی را بزودی می آورم از آن خبری یا آرم شما را شعله گیرانیده باشد که شما گرم شوید.

و اشاره به آیه ۱۰ و ۱۱ سوره طه: «إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّغَلَىٰ أُنَاسٍ مِنْهَا بَقِيصٌ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى» و چون آتش را (موسی) دید کسانش را گفت درنگ کنید که من آتش را دیدم باشد که از آن گیراننده شعله برای شما بیاورم و با بدان آتش راه یابم.

۱۵۴ - بیا ساقی بده رطل گرانم سقاک الله من کاس دهاق

۳۱۸/۴۶۰/۵

اشاره و اقتباس به آیه ۳۴ از سوره نبا: «وَكُلَّامًا دِهَاقًا» (برای پرهیزکاران است) جامهای پر شراب.

۱۵۵ - مسیحای مجرّد را برآزد که با خورشید سازد هم وثاقی

۳۲۳/۴۶۰/۱۳

اشاره به آیه ۱۵۸ از سوره نساء دارد: «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» بلکه بلند کردش (مسیح را) خدا بسوی خود و هست خدا غالب در ستکر دار.

۱۵۶ - ماه اگر بی تو برآید بدو نیمش بزنند دولت احمدی و معجزه سبجانی

۳۳۳/۴۷۲/۴

اشاره به آیه ۱ از سوره قمر دارد: «إِنقَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» نزدیک شد (قیامت) و شکافته و منشق شد ماه.

۱۵۷ - ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد که در حسن تو لطفی دید بیش از حد انسانی

۳۳۶/۴۷۴/۵

اشاره به آیه ۱۱ از سوره اعراف دارد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» هر آینه شما آدمیان را خلق کردیم و آنگاه بصورت کامل آراستیم و فرشتگان را به سجده آدم مأمور کردیم.

۱۵۸ - ساقی به بی نیازی رندان که می بده تا بشنوی ز صوت مغنی هو الفنی

۳۴۰/۴۷۹/۶

اشاره به آیه ۲۶ از سوره لقمان دارد: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» هر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده.

۱۵۹- که ای صوفی شراب آنکه شود صاف

که در شیشه بر آرد اربعینی

۳۴۲/۴۸۳/۲

اشاره به حدیث: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا جَزَتْ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ يَنَائِيعُ الْحِكْمَةِ» هر کس که چهل روز برای خود خالص گرداند چشمه‌های حکمت از دل بر زبانش جاری گردد.

بحار الانوار ج ۶۷ صفحه ۲۴۲ روایت ۱۰

و اشاره به اتمام میقات موسی از سی شب به چهل شب از آیه ۱۴۲ سوره اعراف: «وَاَعِدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» و وعده دادیم موسی را سی شب و تمام گردانیدیم آن را به ده شب پس وقت مقرر پروردگارش در چهل شب تمام شد و همچنین اشاره به چله‌نشینی صوفیان برای تزکیه نفس که به نظر محققان این مدت و تعیین آن به چهل روز یا چهل شب مبتنی بر متابعت از دستور همین آیه مبارک بوده است.

۱۶۰- یعنی بیا که آتش موسی نمود گل تا از درخت نکته توحید بشتوی

۳۴۵/۴۸۶/۲

اشاره به آیه ۳۰ از سوره قصص: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» پس چون به آنجا آمد از کنار آن وادی که جانب راست در زمینی مبارک ندایی رسید از آن درخت که ای موسی منم پروردگار عالمیانم.

۱۶۱- دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر گای نور چشم من بجز از کشته ندروی

۳۴۵/۴۸۶/۸

مستفاد از آیه ۷ و ۸ سوره زلزال: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر کس به مقدار ذره‌ای عمل نیک کند نیکی ببند و آن کس که به مقدار ذره‌ای عمل بد کند بدی خواهد دید. و اشاره به حدیث: «إِنَّمَا يَحْصُدُ ابْنُ آدَمَ لَا يَزِرُحَ» بدرستی که فرزند آدم آنچه بکارد حاصلش می‌شود.

۱۶۲- جانیکه برق عصیان بر آدم صفی زد ما را چگونه زبید دعوی بی گناهی

۳۴۸/۴۸۹/۱۳

اشاره به آیه ۱۲۱ از سوره طه دارد: «... وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» و آدم نافرمانی خدای خود

کرد و گمراه شد.

۱۶۳ - دل که آینه شاهبست غباری دارد از خدا می‌طلبم صبحت روشن رایی

۳۴۹/۴۹۰/۲

اشاره به حدیث: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ» دل مومن عرش خدایی است.

بحار الانوار ج ۵۸ ص ۳۹

۱۶۴ - هس دار که گر وسوسه عقل کنی گوش آدم صفت از روضه رضوان به درآنی

۳۵۳/۴۹۴/۲

اشاره به آیه ۱۲۰ از سوره طه دارد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبُلَى» پس وسوسه کرد مر او را شیطان، گفت ای آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت جاودانی و پادشاهی که کهنه نشود.

۱۶۵ - مگر وقت وفا پروردن آمد که فالم لاتذرنی فرداً آمد

۳۵۴/ساقی نامه/۷

اقتباس از آیه ۸۹ سوره انبیاء: «و زَكَّرْنَا إِذْ نَادَى رَبُّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا» و زکریا آنگاه که خداوند را خواند و گفت پروردگارا مرا تنها مگذار.

۱۶۶ - چو من ماهی کلک ارم به تحریر تو از «ن و القلم» می‌پرس تفسیر

۳۵۵/ساقی نامه/۲۳

اشاره به آیه ۱ سوره قلم دارد: «ن وَالْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُون» قسم به قلم و آنچه می‌نویسند.

۱۶۷ - تو نیک وبد خود هم از خودپرس چرا بایدت دیگری محتسب

و من یثقی الله یجعل له و یرزقه من حیث لا یحتسب

مقطعات ص ۳۶۱

اقتباس از آیات ۲ و ۳ سوره طلاق دارد: «وَمَنْ يَثَّقِ اللَّهُ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و یرزقه من حیث لا یحتسب و کسی که دوری کند از خدا می‌گرداند او را بیرون شده و روزی دهد او را از جاها که گمان نمی‌برد.

بخش چهار

اشعاری که در دیوان حافظ
تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی
یافت نشد

جو من بگذرم زین جهان خراب
 به تابوتی از چوب تا کم کنید
 به آب خرابیات غسلم دهید
 مریزید بر گور من جز شراب
 ولیکن به شرطی که در مری من
 تو خود حافظا سر ز مستی متاب

یاد آور شعر تنوخی است:

وَ اِذَا مِتُّ اِسْطَحَانِي وَ اِفْرِشَا
 وَ اِقْطَعَالِي كَنْفًا مِنْ زَقَا
 وَ اِذْفَنَانِي يَا نَدِيمِي اِلَى
 لَيْظُلِّ الْفَرْعُ مِنِّي ظَاهِرًا
 وَ كَلَانَا بَعْدَ مَا قَلْتُ اِلَى

بشوید جسم مرا با شراب
 به راه خرابیات خاکم کنید
 پس آنگه بر دوش مستم نهید
 میارید در ماتمم جز رباب
 تنالد به جز مطرب و چنگ من
 که سلطان نخواهد خراج از خراب

مِنْ غُصُونِ الْكَزْمِ تَحْتِي قُرْشًا
 وَ اَنْفَحَا مِنهُ عَلَيهِ وَ اَرَشْتًا
 اَصْلُ كَزْمٍ قَرْعُهُ قَدْ عَرَشَا
 وَ يُرَوِّ الْاَصْلُ مِنِّي الْعَطْشَا
 حَاكِمٌ يَفْعَلُ فِينَا مَا يَشَاءُ

۲- چو دانی که روزی دهنده خداست مدار از طمع قلب را منقلب
 اشاره به آیه ۲ و ۳ سوره طلاق دارد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ و خداوند پرهیزگاران را راه خروج مینماید و ایشان را از محلی که به حساب آورده نمی شود روزی می دهد.

۳- تا نفخت فيه من روحی شنیدم شد یقین بر من این معنی که ما زان وی واو زان ماست
 اشاره به آیه ۲۹ سوره حجر: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي» پس چون او را راست کردم و از روحم در آن دمیدم.

۴- کدام طاعت شایسته آید از من مست که بانگ شام ندانم ز فائق الاصبح
 اشاره به آیه ۹۶ از سوره انعام دارد: «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» شکافنده عمود صبح و گردانیده شب را آرامگاه.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۱ ص ۷۱۹

۵- عزیز دار زمان وصال را کاندم مقابل شب قدر است و روز استفتاح
 اشاره به آیه ۱ از سوره قدر دارد: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بدرستی که ما فرستادیم (قرآن را) در شب قدر.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۱ ص ۷۱۸

۶- صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید
 حافظ انجری
 اشاره است به حدیث: «الصبر مفتاح الفرج» صبر کلید گشایشها است. و همچنین اشاره دارد به فرمایش حضرت علی علیه السلام: «لَا يَغْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»: بی شک صبر کننده ظفر خواهد یافت هر چند مدت زمانی بر آن بگذرد

نهج البلاغه قبض الاسلام ص ۱۱۶۳ - غررالحکم ج ۱ ص ۷۶۰

۷- نظری کرد که بیندبه جهان صورت خویش خیمه در مزرعه آب و گل آدم زد

حافظ فدسی

اشاره به آیه ۳۰ سوره بقره: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ

فِيهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»
و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت که من خلیفه‌ای در زمین قرار خواهم داد گفتند آیا
می‌خواهی خلیفه‌ای بگذاری که او فساد کند و خون ریزد و ما تسبیح تو می‌کنیم و ترا تقدیس
می‌نماییم گفت من می‌دانم آنچه را که شما می‌دانید.
و اشاره است به حدیث: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» خداوند آدم را بصورت خود
خلق کرد.

احادیث منوی ص ۱۱۴-۱۱۵

۸- بار غم او عرض به هر کس نمودم عاجز شد و این قرعه به نامم ز سر افتاد

حافظ قدسی

اشاره به آیه ۷۲ سوره احزاب دارد: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»
ما بر آسمانها و زمین و کوهها امانت را عرضه کردیم پس آنان از قبول آن و بر داشتنش امتناع
کردند و از آن ترسیدند اما برداشت و پذیرفت انسان آن امانت را که اوست ستمکاره و نادان.
۹- برو گنج قناعت جوی و گنج عافیت بنشین که یکدم تنگ دل بودن به بحر و بر نمی‌ارزد

حافظ انجوی

مستفاد از فرمایش حضرت علی علیه السلام که فرموده: «كُنْ بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَبِجُحْنِ الْخَلْقِ نِعْمًا»
قناعت گنجی است و ملکی است که انسان را در هر کار کفایت می‌کند و نیکویی نعمتی است
همچنان کفایت کننده در هر حال.

نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۱۱۸۸

اشاره است به حدیث: «الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ» قناعت گنجی است که سپری نشود.

به نقل از شرح عرفانی غزلیهای حافظ ج ۲ ص ۱۰۵۸

۱۰- ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی آنجا به امید قبسی می‌آید

حافظ قدسی

اشاره به آیه ۷ از سوره نمل دارد: «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لَأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ

أَتَيْكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» بیاد آر هنگامی که موسی به اهل بیتش گفت مرا آتشی به نظر آمد می روم تا از آن بزودی خبر بیاورم یا شاید برای گرم شدن شما شعله ای برگیرم.

۱۱ - مپوش روی و مشو در خط از تفرج خلق که خواند خط تو بر روی و ان یکاد دمید

اشاره به آیه ۵۱ از سوره قلم دارد: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ ...» بدرستی که نزدیک بود آنانکه کافر شدند هر آینه بزند ترا به چشمهایشان

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۲ ص ۹۶۲

۱۲ - پس زانو منشین و غم بیهوده مخور که به غم خوردن تو رزق نگردد کم و بیش

حافظ انجری

اشاره به آیه ۵۱ سوره توبه: «قُلْ لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» بگو هرگز نمی رسد به ما مگر آنچه بر ما نوشته شده است اوست مولای ما و ایمان آورندگان تنها بر پروردگار توکل می کنند.

۱۳ - محتسب خم شکست و من سر او سن بالسن و المجروح قصاص

حافظ فدسی

اقتباس از آیه ۴۵ سوره مائده: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فَأَيُّ الْفُسْ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنِ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفِ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنِ بِالْأُذُنِ وَالسِّنِّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحِ قِصَاصٌ» نوشتیم بر ایشان که قصاص نفس به نفس و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان هر جراحتی را قصاص است.

۱۴ - ز رقیب دلم نیافت خلاص زانکه القاص لا يحب القاص

رحیم منکر خمار بود روزی چند بدان دلیل که القاص لا يحب القاص

منسرب به حافظ

القاص لا يحب القاص

(به نقل از حافظ شیرین سخن ص ۵۸۷)

۱۵ - دیدن حسن و خوبیت بر همه خلق واجب است سجده درگاه تو بر جمله ملائک است فرض

اشاره است به آیه ۵۶ از سوره الذاریات: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» جن و انس

را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.

به نفل از شرح عرفانی غزل‌های حافظ ج ۳ ص ۱۹۷۸

۱۶- زهد وقت گل چه سودایی است حافظ هوش دار تا اعدوی خوانم و اندیشه دیگر کنم

حافظ قدسی

اشاره به آیه ۳۶ از سوره فصلت است که می‌فرماید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» چنانچه به وسوسه‌ای از وساوس شیطانی دچار شدی پس به پروردگار پناه جوی که او شنوایی داناست همچنین چنانکه برای شروع در هر کاری می‌گویند «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» پناه می‌برم به خداوند از شیطان رانده شده

۱۷- نیست درد ایره یک نقطه خلافاز کم و بیش که من این مسأله بی‌چون و چرامی بینم

حافظ انجوی

اشاره به آیه ۳ از سوره ملک: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ» پروردگاری که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید آیا نمی‌بینی در پدیده‌های خدای بخشاينده تفاوتی بر گردان چشم را آیا هیچ می‌بینی در آسمانها نقصانی را.

۱۸- چو هست آب حیات به دست تشنه‌میر فلا تمت و من الماء کل شیء حی

حافظ قدسی

مستفاد از آیه ۳۰ سوره انبیاء: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» آیا آنکه کافر شدند ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود پس ما آنها را گشاده کردیم و از آب هر چیز زنده را به وجود آوردیم آیا با این همه ایمان نمی‌آورند.

بخش پنج

حافظ و ادب عربی

۱ - الا يا ايها الساقى ادر كاسا وناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

۲/۱/۱

انا المسموم ما عندی

بـتـریاقٍ و لا راقٍ

ادر کاساً و ناولها

الا يا ايها الساقى

به نقل از حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۵

۲ - ان تلخوش که صوفی ام الخبائش خواند

اشهى لنا و احلى من قبلة العذارا

۵/۵/۸

اقتباس از ابیات ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان خلیفه مقتول اموی است.

اصدع نجی المسموم بالطرب

والنعم علی الدهر بابتة العنب

من قهوة زانها تقادمها

فهی عجوز تعلو علی الحقب

اشهى الى الشرب يوم جلوتها

من الفتاة الکريمة النسب

غمهایی را که با دلت دمساز است باروی آوردن به شادی از خود بران و تاروزگار هست

با دختر رز خوش باش! آن دختر رز شرابی است که کهنگی آن آراسته اش کرده است و همانا

پیرزنی است که سالش از هشتاد گذشته است و با همه پیری و سالخوردگی اش در روز

خودنمایی بیشتر از دخترک جوان پاک‌نژاد آرزو را برمی‌انگیزد.

به نقل از آینه جام ص ۱۰۳ و ۱۰۴

۳- برغم مدعیانی که منع عشق کنند جمال چهره تو حجت موجه است

۱۸/۲۳/۲

وَجْهُكَ الْمَأْمُولُ حِجَّتُنَا یوم یأتی الناس بالحجج

به نقل از کوچه زندان ص ۲۱۵

۴- به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست

۱۹/۲۵/۸

این بیت هم مضمون با بیتی معروف از متنبی شاعر عرب است:

و ما انا غیر سهم فی هواذ یعودُ وَلَمْ یَجِدْ فِیْهِ امْتِنَاکَا

من در هوا و عشق او تیری بیش نیستم که باز می‌گردد و در هوا جایی برای ماندن نمی‌یابد.

به نقل از آینه جام ص ۱۲۴ و ۱۲۵

۵- دیدن روی ترا دیده جان بین باید وین کجا مرتبه چشم جهان بین من است

۳۷/۵۲/۲

این مضمون را ابوالعلاء معری چنین گفته است:

رَأَوْکَ بِالْعَیْنِ فَاسْتَغْوَتْهُمُ ظَنُّ و لم یروک بعین صادق الخمر

والنجم تستصغر الابصار صورته والذنب للطرف لا للنجم فی الصغر

ترا به چشم سر دیدند و از این رو بدگمانیها آنها را از راه برد اما ترا با دیده‌ای که گزارش آن درست باشد ندیدند دیدگان ظاهر بین صورت ستارگان را خرد و کوچک می‌شمارند و در این خرد بینی گناه از دیده است نه از ستاره.

به نقل از آینه جام ص ۱۹۰

۶- بعد از اینم نبود شایبه در جوهر فرد که دهان تو درین نکته خوش استدلالیست

۴۸/۶۸/۵

اشاره به این بیت ابن سناء الملک دارد:

ولو ابصر النظام جوهر ثغرها لما شك فيه انه الجوهر الفرد

اگر گوهری (مروارید ساز) مروارید دندان اورا می دید شک نمی کرد که همان جوهر فرد است.

به نقل از حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۵

۷- دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

۹۲/۱۳۶/۱

مستفاد از نرمایش حضرت علی علیه السلام:

دع ذکرهن فما هن وفاء ریح الصبا و عهدهن هواء (سواء)

واگذار سخن و گفتگوی زنان را که ایشان را وفا نیست عهد و میثاق زنان چو نسیم صبا

هوا و باد است که در دست نیاید

به نقل از حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۱

ان النساء و عهدهن هباء ریح الصباء و عهدهن سواء

به نقل از کوجه رندان ص ۲۱۸

۸- سالها دل طلب جام جم از ما میکرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد

۹۶/۱۴۲/۱

دوائک فیک و لا تشعر ودائک منک و لا تبصر

أترعّم إنک جرمٌ صغیر و فیک إنطوی العالم الاکبر

دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام

داروی دردنت درتوست و تو از آن غافل و درد تو از توست و آن را نمی بینی - تو گمان

می کنی که جرمی کوچک هستی در صورتی که عالم اکبر در توست.

به نقل از بانگ جرس ص ۵۳

۹- من چو از خاک لحد لاله صفت برخیزم داغ سودای توام سر سویدا باشد

۱۰۷/۱۵۷/۲

سببی لها فی مضمّر القلب والحشا سریره و دُ یوم تبلی السرائر

به نقل از کوجه رندان ص ۲۱۵

۱۰ - ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود

وین بحث با ثلثه غساله می‌رود

۱۵۲/۲۲۵/۱

شرب النبذ علی الطعام ثلثه

فیها الشفاء و صحة الابدان

نوشیدن نبذ باید بعد از غذا یا همراه آن و سه گانه باشد و در آن شفا و تندرستی است.

به نقل از حافظ نامه ج ۲ ص ۷۷۵

۱۱ - بلا به گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر

بیک شکر ز تو دلخسته بیاساید

بخنده گفت که حافظ خدای را می‌پسند

که بوسه تو رخ ماه را بیالاید

۱۵۶/۲۳۰/۸ و ۹

سَأَلْتُهُ قُبْلَةً مِنْهُ عَلَى عَجَلٍ

فَأَمَرَّ مِنْ خَجَلٍ وَ اضْئَرَّ مِنْ وَجَلٍ

وَ اغْتَلَّ مِنْ بَيْنِ اشْعَافٍ يَرْفُقُهُ

وَ بَيْنَ مَنَعٍ تَمَادَى فِيهِ بِالْعَلَلِ

وَ قَالَ وَجْهِي بَدْرٌ لِاخْفَاءِ بِهِ

وَ مَبْصَرُ الْبَدْرِ لَا يَدْعُوهُ لِلْقُبْلِ

به نقل از کوجه زندان ص ۲۱۶

۱۲ - حافظ شکایت از غم هجران چه می‌کنی

در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور

۱۷۲/۲۵۴/۷

وَ تَخْلُطُ الْهَجْرَ بِالْوَصَالِ وَلَا

يَدْخُلُ فِي الصَّلَاحِ بَيْنَنَا أَحَدٌ

هجر را با وصل در می‌آمیزی و میان ما در آتشی کسی دخالت نمی‌کند.

به نقل از آئینه جام ص ۱۱۹

۱۳ - بر آن سرم که ننوشم می‌و مننه نکنم

اگر موافق تدبیر من شود تقدیر

۱۷۳/۲۵۶/۵

از فرمایش منسوب به حضرت علی عليه السلام:

و للمهين في حاجاتنا نظر

و فوق تدبيرنا لله تقدير

و از برای پروردگار در حاجات و آرزوهای ما نظر هاست و برتر و بالاتر از تدبیر ما برای

خداوند تقدیر هاست.

۱۴ - ما لسلامی و من بذی سلم

این جیراننا و کیف الحال

۲۰۵/۳۰۲/۳

تضمین از مطلع قصیده معروف بوصیری معروف به «قصیده برده»:

أَمِنْ تَذَكُّرِ جِيرَانٍ بَذَى سَلَمٍ مَزَجَتْ دُمْعاً جَرَى مِنْ مُقَلَّةٍ بَدَمٍ
(آیا از ذکر همسایگان «ذی سلم» است که سرشک دیده را به خون آغشته‌ای؟)

به نقل از کوچه زندان ص ۲۱۴

۱۵ - غَفَّتِ الدَّيَّارُ بَعْدَ عَافِيَةٍ

فاسألوا حالها عن الاطلال

۲۰۵/۳۰۲/۴

اشاره به قصیده معروف «لبیدبن ربیع» دارد:

غَفَّتِ الدَّيَّارُ مَحَلُّهَا فَمَقَامُهَا بَنَى تَابُدَ غَوْلِهَا فَرَجَاسُهَا
خانه های یاران، آنجا که لختی می آر میدند و می گذشتند و آنجا مدتی درنگ می کردند،
ویران گردیده و آثارشان محو شده است. دریغا در سرزمین منی، بر دامنه کوههای غول و
رجام، دیگر اثری از آنها نیست.

۱۶ - أَحَادِيَا بِجَمَالِ الْحَبِيبِ قِفْ وَأَنْزِلْ

که نیست صبر جمیل ز اشتیاق جمال

۲۰۶/۳۰۳/۲

ابن فارض مصری اینگونه سروده است:

أَيَا هَادِي قِفْ بِي سَاعَةً فِي الرَّبْعِ كَيْ أَسْمَعَ أَوْ أَرَى ظِبَاءَ الْجَزْعِ
۱۷ - مَنْ شَكِسَتْهُ بَدَ حَالِ زَنْدَجِي يَابِمِ در آن نفس که به تیغ غمت شوم مقتول

۲۰۸/۳۰۶/۵

ظاهراً اشاره دارد به این سخن حلاج:

أَقْتُلُونِي يَا ثِقَاتِي إِنَّ فِي قَتْلِي حَيَاتِي
و حیاتِی فی مماتِی و مماتِی فی حیاتِی

که مولانا آنرا چنین نقل کرده است:

اقتلوننی اقتلوننی یا ثقات
ای حیوة عاشقان در مردگی
ان فی قتل حیاتنا فی حیات
دل نیابی جز که در دل بردگی

به نقل از شرح غزلهای حافظ ج ۲ ص ۱۲۷۵

۱۸ - ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام

۲۱۱/۳۱۰/۳

این بیت مضمون اشعار جمیل بن عبدالله بن معمر العذری است:

تعلق روحی روحها قبل خلقنا
و من قبل ما کنا قطاماً و فی المهد
فزاد کما زدنا فاصبح نامیا
و لیس و ان متنا بمستقض العهد
ولکنه باقی علی کل حادث
و زائرنا فی ظلمة القبر والحد

روح من پیش از آفرینش ما، و پیش از آنکه ما در گاهواره و شیرخواره بودیم، به روح او پیوست. عشق من با بزرگ شدن ما فزونی گرفت و شکوفا شد و با مرگ ما از هم نخواهد گسست. بلکه همه رویدادها را پشت سر خواهد گذاشت در حالی که کسانی که از ما دیدار می کردند در تاریکی گور آرمیده اند.

به نقل از آئینه جام ص ۳۵۲ و ۳۵۳

۱۹ - پیمان شکن هر آینه گردد شکسته حال ان العهود عند صلیک النهی ذمم

۲۱۲/۳۱۲/۴

و بیننا لو رعیت ذاک معرفة
ان المعارف فی اهل النهی ذمم

به نقل از حاشیه دیوان فروبنی - غنی ص ۲۱۲ مجله یادگار س ۱ ش ۶ ص ۶۲

۲۰ - من پیر سال و ماه نیم یار بیوفاست
بر من چو عمر میگذرد پیر از آن شدم

۲۱۹/۳۲۱/۹

و ما ان شبت من کبر ولکن
رأیت من الأجبة ما اشابا

پیری من نه از سالخوردگی است که آنچه را که از دست یاران دیدم مرا پیر کرد

به نقل از کوچه زندان ص ۲۱۵

- ۲۱- جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم
۲۲۴/۳۲۹/۱
- لوم تکن فیه الجوزاء خدمته
لما رأیت علیها عقد منتطق
خطیب قزوینی - به نقل از حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۶
- ۲۲- اسب تازی شده مجروح به زیر پالان
طوق زرین همه در گردن خر می بینم
- اصبح وجه الزمان منقلباً
و صار وجهاً قفاه یا عجا
و اسرج العیر بعد ذلته
سرج غور مکللاً ذهباً
به نقل از کوجه رندان ص ۲۱۹
- ۲۳- بر سر تربت من با می و مطرب بنشین
تا به بویت ز لحد رقص کنان برخیزم
۲۳۱/۳۳۶/۴
- ابن فارض در قصیده میمیه معروف به (خمیره) اینگونه می گوید:
و لو نضحوا منها ثری قبر میت
لعاتت الیه الروح و انتعش الجسم
اگر اندکی از آن (شراب) بر خاک گور مرده ای بیافشانند، روان به او از می گردد و کالبد
نیرو می گیرد.
- ۲۴- چون صبا مجموعه گل را به آب لطف شست
کج دلم خوان گسر نظر بر صفحه دفتر کنم
به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۴ ص ۲۴۴۴
- ۲۳۸/۳۴۶/۷
- بعزم توبه سحر گفتم استخاره کنم
بهار توبه شکن میرسد چه چاره کنم
بدور لاله دماغ مرا علاج کنید
گر از میانه بزم طرب کناره کنم
- ۲۴۰/۳۵۰/۱ و ۴
- حاشا که من به موسم گل ترک می کنم
من لاف عقل می زنم این کار کی کنم
- ۲۴۱/۳۵۱/۱
- أترک الشرب و الانوار قاعة
و الطل منها علی الاشجار منشور

و الفصن یهتز کالنشوان من طرب
لا والی تـرکتی یـوم فـسـرقتـها

والورد فی العود مطوی و منشور
کاغذا الرمل فی عینی منشور

به نقل از کوجه رندان ص ۲۱۷

۲۵- جز صراهی و کتابم نبود یار و ندیم
تا حریفان دغا را ز جهان کم بینم

۲۴۴/۳۵۵/۳

این بیت مضمون دو بیت عربی است که در تاریخ و صاف (ص ۱۶۵) آمده است.

ها و ها لم یبق شیء سواها
و انی من لذات عمری لقانع

حدیث عتیق او عیق رحیق
بحسب حدیث او بمز عتیق

تنها این دو چیز است و چیزی به جز این دو برای من نمانده است و آن سخن از دوست
کهن یا شرابی کهن است؛ و من همانا از همه خوشیهای زندگیم به دو چیز خرسند هستم یا به
سخنی تازه و شیرین و یا به شرابی تلخ و کهن.

به نقل از آینه جام ص ۲۴۵

۲۶- مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از گشته خویشی آمد و هنگام درو

۲۸۱/۴۰۷/۱

طغرای گفته:

هـذا هـلال العید قد جاءنا
بمنجل یحصد شهر الصیام

به نقل از حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۶

۲۷- برو این دام بر مرغ دگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه

۲۹۷/۴۲۸/۶

اری العنقاء تکبر ان تصادا
فعانه من تطیق له عنادا

می بینم عقاب را که بالاتر می رود از آنکه صید شود (به دام نمی افتد) پس به خود رنج
می دهی که بخواهی او را صید کنی

به نقل از حافظ شیرین سخن ص ۵۸۵

۲۸- آن دم که به یک خنده دهم جان چو صراحی مستان تو خواهم که گزارند نمازم

۲۲۹/۳۳۴/۴

حافظ این تعبیر نماز صراحی را از ابن المعتز گرفته است :

و حان ركوع ابريقٍ لكأسٍ و نادى الديك «حى على الصبح»
هنگام آن رسید که ابریق شراب در برابر جام خم شود (ركوع کند) و خروس بانگ «بها
خیز برای صبحی» سر دهد.

به نقل از آئینه جام ص ۳۸۸

۲۹- سُلَيْمِي مُنْذُ خَلْتُ بِالْعِرَاقِي الْاِقْي مِنْ نُوْهَامَا الْاِقْي

۳۲۲/۴۶۰/۱

بُلَيْتُ الْاَنْ صَحْبِي بِالْبَلَايَا الْاَقِي مِنْ رَزَايَا مَا الْاَقِي

دیوان عرفانی نصیح سعید نفیسی صفحه ۲۸۴

۳۰- دَعِ التَّكَاسِلَ تَغْنَمُ فَقَدْ جَرَى مِثْلُ كِه زَادِ رَاهِرَوَانِ چِستِی است و چالاکِی

۳۲۴/۴۶۱/۷

لَوْ كَانَ هَذَا الْعِلْمُ يَدْرِكُ بِالْمُنَى مَا كَانَ يَبْقَى فِي الْبَرِيَةِ جَاهِلُ
اجهدو الاتكسل و لاتك غافلا فندامة العقبي لمن يستكاسل

دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام

اگر دست یابی به این علم به آرزو و درخواست امکان می یافت هر آینه در جهان جاهل و نادانی وجود نداشت پس کوشش کن و تن پروری و کسالت را وا گذار و غفلت مکن که پشیمانی آخر از آن غافلان و تن پروران است .

۳۱- بِسَاكِهِ گفته ام از شوق با دو دیده خود اِيْسا مَنْاْزِلَ سَلْمِيْ قَايِنَ سَلْمَاكِ

۳۲۳/۴۶۱/۲

اِيْسا مَنْاْزِلَ سَلْمِيْ اَيْنَ سَلْمَاكِ مِنْ اَجْلِهَا اِذْ بَكِيْنَاهَا بَكِيْنَاكِ
زَرْنَاكِ شَوْقًا و لَوْ اَيْدِي النَّوَى بَسَطَتْ اَرْضَ الْفَلَا جَمْرَ نَيْرَانِ لِرَزْنَاكِ

به نقل از مرحوم قزوینی - مجله یادگار س ۱ ش ۵ ص ۷۱

۳۲۔ خاکیان بی بهره‌اند از جرعه کاس الکرام

این تطاول بین که با عشاق مسکین کرده‌اند

دیوان ص ۳۶۶

تلمیح است به این بیت :

شربنا و اهرقنا علی الارض جرعة

والارض من کاس الکرام نصیب

ر.ک حاشیه حافظ قزوینی ، غنی ص ۳۶۶

۳۳۔ در این ظلمت سرا تا کی ببوی دوست بنشینم

گاهی انگشت بردندان گهی سربو سرزاتو

بیای طایر دولت بیاور مؤده وصلی

عسی الایام أن یرجعن قوما کالذی کانوا

دیوان ص ۳۷۱

اشاره به قطعه زعمانی است :

صَفَحْنَا عَنْ بَنِي ذُهَلٍ

وَقَلْنَا الْقَوْمَ إِخْوَانُ

عَسَى الْإِيَّامُ أَنْ يَرْجِعَ

نَ قَوْمًا كَالَّذِي كَانُوا

حاشیه دیوان ص ۳۷۱

بخش نش

حافظ و ارسال المثل عربی

۱- نقد دلی را که بود مرا صرف باده شد قلب سیاه بود از آن در حرام رفت

۵۸/۸۴/۷

«من یکسب مالاً بغير حَلَّةٍ یصرفه فی غیر حقّه» کسی که مالی را از راه غیر حلال بدست آورد، در ناحق خرج خواهد کرد.

به نقل از حافظ نامه ج ۱ ص ۴۱۴

۲- بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است بیار باده که ایام عمر بر باد است

۲۷/۳۷/۱

الوقت سیف القاطع = زمان، شمشیری برنده است.

به نقل از شرح عرفانی غزلهای حافظ ج ۱ ص ۲۲۴

۳- بفتراک از همی بندی خدا را زود صیدم کن که آفتهاست در تأخیر و طالب را زیان دارد

۸۲/۱۲۰/۹

اشاره به مثل عربی: فی التأخیر آفات

۴- غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل شاید که چو وابینی خیر تو درین باشد

۱۰۹/۱۶۱/۳

الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ

حافظ شیرین سخن ج ۲ ص ۵۸۷

۵- نشاط و عیش و جوانی چو گل غنیمت دان که حافظا نبود بر رسول غیر بلاغ

۲۰۰/۲۹۵/۷

و ما علی الرسول الا البلاغ و نیست بر رسول مگر رسانیدن. (سوره عنکبوت آیه ۱۸)

به نقل از حافظ شیرین سخن ص ۵۸۷

۶- شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی بد عهدی زمانه زمانم نمی دهد

۱۵۵/۲۲۹/۶

الصبر مفتاح الفرج صبر کلید گشایشهاست.

به نقل از شرح عرفانی غزلیهای حافظ ج ۲ ص ۸۹۲

۷- هر نکته که گفتم در وصف آن شمایل هر کوشنید گفتا لله در قائل

۲۰۹/۳۰۷/۱

عرب در سخن پسندیده گوید : لله در قائل

۸- تلقین و درس اهل نظر یک اشارتست گفتم کنایتی و مکرر نمی کنم

۲۴۲/۳۵۳/۳

العاقل یکفیه الاشارة - الحر یکفیه الاشاره

به نقل از حافظ شیرین سخن ص ۵۸۷

۹- دلبر از ما به صد امید ستد اول دل ظاهراً عهد فراموش نکند خلق کریم

۲۵۳/۳۶۷/۶

مصرع دوم اشاره دارد به اصطلاح «الکریم اذا وعد وفی» بزرگوار وقتی وعده داد وفا کند.

به نقل از شرح غزلیهای حافظ ج ۲ ص ۱۵۳۲

۱۰ - هر چند گاز مودم از وی نبود سودم من جرب المجرب حلت به الندامه

۲۹۵/۴۲۶/۳

ماخوذ از مثل معروف «من جرب المجرب حلت به الندامه» = هر کس آزموده را بیازماید
ندامت و پشیمانی را شایسته است.

۱۱ - بصوت بلبل قمری اگر ننوشی می علاج کی کنمت آخر الدواء الکی

۲۹۸/۴۳۰/۱

آخر الدواء الکی

به نقل از حافظ شیرین سخن ص ۵۸۷

«وَسَامِیْکُ الْأَمْرَ مَا اسْتَمْسَکَ ، وَ إِذَا لَمْ أَجِدْ بُدًّا فَآخِرِ الدَّوَاءِ الْکَیُّ» تا آنجا که امکان داشته
باشد جلوی این اشوب را خواهم گرفت ، ولی چنان که چاره‌ای نیابم آنگاه واپسین درمان ،
داغ نهادن است.

نهج البلاغه فیض الاسلام خطبة ۱۶۷ ص ۵۴۷

۱۲ - سنگسان شودر قدم نی همجو آب جمله رنگ آمیزی و تردامنی

۳۳۹/۴۷۸/۴

لون الماء لون انائه = رنگ آب رنگ ظرف آن است

به نقل از شرح غزلهای حافظ ج ۳ ص ۱۹۴۸

فہرست

آیات قرآنی

احادیث

اشعار عربی

منابع

فهرست آیات قرآنی

آ/س	صفحه	
۲۰/۱۰	۹۳	إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا
۲۷/۷	۹۲-۱۰۱	إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لَأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا
۲۷/۲۸	۶۹	إِذْ هَبَّ بِكِتَابِي هَذَا فَالَقَهُ إِلَيْهِمْ
۱۲/۹۳	۷۹	إِذْ هَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالَقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ
۵۰/۱۷	۹۰	إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ
۵۴/۱	۹۳	إِذْ تَرْتَبِ السَّاعَةُ
۱۰/۹۱	۸۵	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۳۷/۱۰	۵۶-۸۳	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۱۵/۱۸	۵۶-۸۳	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۲۴/۳۵	۷۰	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۶/۱	۶۹	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۱/۱	۶۸	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۶۷/۳	۱۰۳	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۴/۳۷	۹۲	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۲۳/۱۱	۸۶	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۱۴/۳	۹۱	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۲/۲۷	۸۵	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۷/۱۷۲	۵۹-۶۰-۷۲-۷۳	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۸۹/۶	۶۵	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ
۴۱/۳۶	۱۰۲	إِنَّا نَاقِبُ الْأَمْنِ

٩١	١٠٨/١	انا اعطينا ك الكوثر
٦١-١٠٠	٩٧/١	انا انزلناه فى ليلة القدر
٨٣	٣٧/٦	انا زيننا السماء الدنيا بزينه الكواكب
١٥-٧٣-٧٦-١٠١٣٣/٧٢		انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال
٩١	١٢/٤٠	ان الحكم الا لله
٧٧	١٦/٩٠	ان الله يامر بالعدل والاحسان
٦٧	١٣/١٧	انزل من السماء ماء
٦٤	٢٨/٧٦	ان قارون كان من قوم موسى فبغى عليهم
٧٣	٢٨/٥٦	انك لا تهدى من اخيتت
٩١	٧٦/٢٢	ان هذا كان لكم جزاء
٩١	٢/٨٦	اولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة
٨٦	٢٣/١٠	اولئك هم وارثون
١٠٣	٢١/٣٠	اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا
٩٣	٤/١٥٨	بل رفعه الله اليه
٨٢	٩٧/٤	تنزل الملائكة والروح
٦٧		جنات تجري من تحتها الأنهار
آيات ٣/١٩٨-٣/١٣٦-٣/١٥٥/١١٩-٢٠/٧٦-٢٢/١٤-٥٧/١٢-٨٥/١١		
٦٧	٨٧/٣٢	حدائق واعنابا
٨٢	٩٧/٦	سلام هي حتى مطلع الفجر
٦٥	١٧/٧٧	سنة من قذ ارسلنا قبلك من رسلنا
٦٥	١١١/٣	سيصلى نارا ذات لهب
٨٤ ٩١	٧٦/٢١	عاليهم ثياب سندس
٦٢	٥٣/١٤	عند سدرة المنتهى
٩١	٥٣/١٥	عندها جنة المأوى
١٠٠	١٥/٢٩	فاذا سوتيه ونفخت فيه من روحي

٦٨	١/٣٦	فاز لهما الشيطان عنها فاخرجهما
٩١	٤٠/١٢	فالحكم لله العلى الكبير
٨٧	٢٠/١٢١	فا كلا منها فبدت لهما
٦٩-١٠٠	٦/٩٦	فالتق الاصباح فجعل ليل سكنا
٧٢	٧/١٠٧	فالتقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين
٥٨	٢٦/١١٩	فانجيناه و من معه فى الفلك المشحون
٦١	١/١١٥	فاينما تولوا فثم وجه الله.
٥٩	٢٣/١٤	فتبارك الله احسن الخالقين
٧١	٢٨/٨١	فخسفنا به وبدارة الارض
٦٤-٨٦	٧/٢٢	فدلهما بغرور فلما ذاقا الشجرة
٧٨-٩٤	٢٨/٣٠	فلما اتها نودى من شاطى
١٥	١٢/٣٠	فلما سمعت بمكرهن ارسلت اليهن
٩٤	٩٩/٧	فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره
٩٥	٢٠/١٢٠	فوسوس اليه الشيطان
٩٥	٣٠/١٥	فهم فى روضة تحبسون
٧٨	٢٨/٢٧	قال انى اريد ان اتيحك اخذى ابنتي هاتين
٦٦	٢٠/٥٠	قال زيننا الذى اعطى كل شىء خلقه
٦٥	١٨/٦٦	قال له موسى هل اتبعك على ان تعلمن مما علمت رشدا
٦١-٨٧	٣٦/٧٨	قال من يحيى العظام وهى رميم
٦٤	٢٧/١٣	قالوا هذا سحر مبين
٧٧	٧/١٨٨	قل لا املك لنفسى نفعا
٦٣	١٣/٢٧	قل ان الله يفضل من يشاء ويهدى اليه
٦٦	٢/١٤٢	قل لله المشرق والمغرب يهدى من يشاء
٦٨-٨٢	١٢/٥١	قللن حاش لله ما علمنا
١٠٢	٩/٥١	قل لن يصيبنا الا ما كتب الله

۸۴	۲۱/۶۹	قلنا یا نارکونی بردأ و سلاما
۶۹	۱۱۲/۱	قل هو الله احد
۵۹-۸۷	۳۹/۵۳	قل یا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم
۵۷	۱۱/۴۸	قيل یا نوح اهبط بسلام منا
۵۹-۶۰	۲۸/۸۸	كل شیء هالك
۵۹-۶۰	۵۵/۲۶	كل من عليها فان
۶۴	۶/۱۰۳	لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار
۸۴	۳۹/۵۳	لا تقنطوا من رحمة الله
۶۹	۵۷/۲۳	لكيلا تأسوا على ما فاتكم
۹۳	۳۱/۲۶	لله ما فى السموات و الارض
۵۸	۹/۵۱	لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا
۵۷-۶۸-۸۴	۶/۱۲۷	لهم دار السلام عند ربهم
۹۰	۵۰/۱۸	ما يلفظ من قول
۶۳	۶۲/۵	مثل الذين حملوا التوریه
۸۲	۱۵/۴۹	نبی ء عبادى ائى انا الغفور الرحيم
۹۵	۶۸/۱	ن والقلم و ما یسطرون
۷۲	۲/۸۷ و ۲۵۳	و آتینا عیسی ابن مریم البينات
۷۲	۲۸/۷۷	واتبع فیما اتک الله الدار الآخرة
۷۲	۷/۱۴۸	واتخذ قوم موسى من بعده
۵۹-۷۲-۷۳	۷/۱۷۲	و اذ اخذ ربك من بنى آدم
۶۸-۱۰۰	۲/۳۰	و اذ قال ربك للملائكة انى جاعل فى الارض خليفه
۷۸	۱۹/۵۱	و اذ کر فى الكتاب موسى انه كان مُخلصًا
۶۵	۷۰/۵۴	و الشمس و القمر النجوم مسخرات
۶۵-۷۸	۲۹/۶۹	والذين جاهدوا فىنا لنهدينهم سبلنا
۸۹	۴۲/۳۸	والذين استجابوا لربهم

۸۶	۲۵/۷۲	والذین لا یشهدون الزور
۱۰۳	۴۱/۳۶	و اما ینز غنک من الشیطان
۵۷	۴/۲۵	و ان تصبروا خیر لکم و الله غفور رحیم
۷۷-۸۸	۴/۷۸	و ان تصبهم سینة یقولوا هذه من عندک
۸۲-۱۰۲	۶۸/۵۱	و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم
۸۵	۱۰/۹۰	و جاوزنا بنی اسرائیل البحر
۹۱	۷۶/۱۲	و جزئهم بما صبروا جنة و حریرا
۸۳	۱۵/۱۷	و حفظناها من کل شیطان رجیم
۸۳	۳۷/۷	و حفظا من کل شیطان مارد
۸۳	۱۲/۲۳	و راوته الی هو فی بیتها عن نفسه
۵۵	۲۱/۸۹	و زکریا اذ نادى ربه رب لا تذرنى فرداً
۸۰	۱۲/۲۰	و شروه بثمان بختین دراهم
۷۵	۲/۲۱۶	و عسى أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم
۹۴	۲۰/۱۲۱	و عصی آدم ربه فغوى
۵۷	۱۱/۴۱	و قال اركبوا بسم الله مجریها
۶۸	۲/۳۵	و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة
۶۸-۸۲	۱۲/۳۱	و قلن حاش الله ما هذا
۹۳	—/۳۶	و کأسا دهاقا
۱۰۲	۵/۴۵	و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعين
۸۱	۱۲/۵۶	و کذلک مکننا لیوسف فی الارض
۷۵	۲۸/۸۸	و لاتدع مع الله الهاً اخر
۶۷	۶/۱۶۴	و لاتزروا وزارة و زراخری
۶۳	۲۸/۷۷	و لاتنس نصییک من الدنيا
۸۱	۲۹/۱۴	و لقد ارسلنا نوحاً الی قومه
۷۲-۸۳	۵۰/۱۶	و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه

٩٣	٧/١١	و لقد خلقناكم ثم صورناكم
٥٦	٦٧/٥	و لقد زيننا السماء الدنيا بمصابيح
٧٨	٧/٣٤	و لكل امة اجل فاذا جاء اجلهم
٧٩	٢/١١٥	و لله مشرق و المغرب فايضا تولوا فثم وجه الله
٨٨	٧/١٢٣	و لما جاء موسى لميقاتنا
٧١	٢٤/٢٠	و لولا فضل الله عليكم و رحمته
٦٩	٢/١٠٢	و ما انزل على الملكين ببابل هاروت و ماروت
١٠٢	٥١/٥٦	و ما خلقت الجن و الانس
٦٢	١١/٦	و ما من دابة في الارض
٩٥-١٠٠	٦٥/٢	و من يتق الله يجعل له
٨٤	٦٥/٣	و من يتوكل على الله فهو حسبه
٩٤	٩٩/٨	و من يعمل مثقال ذرة شراً يره
٥٩	١٩/٥٢	و نادينا من جانب الطور الايمن
٩٤	٧/١٢٢	و واعدنا موسى ثلاثين ليلة
٥٧	١١/٤٢	و هي تجري بهم في موج كالجبال
٥٧	١١/٣٨	و يصنع الفلك و كلما مر عليه
٨٨	٥٢/٢٤	و يطوف عليهم غلمان لهم
٩٥-١٠٠	٦٥/٣	و يرزقه من حيث لا يحتسب
٦٧	٥/١٠٥	يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم
٧٣	٣٥/١٥	يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله
٦١	٢٧/١٨	يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم
٧١	٢/٤٠	يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم
٨٨	٩/٢١	يبشرهم ربهم برحمة
٧٦	٢/٢١٩	يسئلونك عن الخمر و الميسر
٨٨	٥٦/١٧	يطوف عليهم ولدان مخلدون

فهرست احاديث

صفحه

۱۴	اذا فسد السلطان فسد العالم
۱۴-۹۲	اذا فسد العالم فسد العالم
۵۸	الارواح جنوده مجنونة
۸۰	اسلم شیطانی علی یدی
۸۰	اسلمت شیطان نفسی بیدي
۷۷	افترقت الیهود علی احدى و سبعین فرقه
۸۶	الهی ما عبدتک خوفاً
۷۱	الانسان سرى و عناصره
۵۵	ان الله تبارک و تعالی خلق اسماء بالحروف
۱۰۱	ان الله خلق آدم علی صورة
۵۵	ان الله خلق الخلق غنیاً عن طاعته
۵۵	ان الله سبحانه و تعالی خلق الخلق حين خلقهم
۵۵	ان الله عز وجل خلق الخلق حيث خلقهم
۶۰-۸۵	انا عند منکرة قلوبهم
۷۶	ان امتی ستفرق بعدی ...
۱۴	انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال
۹۴	انما یحصد ابن آدم ما یزرع
۹۴	ان من الذنوب ذنوباً
۶۳-۸۹	انی لاجد نفس الرحمن من جانب الیمن
۷۴	ایاک و والتنعم فان عبادالله
۷۹	البيت الذی یقرء فیہ القرآن

١٣١	فهرست احاديث
٦٢	تخففوا تلحقوا - نجى المخفون
٥٦	الخمر ام الخبائث
٧٦-٧٩	خمرت طينت آدم بيدى اربعين صباحاً
٥٨	رب زدنى فيك حيرة و تحيرا
٩٠	رحمتى سبقتى ...
٦٥	رفع عن امتى الخطأ و النسيان
٩٠	سبقت رحمتى غضبى
٥٧-٨٥-١٠٠	الصبر مفتاح الفرج
٦٦	الطرق الى الله بعدد انفاس الخلايق
٦٧	طوبى لمن شغله عييه
٨٧-٨٣	العبد يدبر و الله يقدر
٧٩	عدل الساعة خير من عباده سبعين سنة
٦٦	العطيات بقدر المهيآت
٧٣	عند الامتحان يكرم الرجل او يهان
٦٤-٨٠-٨١-٨٧-٩٠-٩٢	الفقر فخري و به افتخر
١٠١	القناعة كنزاً لا ينفد
٧١	قال الله عز وجل سبقت رحمتى غضبى
٩٥	قلب المؤمن عرش الرحمن
٩٠	قيل : ما ادب الصلوة
١٠١	كفى بالقناعت ملكا
٨٠-٩٢	كنت كنزاً مخفيا
٨٩-٩٠	لا صلاة الى بحضور القلب
٦١	لا يسعنى الارضى ولا سمائى
١٠٠	لا يعدم الصبور الظفر وان طال به الزمان
٨٩-٩٠	لا ينظر الله الى صلاة

١٣٢	فهرست احاديث
٦٠	لم يسعني ارضي ولا سمائي
٦٦	لو لم تذبوا لذهبت بكم
٦٣	ما اقطع الاجل الا امل
٦٧	ما رأيت شيئاً الا ورأيت الله
٧٠	من احبني قتلته ...
٨٠	ما منكم من احد و الا وله شيطان
٥٨	مثل اهل بيتي مثل سفينة نوح
١٣	المرء مخبوء تحت لسانه
٩٤	من اخلص لله اربعين صباحاً
٧٠	من عرف الله كل لسانه
٦٧	من نظر في عيب نفسه
٧٥	الناس اعداء ما جهلوا
١٢١	و سامسك الامر ما استمسك
٦٥	ولو لا انكم تذبون
٦٢	يا على نجى المخفون
٨٣	يا مقلب القلوب و الاحوال
٧١	يا من سبقت رحمته غضبه
٦٢-٧٠-٨١	يا هشام تمثلت الدنيا للمسيح من صورة امرأة
٨٣-٨٧	يغلب المقدار على التقدير

فهرست اشعار عربی

صفحه

۱۰۷	بـتـریاقی و لا راقی الا یـا ایـها الساقی	انا المسموم ما عندی ادر کـاساً و نـاولها
.		***
۱۰۷	والنعم علی الدهر بابتة العنب فهی عجوز تعلو علی الحقب من الفتاة الکریمة النسب	اصدع نجی الهموم بالطرب من قهوة زانها تقادمها اشهى الی الشرب يوم جلوتها
.		***
۱۰۹	ریح الصبا و عهدهن سواء	ان النساء و عهدهن هما

۱۱۳	و الطل منها علی الاشعار منشور	أترك الشرب و النوار قائمه
۱۱۴	و الورد فی العود مطوی و منشور کانما الرمل فی عینی منشور	و الغض بهتز كالنشوان من طرب لا والتی ترکتنی يوم فرقتهما
.		***
۱۱۴	فغانه من تطیق له عنادا	اری العنقاء تکبران تصادا

۱۱۱	مزجت دمعاً جرى من مقلة بدم	امن تذکر جیران بذی سلم

۱۱۱	کی اسمع او اری ظباء الجزع	ایا هادی قف بی ساعة فی الزبع

۱۱۱	إن فی قتلی حیاتى و مماتى فی حیاتى	اقتلونی یا ثقاتى و هیاتى فی مماتى
.		***
۱۱۲	إن فی قتلی حیاتنا فی حیات	اقتلونی اقتلونی یا ثقات

۱۱۵	من اجلها اذ بکیناها بکیناک ارض الفلا جمر نیران لرزناک	ایا منازل سلمی این سناک زرناک شوقاً ولو ایدی النوى بسطت
.		***
۱۱۵	الاقى من رزایا ما الاقى	بلت الان صبحی بالبلايا

- تعلق روحی روحها قبل خلقنا
فُزاد کسما زدنا فاصبح نامیا
ولکنه بساقی علی کل حادث
- و من قبل ما کنا قطاماً و فی المهد
و لیس و ان متنا بمنتقض العهد
و زائرنا فی ظلمة القبر واللحد
- ***
- دع ذکرهن فما لهن وفاء
ریح الصبا و عهودهن هواء
- ***
- دوائک فیک و لا تشعر
و دائک مسنک و لا تبصر
اتسزع انک جرم صغیر
- ***
- رأوک بالعين فاستغوتهم ظنن
و الذنب للطرف لا للنجم فی الصغر
- ***
- سألته قبله منه علی عجل
فاحمر من خجل واصغر من و جل
واعتل من بین اسعاف مرفقه
و قال وجهی بدر لاختفاء به
- ***
- سیبقی لها فی مضمرة القلب والحشا
سريرة و ذیوم تبلى السرائر
- ***
- شرب النبیذ علی الطعام ثلاثة
فیها الشفاء و صحة الابدان
- ***
- شربنا و اهزقنا علی الارض جرعة
والارض من کاس الکرام نصیب
- ***
- صفحنا عن بنی ذهل
و قلنا القوم اخوان
عسى الايام ان یرجع
ن قونا کساندی کانوا
- ***
- عفت الدیار محلها فمقامها
تمنى تأبد غولها فرجامها
- ***
- لو کان هذا العلم یدرک بالمعنی
ما کان یبقى فی البریه جاهل
اجهدوا لا تکسل و لا تک غافلا
قد امه العقبی لمن یتکاسل
- ***
- لولن تکن فیہ الجوزاء خدمته
لما رأیت علیها عقد منتطق
- ***
- و اذامت اسطحانی وافرشا
من غصون الکرم تحنی فرشا
و اذقنانی یا ندیمی الی
اصل کرم فرعه قد عرشا
و اقصالی کفناً من زعها
و انفجا منه علیه و ارشتا

١١٢	و بیننا لو رعیتیم ذاک معرفة	ان المعارف فی اهل النهی ذمم	

١١٥	و تخطط الهجر بالوصال ولا	یسدخل فی الصلح بیننا أخذ	

١٠٨	و حسان رکوع ابریق لکأس	و نادى الدیك «حی علی الصبح»	

٩٩	وجهک المأمول حجتنا	یوم یأتی الناس بالحجج	

١١٠	وکلانا بعد ما قلت الی	حاکم یفعل فینا ماشا	

١١٣	و للمهین فی حاجاتنا نظر	و فوق تدیرنا لله تقدير	

١٠٩	و لو نضحوا منها ثری قبر میت	لعاتت الیه الروح وانتعش الجسم	

١٠٨	و لو ابصر النظام جوهر نغرها	لما شک فیہ انه الجوهر الفرد	

١١٢	و ما انا غیر سهم فی هواة	یعود و لم یجد فیہ امتساکا	

١١٤	و ما ان شبت من کبر ولكن	رأیت من الاحبة ماشابا	

١١٤	هما و هما لم یبق شیء سواهما	حدیث عتیق او عیق رحیق	
	و انی من لذات عمری لقانع	بحلو حدیث او بمر عتیق	

	هذا هلال العبد قد جاءنا	بمنجل یحصد شهر الصیام	

فهرست منابع

- ۱ - آینه جام ؛ شرح مشکلات دیوان حافظ ؛ دکتر عباس زریاب خویی ؛ چاپ اول ؛ انتشارات علمی .
- ۲ - احادیث مثنوی ؛ جمع و تدوین بدیع الزمان فروزانفر ؛ انتشارات امیرکبیر ؛ چاپ چهارم .
- ۳ - از کوچه زندان ؛ دکتر عبدالحسین ززین کوب .
- ۴ - امالی شیخ صدوق همراه را با ترجمه فارسی حاج شیخ محمد باقر کمره ای .
- ۵ - بانک جرس (راهنمای مشکلات دیوان حافظ) نوشته پرتو علوی ؛ چاپ چهارم ؛ انتشارات خوارزمی
- ۶ - بحارالتوار ؛ محمد باقر مجلسی ؛ دوره ۱۱۰ جلدی .
- ۷ - ترجمه تفسیر طبری ، تصحیح حبیب اله یغمائی ؛ انتشارات توس .
- ۸ - تلخ خوش ؛ نقد و نظرهایی در زمینه حافظ پژوهی - سید محمد راستگو - چاپ اول ؛ نشر خرم .
- ۹ - جامع البیان فی تفسیر القرآن ؛ محمد بن جریر طبری ؛ دارالمعرفه ؛ بیروت .
- ۱۰ - حافظ شیرین سخن ؛ دکتر محمد معین ؛ انتشارات معین ؛ تهران - ۱۳۷۰
- ۱۱ - حافظ نامه ؛ بهاء الدین خرمشاهی ؛ انتشارات علمی و فرهنگی - سروش ؛ ۱۳۶۶ .
- ۱۲ - دیوان حافظ به تصحیح علامه قزوینی و دکتر غنی ؛ انتشارات زوار ؛ تهران ؛ ۱۳۶۴ .
- ۱۳ - دیوان حافظ ؛ به تصحیح قدسی ؛ انتشارات ابن سینا ؛ تهران ؛ ۱۳۴۱ .
- ۱۴ - دیوان خواجه حافظ شیرازی و کشف الایات ؛ انجوی شیرازی ؛ انتشارات زوار ؛ ۱۳۶۲ .
- ۱۵ - دیوان عراقی ؛ به تصحیح سعید نفیسی ؛ انتشارات سنائی .
- ۱۶ - دیوان متنبی ؛ اختصره سلیمان العیسی ؛ چاپ سوریه .
- ۱۷ - دیوان منسوب به حضرت علی (ع) ؛ با ترجمه فارسی حاج شیخ جواد نجفی ؛ انتشارات اسلامیه .
- ۱۸ - ذهن و زبان حافظ ؛ خرمشاهی ؛ چاپ پنجم ؛ انتشارات معین ؛ ۱۳۷۴ .
- ۱۹ - شرح مثنوی شریف ؛ بدیع الزمان فروزانفر ؛ انتشارات دانشگاه تهران - علمی و فرهنگی ؛ ۱۳۷۳ .
- ۲۰ - شرح غزل های حافظ ؛ دکتر حسینعلی هروی . انتشارات نشر نو .
- ۲۱ - شرح عرفانی غزل های حافظ - ابوالحسن عبدالرحمن ختمی لاهوری ؛ انتشارات قطره .
- ۲۲ - علم الباقین مولا محسن فیض کاشانی .
- ۲۳ - عوالی اللالی ؛ ابن ابی جمهور احسانی .
- ۲۴ - غررالحکم و درر الکلم ؛ انتشارات انصاریان .
- ۲۵ - قرآن مجید ؛ چاپخانه اسلامیه .
- ۲۶ - قصص قرآن ؛ انتشارات خوارزمی ؛ چاپ ۱۳۶۵ .
- ۲۷ - الکافی ؛ کلینی ؛ چاپ بیروت .
- ۲۸ - کلمات مکنونه ؛ فیض کاشانی ؛ انتشارات فراهانی .
- ۲۹ - لسان الغیب (حافظ شیرازی) ؛ تصحیح پژمان بختیاری ؛ انتشارات امیرکبیر .
- ۳۰ - المحجة البيضاء فی تذهیب الاحیاء ؛ مولا محسن فیض کاشانی .
- ۳۱ - مستدرک الوسائل ؛ میرزای نوری طبرسی .
- ۳۲ - مغاتیح الجنان - شیخ عباس قمی
- ۳۳ - من لا یخضره الفقیه ؛ شیخ صدوق .
- ۳۴ - نهج البلاغه ؛ ترجمه و شرح فیض الاسلام .